

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پندهای حکیمانه در آثار علامه آیه‌الله حسن‌زاده آملی

نویسنده:

عباس عزیزی

ناشر چاپی:

صلاه

فهرست

۵	فهرست
۲۳	پندهای حکیمانه در آثار علامه آیه‌الله حسن‌زاده آملی
۲۳	مشخصات کتاب
۲۳	مقدمه
۲۳	۱- مناجات عاشقانه
۲۴	۲- طریق معرفت رب
۲۴	۳- آموزش بندگی و زندگی
۲۴	۴- پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست (۱)
۲۴	۵- دگرگونی‌های الهی در گرو دگرگونی‌های مردم
۲۴	۶- خدا سر انسان است
۲۴	۷- درست‌ترین آیین‌ها
۲۵	۸- ثبت قلبی علی دینک
۲۵	۹- خدای چاره‌ساز
۲۵	۱۰- برنامه انسان‌سازی
۲۵	۱۱- اجابت ندای بندگان
۲۵	۱۲- صورت کتیبه انسان کامل
۲۵	۱۳- معجزات عیسی نبی
۲۵	۱۴- عجز مردم از تجاوز از حد قرآن
۲۶	۱۵- آرزوی روز روحانی و شب نورانی
۲۶	۱۶- ستار العیوب
۲۶	۱۷- دستورالعمل عرفانی
۲۶	۱۸- هدف خلقت
۲۶	۱۹- بریدن از شیاطین انس

- ۲۰- بزرگ ترین دستور خداوند ۲۶
- ۲۱- اثرات نیک نماز ۲۶
- ۲۲- سوق به سوی نیکی ۲۷
- ۲۳- ذکر شفا ۲۷
- ۲۴- عبرت بگیر ! ۲۷
- ۲۵- امان از فریب بیگانگان ۲۷
- ۲۶- ذکر لا اله الا الله ۲۷
- ۲۷- اول دل گوید بعد زبان ۲۷
- ۲۸- زیرک ترین مؤمنان ۲۷
- ۲۹- مراقبت نمازگزار از خویشتن ۲۸
- ۳۰- بهترین عبادت ۲۸
- ۳۱- ذکر قلبی ۲۸
- ۳۲- توصیف دعا ۲۸
- ۳۳- گفتگو با خدا ۲۸
- ۳۴- اوصاف اولیاء الله ۲۸
- ۳۵- دنیا خواهی تا لحظه مرگ ۲۹
- ۳۶- عبادت چیست ؟ ۲۹
- ۳۷- به دعا متمسک شوید ! ۲۹
- ۳۸- غفلت تا واپسین لحظات ۲۹
- ۳۹- خواسته نمازگزار ۲۹
- ۴۰- سر آیات قرآنی ۲۹
- ۴۱- قبولی توبه آدمی ۳۰
- ۴۲- ادب با خدا ۳۰
- ۴۳- اوصاف نمازگزار ۳۰

- ۴۴- تجلی دو سوره بقره و آل عمران ۳۰
- ۴۵- آخرین هذیان های حیات ! ۳۰
- ۴۶- جاری شدن حکمت از قلب به زبان ۳۱
- ۴۷- توبه آدم ۳۱
- ۴۸- سلوک نمازگزار ۳۱
- ۴۹- طهارت ظاهری و باطنی ۳۱
- ۵۰- بی حیایی ابلیس ۳۱
- ۵۱- راه تهذیب نفس ۳۱
- ۵۲- توبه از عبادت ۳۱
- ۵۳- درک فضیلت شب قدر ۳۲
- ۵۴- تجلی قرآن در قیامت ۳۲
- ۵۵- آموختن توحید ۳۲
- ۵۶- حال عاشقان در نماز ۳۲
- ۵۷- توبه جاهل ۳۲
- ۵۸- تفاوت عارف و عابد ۳۲
- ۵۹- بی خبری در حال احتضار ۳۳
- ۶۰- محبوب ترین عمل ۳۳
- ۶۱- مداومت بر عمل ۳۳
- ۶۲- الهی نامه ۳۳
- ۶۳- اجابت دعا ۳۳
- ۶۴- مداومت بر ذکر یونسی ۳۳
- ۶۵- توصیه به نماز شب ۳۴
- ۶۶- سه گانگی قلوب ۳۴
- ۶۷- وای بر سخت دلان ! ۳۴

- ۶۸- کار مقربین ۳۴
- ۶۹- نکات نورانی ۳۴
- ۷۰- تلقین بسم الله ۳۵
- ۷۱- نشانه ایمان ۳۵
- ۷۲- نصایح حکیمانه ۳۵
- ۷۳- سوره مبارکه اخلاص (۷۵) ۳۵
- ۷۴- نه این نون نان من است نه آن استاد ۳۶
- ۷۵- دستور نماز شب ۳۶
- ۷۶- نفاق ۳۶
- ۷۷- دعای بیداری ۳۶
- ۷۸- خود را فراموش می کند ۳۶
- ۷۹- از تو حرکت از خدا برکت! ۳۷
- ۸۰- انسان قرآنی ۳۷
- ۸۱- سالکان دو قسم اند ۳۷
- ۸۲- درخت ایمان ۳۷
- ۸۳- حب خدا ۳۷
- ۸۴- دورترین مردم از خداوند ۳۷
- ۸۵- دزد پر به سر مردی نزد ۳۸
- ۸۶- خود شناسی ۳۸
- ۸۷- گسترده بودن سفره توبه ۳۸
- ۸۸- وارونه شدن قلب ۳۸
- ۸۹- دستورالعمل های انسان ۳۸
- ۹۰- مایه آرامش دل ۳۸
- ۹۱- اولین قدم سلوک ۳۹

- ۳۹ ۹۲- قدرشناسی از طیب
- ۳۹ ۹۳- حرام بودن دنیا و آخرت بر اهل الله
- ۳۹ ۹۴- دعا برای دیگران
- ۳۹ ۹۵- معرفت نفس معرفت خداست!
- ۳۹ ۹۶- دروغگو فراموشکار است
- ۴۰ ۹۷- آثار نیک و بد اعمال
- ۴۰ ۹۸- خواندن پنج سوره هنگام خواب
- ۴۰ ۹۹- دشوار بوده دل از خاک کردن
- ۴۰ ۱۰۰- شگفتا از این کس!
- ۴۰ ۱۰۱- اقسام توبه
- ۴۰ ۱۰۲- برتری عالم بر عابد
- ۴۱ ۱۰۳- بزرگی گناه صغیره
- ۴۱ ۱۰۴- توبه قبل مرگ
- ۴۱ ۱۰۵- شرم از استغفار الهی!
- ۴۱ ۱۰۶- غیبت گناه بزرگ
- ۴۱ ۱۰۷- زملک تا ملکوتت حجاب بر دارند
- ۴۱ ۱۰۸- مهربان ترین مهربانان
- ۴۱ ۱۰۹- درد دنیا زدگی
- ۴۲ ۱۱۰- گفتن لا اله الا الله با اخلاص
- ۴۲ ۱۱۱- زایل شدن شیرینی
- ۴۲ ۱۱۲- چهار خصلت مانع هلاکت است
- ۴۲ ۱۱۳- برترین جهاد
- ۴۳ ۱۱۴- خودبینی حجاب راه
- ۴۳ ۱۱۵- توصیه های همنشینی

- ۱۱۶- نیکوکاری کن ! ۴۳
- ۱۱۷- اخلاص در عمل ۴۳
- ۱۱۸- همنشین ۴۳
- ۱۱۹- دعا توشه سالکان ۴۳
- ۱۲۰- مصدر همه امور خداست ۴۳
- ۱۲۱- خدایا بیامرز گناہانی را که ۴۴
- ۱۲۲- بهترین حجت رسالت ۴۴
- ۱۲۳- عملی در تهذیب نفس ۴۴
- ۱۲۴- آخرین شفاعت الهی ! ۴۴
- ۱۲۵- توبه از گناه غیبت ۴۴
- ۱۲۶- عاشق نگرید چه کند؟! ۴۴
- ۱۲۷- حقیقت ذکر ۴۵
- ۱۲۸- ذکر شریف ۴۵
- ۱۲۹- استعانت به ذکر یونسی ۴۵
- ۱۳۰- فلسفه تحریم ربا ۴۵
- ۱۳۱- صاحب این قبر دروغگوست ! ۴۶
- ۱۳۲- خوشا به حال آنان ۴۶
- ۱۳۳- مراقبت و محاسبیت ۴۶
- ۱۳۴- گشایش هشت در بهشت ۴۶
- ۱۳۵- قرآن کتاب جامع الهی ۴۶
- ۱۳۶- ذکر پس از نماز صبح ۴۷
- ۱۳۷- با آنچه که دوست داری محشور می شوی ۴۷
- ۱۳۸- من از امام کاظم (ع) شرم می کنم ! ۴۷
- ۱۳۹- سری همچون الاغ ۴۷

- ۱۴۰- قوای انسان و هدف آن (۱۴۳) ۴۷
- ۱۴۱- کفار غیبت از ابو عبدالله ۴۸
- ۱۴۲- حق یقین ۴۸
- ۱۴۳- شرور از ما است نه از او ۴۸
- ۱۴۴- برترین جزء عبادت ۴۸
- ۱۴۵- معراج مومن ۴۸
- ۱۴۶- تحدی طلبی ۴۸
- ۱۴۷- نام خوب برای فرزند ۴۸
- ۱۴۸- اسم اعظم ۴۸
- ۱۴۹- دو ملک ۴۹
- ۱۵۰- چه قساوت و غفلتی! ۴۹
- ۱۵۱- عبد شکور ۴۹
- ۱۵۲- معیار حق (۱۵۴) ۴۹
- ۱۵۳- دشمن ترین دشمنان ۴۹
- ۱۵۴- طهارت باطنی و ظاهری ۴۹
- ۱۵۵- پندی به خویشتن حبیبیم! ۴۹
- ۱۵۶- اسماء الله چون دفینه هایند ۵۰
- ۱۵۷- قرآن و شب قدر ۵۰
- ۱۵۸- سزاوار گریه کیست؟ ۵۰
- ۱۵۹- هر توبه برابر و بازگشت است؟ ۵۰
- ۱۶۰- دل عاشق به پیغمی بسازد ۵۱
- ۱۶۱- دعای غریق ۵۱
- ۱۶۲- مقیم حریم حرم باش! ۵۱
- ۱۶۳- انگیزه عبادت ۵۱

- ۱۶۴ - خرامیدن در باغ های بهشت ۵۱
- ۱۶۵ - خوی نیکو ۵۱
- ۱۶۶ - سیر در خویشتن از انفس ۵۲
- ۱۶۷ - تفاوت توبه ۵۲
- ۱۶۸ - محروم از نماز شب ۵۲
- ۱۶۹ - سرمایه همه سعادت ها ۵۲
- ۱۷۰ - با قلبش خدا را دید ۵۲
- ۱۷۱ - بخشش گناهان ۵۲
- ۱۷۲ - تخم سعادت ۵۲
- ۱۷۳ - ذکر مجرب ۵۳
- ۱۷۴ - ثمره خرد انسان ۵۳
- ۱۷۵ - برترین خرد ۵۳
- ۱۷۶ - نکاتی مفید در این ماه ۵۳
- ۱۷۷ - برادرم به فکر خود باش ! ۵۴
- ۱۷۸ - شب زنده داری ۵۴
- ۱۷۹ - تمنای دوست از دوست ۵۴
- ۱۸۰ - خنک حاجی که ناجی باشد ! ۵۴
- ۱۸۱ - نظر پاک تواند رخ جانان دیدن ۵۴
- ۱۸۲ - توصیه به قرائت و طهارت ۵۵
- ۱۸۳ - چگونگی خواندن قرآن ۵۵
- ۱۸۴ - دنیا زنی است عشوه گر و دلستان حبیبم ! ۵۵
- ۱۸۵ - آموختن همت از کبوتر ۵۵
- ۱۸۶ - نزول بلای دردناک ۵۵
- ۱۸۷ - مستحق مشایعت فرشتگان گردیدن ۵۵

- ۱۸۸- شخص زیرک ۵۵
- ۱۸۹- مسافر تائب را بپذیر! ۵۶
- ۱۹۰- باز هم شکر! ۵۶
- ۱۹۱- عبادت محیانه ۵۶
- ۱۹۲- بهترین سرمایه ۵۶
- ۱۹۳- همتم بدرقه راه کن! ۵۶
- ۱۹۴- خطاب به نفس مطمئنه ۵۶
- ۱۹۵- اگر دلش با خدا بود ...! ۵۶
- ۱۹۶- احترام به مادر نمی کند . (۲۰۳) ۵۶
- ۱۹۷- قرب با فرایض ۵۷
- ۱۹۸- تاءثیر قرائت آیه الكرسی ۵۷
- ۱۹۹- بندگان خاص خدا ۵۷
- ۲۰۰- آنچه در عرفان عملی مهم است! ۵۷
- ۲۰۱- استشاره و استخاره ۵۸
- ۲۰۲- والاترین خصلت مومن ۵۸
- ۲۰۳- وسیله ترک هوای نفس ۵۸
- ۲۰۴- زدودن زنگارزدل (۲۱۱) ۵۸
- ۲۰۵- اصحاب حال و صاحب همت ۵۸
- ۲۰۶- بدترین و بهترین حالت ۵۸
- ۲۰۷- اثر سجده طولانی (۲۱۴) ۵۹
- ۲۰۸- پندی از ابلیس!! ۵۹
- ۲۰۹- خدایی که نبینم نپرستم! ۵۹
- ۲۱۰- توبه مؤ من ۶۰
- ۲۱۱- جامعه بی عارفان ۶۰

- ۲۱۲- عظمت کلام الهی ۶۰
- ۲۱۳- علت حرام بودن ربا ۶۰
- ۲۱۴- صابر باش! ۶۰
- ۲۱۵- فانی در باقی کن! ۶۱
- ۲۱۶- نگفتن اسرار ۶۱
- ۲۱۷- معانی مختلف سوره حمد ۶۱
- ۲۱۸- نماز فقط برای خدا ۶۱
- ۲۱۹- باعث عروج ۶۱
- ۲۲۰- لغزش زبان ۶۱
- ۲۲۱- نماز زنده (۲۲۸) ۶۱
- ۲۲۲- نماز به قصد بهشت ۶۲
- ۲۲۳- فریب ریش بلند خوردن ۶۲
- ۲۲۴- در حرام و حلال دقت کن! ۶۲
- ۲۲۵- محاسبه اعمال ۶۲
- ۲۲۶- طهارت باطنی و ظاهری ۶۲
- ۲۲۷- آخرین سفارش ۶۲
- ۲۲۸- یاد خدا در هر صبح و شام ۶۳
- ۲۲۹- اهمیت واجبات و نوافل ۶۳
- ۲۳۰- وصف قرآن ۶۳
- ۲۳۱- بذر سعادت ۶۳
- ۲۳۲- شکر صفت ایثار ۶۴
- ۲۳۳- مقام الای صبر ۶۴
- ۲۳۴- خوشا آنان که دائم در نمازند ۶۴
- ۲۳۵- مرگ دل ۶۴

- ۲۳۶- خصوصیات اولیاءالله ۶۴
- ۲۳۷- شادی و سرور ۶۴
- ۲۳۸- شکم بدترین ظرف ها ۶۵
- ۲۳۹- خوشا به حال قائل لا اله الا الله ۶۵
- ۲۴۰- کراماتی از حکیم الهی قمشه ای ۶۵
- ۲۴۱- عترت ۶۵
- ۲۴۲- بهترین دعا ۶۵
- ۲۴۳- بهترین مردم ۶۶
- ۲۴۴- ذکر در شب ۶۶
- ۲۴۵- ای سرزمین ! ۶۶
- ۲۴۶- اجابت دعا ۶۶
- ۲۴۷- با خدا باش و پادشاهی کن ! ۶۶
- ۲۴۸- خوشا به حال دایم الصلوت ۶۷
- ۲۴۹- چه بد بنده ای است ۶۷
- ۲۵۰- والاتر از خواسته عبد ! ۶۷
- ۲۵۱- یاد خدا در هر حال خداوند ۶۷
- ۲۵۲- تو را به جایگاه رفیع می رساندم ۶۷
- ۲۵۳- اخلاق عارف ۶۷
- ۲۵۴- توبه در آخرین لحظات ۶۸
- ۲۵۵- پشیمانی در لحظه مشاهده مرگ ۶۸
- ۲۵۶- فواید نماز در مکان مخصوص ۶۸
- ۲۵۷- آموزش قرآن در قبر ۶۸
- ۲۵۸- بردن شفاعت از دنیا ۶۸
- ۲۵۹- پناه بردن ۶۹

- ۶۹ ۲۶۰- مشاهده خداوند
- ۶۹ ۲۶۱- خزائن الهی
- ۶۹ ۲۶۲- در روز گناه مکن
- ۷۰ ۲۶۳- آثار قرآن و قیامت
- ۷۰ ۲۶۴- وضو نور است
- ۷۰ ۲۶۵- یاد خداوند
- ۷۰ ۲۶۶- در گردنه ماندن حمار
- ۷۱ ۲۶۷- خداشناسی علی (ع) ۸
- ۷۱ ۲۶۸- محب واقعی
- ۷۱ ۲۶۹- عبور از دریا به وسیله بسم الله
- ۷۱ ۲۷۰- قرآن ، عرفان ، برهان
- ۷۲ ۲۷۱- قسی القلب
- ۷۲ ۲۷۲- قرائت قرآن با لحن عربی
- ۷۲ ۲۷۳- داناترین مردم به توحید
- ۷۲ ۲۷۴- یاد خدا در همه حال (۲۷۹)
- ۷۲ ۲۷۵- نفتی و خداشناسی
- ۷۲ ۲۷۶- کشیدن تیر در حال نماز
- ۷۳ ۲۷۷- پند قرآنی
- ۷۳ ۲۷۸- خداوند همه جا است !
- ۷۳ ۲۷۹- آرزوی قرآن به دل کردن
- ۷۳ ۲۸۰- قرآن بخوان و بالا برو
- ۷۳ ۲۸۱- مذهب شیطان
- ۷۳ ۲۸۲- تجدید وضو
- ۷۴ ۲۸۳- مثل کور چراغ به دست

- ۲۸۴- خود شناسی مقدمه ای بر خداشناسی ۷۴
- ۲۸۵- بیعت با رسول الله (ص) ۷۴
- ۲۸۶- قلعه مستحکم من ۷۴
- ۲۸۷- اخلاص در همه موارد ۷۴
- ۲۸۸- تقرب به سوی سگ ۷۴
- ۲۸۹- حیا در حضور خدا ۷۵
- ۲۹۰- دعای حضرت ابراهیم (ع) ۷۵
- ۲۹۱- در چه کار بودید؟! ۷۵
- ۲۹۲- وای بر نمازگزاران غافل! ۷۵
- ۲۹۳- نمازی که سبب نزول برکت است! ۷۵
- ۲۹۴- بهترین عبادت ذکر لا اله الا الله ۷۵
- ۲۹۵- همنشین خوب ۷۵
- ۲۹۶- غافل مباش! ۷۶
- ۲۹۷- گریه در حال نماز ۷۶
- ۲۹۸- ستمکار به نفس خود ۷۶
- ۲۹۹- قرآن سفره الهی ۷۶
- ۳۰۰- کشته شدگان در راه خدا ۷۶
- ۳۰۱- رفع مشکل با نماز ۷۶
- ۳۰۲- نتیجه صلوات فرستادن ۷۷
- ۳۰۳- بهای بهشت ۷۷
- ۳۰۴- سوره توحید و اول سوره حدید ۷۷
- ۳۰۵- نیکوترین نام ها ۷۷
- ۳۰۶- استغفار واقعی ۷۷
- ۳۰۷- عاقبت انسان ۷۷

- ۳۰۸- توبه پیری کهنسال ۷۸
- ۳۰۹- توصیف جایگاه مخلصین ۷۸
- ۳۱۰- مشمول رحمت الهی ۷۸
- ۳۱۱- بیداری برای نماز شب ۷۸
- ۳۱۲- نوشتن حسنات و سیئات ۷۸
- ۳۱۳- روح نماز ۷۹
- ۳۱۴- یاد خدا ۷۹
- ۳۱۵- عاشق معشوق ببند ۷۹
- ۳۱۶- در برائت زنهاری نیست ۷۹
- ۳۱۷- مخ عبادت ۷۹
- ۳۱۸- توبه از نماز و روزه ۷۹
- ۳۱۹- وای بر از این نمازگزار! ۷۹
- ۳۲۰- مایه سرور و آرامش ۷۹
- ۳۲۱- از برکات نماز ۸۰
- ۳۲۲- با چه کسی همنشینی کنیم ۸۰
- ۳۲۳- فرشته عمل انسان ۸۰
- ۳۲۴- پاسخ دعا ۸۰
- ۳۲۵- توصیف جنه الماوی ۸۰
- ۳۲۶- درود ملایک ۸۱
- ۳۲۷- سفر هفتاد ساله به سوی جهنم ۸۱
- ۳۲۸- علایم ایمان به خدا ۸۱
- ۳۲۹- هنوز نمازگزار نشده! ۸۱
- ۳۳۰- قاری قرآن در قیامت ۸۱
- ۳۳۱- خروج از حجاب تن ۸۱

- ۳۳۲- متقیان رستگاران اند! ۸۲
- ۳۳۳- صاحب عالی ترین درجه بهشت ۸۲
- ۳۳۴- حرمت حریم استاد ۸۲
- ۳۳۵- نعمت بیداری ۸۲
- ۳۳۶- ملکت فقر در اثر دولت صبر ۸۲
- ۳۳۷- توبه در لحظه آخر ۸۳
- ۳۳۸- محفوظ بودن ۸۳
- ۳۳۹- قرائت درست ۸۳
- ۳۴۰- توبه نصح ۸۳
- ۳۴۱- غفلت از پرسش ۸۳
- ۳۴۲- سه خصلت سودمند ۸۳
- ۳۴۳- زمان قبول توبه ۸۳
- ۳۴۴- بخیل بودن بر عمر ۸۴
- ۳۴۵- یاد مرگ ۸۴
- ۳۴۶- برترین جهاد ۸۴
- ۳۴۷- توبه از خویشتن ۸۴
- ۳۴۸- یک ساعت به خود پرداز! ۸۴
- ۳۴۹- سلوک الی الله ۸۴
- ۳۵۰- فضیلت خواندن سوره واقعه ۸۵
- ۳۵۱- خوشا به حال سابقون! ۸۵
- ۳۵۲- نجات دهنده ۸۵
- ۳۵۳- جایگاه ابرار ۸۵
- ۳۵۴- دو مقام ۸۵
- ۳۵۵- با فضیلت ترین مردم ۸۵

- ۳۵۶- پاداش نیکان ۸۶
- ۳۵۷- بی هوش شدن موسی (۳۵۱) ۸۶
- ۳۵۸- قناعت در زندگی ۸۶
- ۳۵۹- تجلی خداوند ۸۶
- ۳۶۰- قرآن آب حیات است ۸۶
- ۳۶۱- اشتیاق بهشت ۸۷
- ۳۶۲- دعای امام سجاد (ع) ۸۷
- ۳۶۳- خدایا بر تحیرم بیافزا! ۸۷
- ۳۶۴- نفس مظهر رب ۸۷
- ۳۶۵- دعا برای کسب علم ۸۷
- ۳۶۶- عمارت بیت المقدس ۸۸
- ۳۶۷- ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا! ۸۸
- ۳۶۸- سوره اخلاص ۸۸
- ۳۶۹- تکلم به زبان نکنند ۸۸
- ۳۷۰- برخیز ای انسان از خواب گران! ۸۸
- ۳۷۱- صندوق اسرار هر کس ۸۸
- ۳۷۲- هر کس مرا در نفس خود ذکر کند! ۸۹
- ۳۷۳- احوال مقدس ماءبان ۸۹
- ۳۷۴- خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد! ۸۹
- ۳۷۵- نیت هر کس مهم است؟ ۸۹
- ۳۷۶- یا الله اغثنی ۸۹
- ۳۷۷- دنیا روزنه آخرت ۸۹
- ۳۷۸- شگفت ندیدن است نه دیدن! ۸۹
- ۳۷۹- احوال پختگان ۹۰

- ۳۸۰- جوهر انسانی ۹۰
- ۳۸۱- شناخت خدا ۹۰
- ۳۸۲- درکات و درجات انسانی ۹۰
- ۳۸۳- بنگر که در مزرعه خویش چه کاشته ای؟! ۹۰
- ۳۸۴- تا به جایی رسی که یکی از جهان و جهانیان بینی! ۹۱
- ۳۸۵- دستور ادب آموز الهی ۹۱
- ۳۸۶- غافل از نور مباش! ۹۱
- ۳۸۷- عیدی علامه طباطبایی ۹۱
- ۳۸۸- غافل از نور مباش! ۹۱
- ۳۸۹- نسبت دنیا به آخرت ۹۱
- ۳۹۰- توشه ای به فراخور سفر باید! ۹۲
- ۳۹۱- که یکی هست و هیچ نیست جز او! ۹۲
- ۳۹۲- اگر کوری بینا گردد! ۹۲
- ۳۹۳- تو خود حجاب خودی! ۹۲
- ۳۹۴- صبر جزیل ۹۲
- ۳۹۵- میان ماه و رخ یار من مقابله بود! ۹۳
- ۳۹۶- زاهد تویی ۹۳
- ۳۹۷- خلق رحم ۹۳
- ۳۹۸- شهادت فاطمه در اذان ۹۳
- ۳۹۹- شناخت فاطمه زهرا همانند درک شب قدر ۹۳
- ۴۰۰- علت نام گذاری فاطمه زهرا ۹۳
- ۴۰۱- نامحدود بودن ظرفیت آدمی ۹۴
- ۴۰۲- پندهای برگزیده از صد دانه در یکدانه ۹۴
- ۴۰۳- کلمات قصار ۹۶

۹۶	پی نوشتها
۹۶	۱ تا ۱۵۰
۹۸	۱۵۱ تا ۳۰۰
۹۹	۳۰۱ تا ۴۰۸
۱۰۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پندهای حکیمانه در آثار علامه آیه‌الله حسن‌زاده آملی

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسن‌زاده آملی حسن ۱۳۰۷ - عنوان و نام پدیدآور: پندهای حکیمانه در آثار علامه آیه‌الله حسن‌زاده آملی عباس عزیزی مشخصات نشر: قم صلاه ۱۳۸۱ - مشخصات ظاهری: ج. ۵. شابک: ج. ۱. ۹۶۴-۷۴۳۶-۰۰-۹؛ ۱۸۰۰۰ ریال (ج. ۱)، چاپ پنجم)؛ ۱۸۰۰۰ ریال ج. ۲، چاپ پنجم ۹۶۴-۷۴۳۶-۴۹-۱؛ ۱۸۰۰۰ ریال ج. ۳، چاپ پنجم ۹۶۴-۷۴۳۶-۵۳-X؛ ۱۸۰۰۰ ریال ج. ۴، چاپ پنجم ۹۶۴-۲۵۲۵-۱۶-X؛ ۲۷۰۰۰ ریال (ج. ۴، چاپ دوم)؛ ج. ۵. ۹۶۴-۹۷۸-۲۵۲۵-۳۵-۵: یادداشت: این کتاب قبلاً توسط همین ناشر به صورت تک‌جلدی نیز منتشر شده است یادداشت: ج. ۱ - ۴ (چاپ پنجم: ۱۳۸۷). یادداشت: ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۰) (فیپا). یادداشت: ج. ۴ (چاپ دوم: ۱۳۸۹). یادداشت: کتابنامه موضوع: اندرنامه‌ها موضوع: داستان‌های اخلاقی شناسه افزوده: عزیزی عباس ۱۳۴۲ - گردآورنده رده بندی کنگره: BP۲۴۹/ح ۵ پ ۹ ۱۳۸۱ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۷ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۶۹۸۵

مقدمه

هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقين قرآن به انسان حیات حکیمانه می‌بخشد. قرآن کریم بند و موعظه برای انسان است. قرآن کریم پندآموز عالمیان است. نهج البلاغه کتاب پند و اندرز و موعظه است. سخنان و پندهای معصومین سعادت انسان را در دنیا و آخرت بیمه می‌کند. پندها زداینده زنگار غفلت هستند. در حقیقت بیداران کسانی اند که پندپذیرند. امام حسن (ع) می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که نسبت به خویش یا برادر دینی با خانواده اش اندرز گو باشد. هر انسانی در وجود و نهادش باید واعظی درونی داشته باشد. پندها و مواعظ اگر از دلی پاک بر زبانی مطهر جاری گردد اثر بخش است. پندها و مواعظ از قلم پاک است که سبب بیداری انسان می‌شوند. پند دهنده خود باید نخست عامل باشد تا بتواند بر دیگران نیز تأثیر گذارد. پند گرفتن، عبرت گرفتن است (یعنی از موعظه باید نتیجه گرفت و عمل کرد، نه اینکه صرفاً شنیده یا دید). موعظه، حیات دل‌هاست. موعظه، نصیحتی است شفا بخش. پند برای کسی که بدان عمل نماید شفاست. موعظه سودمند و پند مؤثر آن است که شنونده را از عمل به زشتی‌ها و بدی‌ها باز دارد. پند، جلا دهنده قلوب است. پند، غفلت و بیخبری را از انسان زایل می‌کند. پند، وعظ و نصیحت، بیداری را در پی دارد. بهترین پندها آن است که آدمی را از زشتی‌ها باز دارد. شنیدن پند تنها با گوش و با غفلت دل سودی ندارد، در پند و اندرز دل باید بیدار گردد تا سودمند افتد. آثار آیه‌الله علامه حسن‌زاده آملی گنجینه‌ای است که موجب بیداری انسان و ارتباط با خدا می‌گردد. استاد بزرگوار پندهایی حکیمانه، عارفانه و عاشقانه در کتاب‌های گرانقدر خود بیان نموده که هر یک نور و شفاست و باعث می‌شود که زنگار غفلت از وجود انسان پاک شود. امید که با خواندن این پندهای آموزنده و حکیمانه و عمل به آنها بتوانیم سعادت دنیا و آخرت خویش را بیمه نماییم. و از خداوند می‌خواهیم که وجود پر نعمت و پربرکت استاد علامه حسن‌زاده آملی را در ظل توجهات حضرت ولی عصر امام زمان - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه فداء - حفظ نماید. خدای بزرگ را شاکر و سپاسگزارم که لیاقت شاگردی این استاد بزرگ را به من داده و توانستم آثار او را برای نسل جوان در موضوعات گوناگون تهیه و تنظیم کنم. عباس عزیزی حوزه علمیه قم اسفند ۱۳۷۹

۱- مناجات عاشقانه

الهی! از من آهی و از تو نگاهی. الهی! عمری آه در بساط نداشتیم و اینک جز آه در بساط ندارم. الهی! غبطه ملایکه ای را می خورم که جز سجود نمی دانند، کاش حسن از ازل تا ابد در یک سجده بود. الهی! تا کی عبدالهوی باشم، به عزت تو عبدالهوی شدم. الهی! سست از آن که مست تو نیست کیست؟ الهی! همه این و آن را تماشا کنند و حسن خود را، که عجیب تر از خود نیافت. الهی! دل بی حضور چشم بی نور است، این دنیا را نمی بیند و آن، عقبی را. الهی! همه حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده. الهی! هر که شادی خواهد بخواد، حسن را اندوه پیوسته و دل شکسته ده. الهی! آن که خوب را بحاله اصطیاد مبشرات نکرده است، کفران نعمت گرانبھائی کرده است. الهی! مراجعات از مهاجرت به سویت تعرب بعد از هجرت است و تویی که نگهدار دل هایی. الهی! آن که در نماز جواب سلام نمی شنود، هنوز نماز گزار نشده، ما را با نماز گزاران بدار. الهی! خوشا آن که بر عهدش استوار است و همواره محو دیدار است. الهی! آن کس تاج عزت بر سر دارد که حلقه ارادتت را در گوش دارد و طوق عبودیت را در گردن

۲- طریق معرفت رب

معرفت نفس طریق معرفت رب است که از سید انبیاء (ص) و هم از سید اوصیاء (ع) ماء ثور است: من عرف نفسه فقد عرف ربه هر کس در خویشتن بیاندیشد و در خلقت خود تفکر و تامل کند، دریابد که این شخص محیر العقول، واجب بالغیر است.

۳- آموزش بندگی و زندگی

دستوراتی که در نماز به جا آورده شود و گفته شود، بندبند آن همه آموزنده است، و هر بند آن راه و رشته ای در خداشناسی است، و آیین و روش آموزش زندگی و بندگی است.

۴- پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست (۱)

از امیر المؤمنین علی علیه السلام در چند موضع روایت شده است: فتجلی سبحانه لهم فی کتابه من غیر ان یكونوا راءوه بما اریهم من قدرته؛ (۲) پس خدای سبحان با ارائه قدرت خود در کتابش برای مردم تجلی کرده بدون آن که او را ببینند.

۵- دگرگونی های الهی در گرو دگرگونی های مردم

خداوند سبحان می فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بآئفسهم؛ (۳) خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند.

۶- خدا سر انسان است

انسان مرد کامل است نه صورت انسانیه، و در حدیث قدسی آمده است: الانسان سری و انا سره؛ انسان سر من است و من سر او هستم. (۴)

۷- درست ترین آیین ها

خداوند سبحان می فرماید: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اعقوم؛ (۵) این قرآن به درست ترین آیین ها راه می یابد.

۸- ثبت قلبی علی دینک

بسیار کسانی که دعوی بندگی کرده اند و دم از ترک دنیا زده اند؛ تا دنیا بدیشان روی آورد، جزوی همه را پشت پا زده اند. این بنده در معرض امتحان نیامده شرمسار است، به حق خودت ثبت قلبی علی دینک! (۶)

۹- خدای چاره ساز

الهی! ما همه بیچاره ایم و تنها تو چاره ای، و ما هم هیچ کاره ایم و تنها تو کاره ای. (۷)

۱۰- برنامه انسان سازی

نماز ستون دین و بهترین و استوارترین برنامه آدم ساز است. (۸)

۱۱- اجابت ندای بندگان

خداوند سبحان می فرماید: و اذا ساءلك عبادی عنی فانی قریب اءجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون؛ (۹) چون بندگان من درباره من از تو بپرسند بگو من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می دهم، پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند.

۱۲- صورت کتیبه انسان کامل

بدان ای عزیز که قرآن کریم صورت کتیبه انسان کامل است، و قرآن به راست ترین و درست ترین راه هدایت کننده است. خداوند سبحان می فرماید: ان هذا القرآن یهدی للتی هی اءقوم؛ (۱۰) یعنی قرآن کریم عین صراط مستقیم است. قوله سبحانه: و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبیل؛ (۱۱) هر کس که حقیقت قرآن را در خود پیاده کرده است راه مستقیم به سوی هر خیر را پیموده است. و هر کس به هر اندازه که واجد آن است به همان اندازه قرآن و انسان است، و به انسان کامل تقرب جسته است. (۱۲)

۱۳- معجزات عیسی نبی

عیسی پیامبر - صلوات الله علیه - فرموده است: اءنی قد جئتكم بأیة من ربكم اءتی اخلق لكم من الطین كهیئة الطیر فاءنفخ فیہ فیکون طیرا باذن الله و ابری الاء كمه و الاء برص و اءی الموتی باذن الله - الایة (۱۳) من با معجزه ای از پروردگارتان نزد شما آمدم، برای تان از گل چیزی چون پرنده می سازم و در آن می دمم، به اذن خدا پرنده ای شود، و کور مادرزاد و برص گرفته را شفا می دهم و به فرمان خدا مرده را زنده می کنم.

۱۴- عجز مردم از تجاوز از حد قرآن

در حدیث است که ان للقرآن ظهرا و بطنها و حدا و مطالعا؛ یعنی قرآن ظاهری دارد و باطنی، حدی دارد و مطالعی و غرض از حد آن اندازه از معنی است که دیگران نیم توانند از آن تجاوز کنند؛ یعنی عجز مردم آنها را منع می کند از تجاوز. (۱۴)

۱۵- آرزوی روز روحانی و شب نورانی

الهی! روزم را چون شبم روحانی گردان و شبم را چون روز نورانی. (۱۵)

۱۶- ستار العیوب

الهی! اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم! (۱۶)

۱۷- دستور العمل عرفانی

باید انسان یک مقدار زیاده بر معمول تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبه حیوانیت کمتر، و روحانیت قوت بگیرد، و میزان آنها را هم چنین فرمود: که انسان اولاً روز و شب زیاده از دو مرتبه غذا بخورد حتی تنقل مابین الغدائین نکند. ثانیاً هر وقت غذا می خورد باید مثلاً یک ساعت بعد از گرسنگی بخورد، و آن قدر بخورد که تمام سبز نشود، این در کم غذا. و اما کیفش باید غیر از آداب معروفه، گوشت زیاد نخورد، به این معنی که شب و روز هر دو نخورد، و در هر هفته دو سه دفعه هر دو را یعنی هم روز و هم شب را ترک کند، و یکی هم اگر بتواند للتکلیف نخورد، و لامحاله آجیل خور نباشد و اگر احیاناً وقتی نفسش زیاد مطالبه آجیل کرد استخاره کند. و اگر بتواند روزه های سه روزه هر ماه را ترک نکند. و اما تقلیل خواب می فرمودند شبانه روز شش ساعت بخوابد. و البته در حفظ لسان و مجانبت اهل غفلت اهتمام زیاد نماید. اینها در تقلیل حیوانیت کفایت می کند. و اما تقویت روحانیت: اولاً دائماً باید هم و حزن قلبی به جهت عدم وصول به مطلوب داشته باشد. ثانیاً تا می تواند ذکر و فکر را ترک نکند که این دو جناح سیر آسمان معرفت است. در ذکر عمدۀ سفارش اذکار صبح و شام اهم آنها که در اخبار وارد شده. و اهم تعقیبات صلوات و عمدۀ تر ذکر وقت خواب که در اخبار ماء‌ثور است، لاسیما متطهراً در حال ذکر به خواب رود. و شب خیزی می فرمودند زمستان ها سه ساعت، تابستان ها یک ساعت و نیم. و می فرمودند که در سجده ذکر یونسیه یعنی در مداومت آن که شبانه روزی ترک نشود، هر چه زیادتر توانست کردن اثرش زیادتر، اقل اقل آن چهارصد مرتبه است خیلی اثرها دیده ام. بنده خود هم تجربه کرده ام چند نفر هم مدعی تجربه اند. یکی هم قرآن که خوانده می شود به قصد هدیه حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیه و آله خوانده شود. (۱۷)

۱۸- هدف خلقت

الهی! در خلقت شیطان که آن همه فواید و مصالح است، در خلقت ملک چه ها باشد؟ (۱۸)

۱۹- بریدن از شیاطین انس

الهی! از شیاطین جن بریدن دشوار نسبت، با شیاطین انس چه باید کرد؟ (۱۹)

۲۰- بزرگ ترین دستور خداوند

نماز بزرگ ترین دستور خداوند مهربان به بندگانش است تا از کار بستن به آن در هر دو سرا، سرفراز و کامروا بوده باشند. (۲۰)

۲۱- اثرات نیک نماز

نماز انسان را فرشته خو می‌کند؛ زیرا که نمازگزار از همه بدی‌ها پاک است. هر کس که نمازگزار است، پاکیزه خوی و نیکو کردار و نیکو رفتار است، از درنده‌خویی، بدگویی، تنبلی و ولگردی بیزار و برکنار است. (۲۱)

۲۲- سوق به سوی نیکی

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می‌کند: تفکر (انسان را) به سوی نیکی و عمل به آن فرا می‌خواند.

۲۳- ذکر شفا

اسم دوا سپاس خدای را که ذکر او شفا و اسم او دواست و سامع دعا و دافع بلاست. (۲۲)

۲۴- عبرت بگیر!

برادرم! حرف این و آن را مزن، دم فروبند و تماشا کن. بنگر و عبرت بگیر. به فکر خود باش. دست توصل به دامن خاتم اوصیاء و اولیاء امام مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری (ع) دراز کن که گردنه‌های سهمگین و هولناک در پیش داری و آن بزرگوار امیر کاروان است. از افراط و تفریط بپرهیز! اهدنا الصراط المستقیم گوی. از پیروی نفس حذر کن! از او باش بگریز! به مضمون نامه‌ای که در پیش تقدیم داشتم عمل کن. به آن چه که شفاها معروض داشتم اهتمام و اعتناء داشته باش. پاسبان حرم دل باش! ای سالک ره! از خود خیردار بس رهنزنت هست در هر کمینی دل را به یاد دلدار یک جهت کن تا از محبین باشی. مناجات محبین امام زین العابدین و سید الساجدین (ع) را فراموش مکن: بسم الله الرحمن الرحیم الهی من ذالذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلا... (۲۳)

۲۵- امان از فریب بیگانگان

افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد. برای در امان بودن از فریب بیگانگان و ایمنی از مکر و حیل دشمنان.

۲۶- ذکر لا اله الا الله

اگر سالکی، بدان که طی مراحل و قطع منازل جز به گام‌های نفی و اثبات میسر نیست، و این معنی جز در کلمه طیبه لا اله الا الله یافت نشود. اهل الله گفتند که: هیچ نوع از انواع اذکار و عبادات در ترقی درجات و مقامات معنوی اثر این کلمه طیبه را ندارد. از این روی رسول الله (ص) فرمود که: در روز رستاخیز هر کار نیک سنجیده شود، جز گواهی دادن به لا اله الا الله که آن را در ترازو نهند؛ چه اگر در ترازو رود، آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه با وی برابری نکنند. کنایه از این که ثواب این کلمه را نهایت نبود و به شمار نیاید و هیچ چیز همسنگ او نگردد. (۲۴)

۲۷- اول دل گوید بعد زبان

سعی کن اول دل بگوید و آن گاه زبان. از من فدای آن که دلش با زبان یکی است. (۲۵)

۲۸- زیرک‌ترین مؤمنان

از رسول خدا (ص) پرسیدند: چه کسی در میان مؤمنان از دیگران زیرک تر است؟ در جواب فرمود: آن که به یاد مرگ بیشتر و در آمادگی برای آن شدیدتر است. (۲۶)

۲۹- مراقبت نماز گزار از خویشتن

نماز گزار با آفریدگارش گفتگو می کند و جسته جسته بدان جا می رسد که همیشه و همواره خودش را در پیشگاه او می بیند، هیچگاه خودش را فراموش نمی کند، پیوسته کشیک خویش می کشد تا درست گفتار و نیکو کردار و پاکیزه رفتار باشد و می باید که با انجام دادن این آیین و روش بسیار سودمند، ارزشمند و گرانبها، دارد خودش را راست و درست می سازد. (۲۷)

۳۰- بهترین عبادت

امام صادق علیه السلام می فرماید: بهترین عبادت آن است که همواره درباره خدا و قدرتش تفکر کنی. (۲۸)

۳۱- ذکر قلبی

چه نیکو فرموده است رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که: آیا شما را خبر ندهم به آنچه که جهاد و غزوه شما در راه خداست؟ آن ذکر باری سبحانه است. زیرا قدر این نشاء را نمی داند مگر آن کسی که خدا را ذکر می کند به ذکر مطلوب، چه اینکه حق تعالی جلیس ذاکرش است، و جلیس، مشهود ذاکر است، و هر گاه ذاکر حق سبحانه را که جلیس اوست مشاهده نکند ذاکر نیست. سعی کن که ذکر را قلب بگوید که عمده حضور قلب است و گرنه ذکر با قلب ساهی پیکر بی روان و کالبد و بی جان است. و در حدیث آمده است که: لیس الذکر قولاً باللسان فقط، ذکر در محدوده زبان خلاصه نمی شود. بلکه خداوند سبحان فرمود: و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هویه و کان امره فرطاً (۲۹) و از آنکه ما دلش را از ذکر خود بی خبر ساخته ایم و از پی هوای نفس خود می رود و در کارهایش اسراف می ورزد پیروی مکن.

۳۲- توصیف دعا

دعا کلید عطاء و وسیله قرب الهی تعالی و مخ عبادت و حیات روح و روح حیات است. دعا کوبه باب رحمت رحیمیه و سبب فتوح برکات شرح صدر و نور و ضیای سر است. دعا موجب رسوخ حب ذکر الهی در دل، و منره نفس از رین شواغل است. دعا توشه سالکان حرم کبریای لایزال، و شعار عاشقان قبله جمال، دثار عارفان کعبه جلال است. دعا سیر شهودی و کشف وجودی اهل کمال و تنها رابطه انسان با خدای متعال است. (۳۰)

۳۳- گفتگو با خدا

پیامبر بزرگوار اسلام فرمود: اگر می خواهید با خدا گفتگو کنید نماز بخوانید، و اگر می خواهید خدا با شما گفتگو کند قرآن بخوانید. (۳۱)

۳۴- اوصاف اولیاء الله

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس خدا و عظمت او را بشناسد، دهانش را از سخن، و شکمش را از طعام، باز

دارد و خود را به نماز و روزه مشغول سازد. پس مردم گفتند: پدر و مادرمان به فدایت ای رسول خدا! آیا این گونه اشخاص، از اولیای خدایند؟ فرمود: اولیای خدا سکوت کنند، و سکوت شان تفکر باشد، و سخن گویند و سخن شان ذکر باشد، و نظرشان عبرت است، و نطق کنند نطق شان حکمت باشد. راه رفتن شان میان مردم برکت است. اگر خدا برای آنان اجلی مقرر نفرموده بود، از ترس عذاب و شوق به ثواب، ارواح شان در اجسادشان نمی گنجید. (۳۲)

۳۵- دنیا خواهی تا لحظه مرگ

حکایت است مردی منزلش در نزدیکی حمام منجاب بغداد بود روزی، زنی از او پرسید: ای مرد! حمام منجاب کجاست؟ مرد، او را به جایی دیگر راهنمایی کرد؛ مکانی مخروبه که زن را راه گریختن از آن نبود. مرد به دنبال او رفت و در همان جا به او تجاوز کرد. مدت ها بعد، هنگامی که مرد در بستر مرگ افتاد، او را گفتند: بگو، لا اله الا الله. مرد، در پاسخ این بیت را خواند و مرد: (۳۳) یا رب قائله یوما و قد تبعت اءین الطریق الی حمام منجاب

۳۶- عبادت چیست؟

معمربین خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: عبادت تنه کثرت نماز و روزه نیست، بلکه عبادت، تفکر در اءمر خدای عزوجل است.

۳۷- به دعا متمسک شوید!

صادق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: علیکم بالدعاء فانکم لاتقربون بمثله؛ به دعاء تمسک جوئید که به هیچ چیز همانند دعاء به خداوند نزدیک نمی شوید. (۳۴)

۳۸- غفلت تا واپسین لحظات

عطبی نقل کرده است که مردی را هنگام مرگ گفتند بگو: لا اله الا الله. مرد گفت: آه! افسوس بر جوانی! در چه زمانی عنفوان جوانی را از دست داده ام، در حینی که غیرتمند مرد و کابین ارزان شد و حجاب از هر باب برکنار رفت. (۳۵)

۳۹- خواسته نماز گزار

نماز گزار در هر شبانه روز چند بار از آفریدگارش می خواهد که او را به راه راست و درست بدارد، راهی که همه پیامبران و دیگر بندگان شایسته اش بر آن بوده اند. و از گمراهی که راه بدکاران است دوری می جوئید. (۳۶)

۴۰- سر آیات قرآنی

یکی از مشایخ روایت می کرد که در سوره مبارکه یس اسمی هست که برطرف می شود به برکت آن کوری مادرزاد و پیسی. او را گفتند که آیا اگر کسی تمام سوره را بخواند نفعی از این مقوله که می گویی به او خواهد رسید؟ جواب داد: هر گاه حکیم یک دوا را برای مرضی مقرر کرده باشد و آن دوا در دکان عطاری باشد و مریض برود و تمام ادویه دکان او را بخورد، آیا نفعی به او خواهد رسید؟ همچنین است این اعمال. (۳۷)

۴۱- قبولی توبه آدمی

خداوند سبحان می فرماید: و علم آدم الاءسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه فقال اءنبئونی باسماء هؤلاء ان کنتم صادقین قالوا سبحانک لاعلم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم؛ (۳۸) و نام های چیزها را به آدم بیاموخت سپس آنها را به فرشتگان عرضه کرد و گفت: اگر راست می گوید مرا به نام های این چیزها خبر دهید. گفتند: منزهی تو، ما جز آنچه تو به ما آموخته ای دانشی نیست تویی دانای حکیم. خداوند سبحان می فرماید: فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو الثواب الرحیم (۳۹) و یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة؛ آدم از پروردگارش کلمه ای چند فرا گرفت، پس خدا توبه او را پذیرفت؛ زیرا او توبه پذیر و مهربان است. خداوند سبحان می فرماید: الی قوله سبحانه - قالوا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفرلنا و ترحمنا لنکومن الخاسرین؛ (۴۰) (آدم و حوا) گفتند: ای پروردگار! ما به خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیآوری از زیان دیدگان خواهیم بود.

۴۲- ادب با خدا

ادب با خدا، عبارت است از: اقتدای به آداب الهی و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پاکش؛ که همان عمل به طاعت خداوند عزوجل است و نیز حمد و سپاس او در شدت و گشایش و صبر بر بلا. از این رو، ایوب علیه السلام خطاب به خدایش گفت: رب انی منی الضر و انت ارحم الراحمین (۴۱) حضرت ایوب در این دعا ادب را از دو جهت نگاه داشته است؛ اول این که نگفته است خدایا! تو مرا به بلا انداخته ای، بلکه می گوید: مرا بیمار و سختی رسیده است. و دیگر این که نگفته است: بر من رحم نما! بلکه خود را در معرض رحمتش قرار داده و گفته است: تو از همه مهربانان عالم برتری. او چنین گوید، تا مرتبه صبر را حفظ نماید. (۴۲)

۴۳- اوصاف نماز گزار

نمازگزاری که به راستی و درستی نماز می خواند، هیچگاه دروغ نمی گوید، دزدی نمی کند، دشنام نمی دهد، خودبین و گردنکش نیست، به دنبال هرزگی نمی رود، با بدان همنشین نمی شود، همواره در راه به دست آوردن دانش و بینش است، در اندیشه پیشرفت خویش است و دور از مردم بداندیش است. (۴۳)

۴۴- تجلی دو سوره بقره و آل عمران

در قیامت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سوره بقره و آل عمران را بیاموزید، زیرا روز رستاخیز آنها دو نور تابانند، و همانند دو قطعه ابر سپید یا دو صف پرندگان بال و پر گشاده نگهداشته، بر بالای سر آنها را یاد گرفته است سایه می اندازند. (۴۴) (۴۵)

۴۵- آخرین هدیان های حیات!

مردی در حال مرگ بود و چیزی نمانده بود که جان به جان آفرین تسلیم کند. او را گفتند: بگو لا اله الا الله. گفت: اندوه من بر زمان است و در چه زمانی روزگار ناگوار اصابت کرد؛ در حینی که زمستان پشت کرد و تابستان روی آورد و شراب و ریحان خوشمزه، و پاک و پاکیزه است.

۴۶- جاری شدن حکمت از قلب به زبان

(۴۶) سیوطی در جامع صغیر از خواجه عالم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که : من اخلص لله اربعین یوما ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه ؛ کیس که به مدت چهل روز اعمالش را برای خداوند تبارک و تعالی خالص گرداند ، چشمه های حکمت از دل او بر زبانش نمایان می شود . (۴۷)

۴۷- توبه آدم

تعبیر حضرت آدم صفی مؤدب به آداب الله چنین است : ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنکونن من الخاسرین ؛ ای پروردگار ! ما به خود ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحمت نیآوری از زیان دیدگان خواهیم بود . (۴۸)

۴۸- سلوک نماز گزار

نماز گزار افتادگان را دستگیری می کند ، و با بیچارگان مهربانی می کند ، و با مستمندان دلسوزی می نماید ، و با همه فروتنی دارد و خودگذشتگی نشان می دهد و از دشمنان دین و آیین خدایی چشم می پوشد . (۴۹)

۴۹- طهارت ظاهری و باطنی

نماز گزار نماز گزار باید نخست وضو بسازد و تن و پوشاک او پاک باشد تا بتواند در پیشگاه خدایش یار یابد و با او سخن بگوید که : پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز ، کم کم آگاه می شود که جان نماز گزار هم باید مانند تن و پوشاک او پاک باشد . و چون جان آدم پاک شده است آنچه که از او پدید می آید پاک خواهد بود که از کوزه همان برون تراود که در اوست . پس نماز گزار راستین ، پنهان و آشکار او ، درون و بیرون او ، دست و دهن او ، اندیشه ها و پیشه های او ، خواسته ها و کار و کوشش او همه پاک اند . (۵۰)

۵۰- بی حیایی ابلیس

ابلیس بی ادب می گوید : فبما اغویتني لاءقعدن لهم صراطک المستقیم ؛ حال که مرا نومید ساخته ای ، من هم ایشان را از راه راست تو منحرف می کنم . (۵۱)

۵۱- راه تهذیب نفس

شایسته است بر تو که از معاشرت های خالی از تعلیم با مردم بکاهی ، به ویژه ثروتمندان و مترفین و دنیا خواهان ، باید آنچه را که آخرت را از یاد تو می برد و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد می کند ، رها کنی ، و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی ؛ زیرا این عمل به طور کلی در تهذیب نفس مؤثر است . (۵۲)

۵۲- توبه از عبادت

الهی ! توبه از گناه آسمان است ؛ توفیق ده که از عبادت مان توبه کنیم ! (۵۳)

۵۳- درک فضیلت شب قدر

از امام صادق علیه السلام روایت است که آن جناب فرمود: هنگامی که آدمی عملی را انجام می دهد باید تا مدت یک سال بر آن مداومت داشته باشد، آنگاه در صورتی که بخواهد می تواند از آن عمل دست بکشد و به عمل دیگری پردازد و این همه برای آن است که شب قدر - که آنچه مورد خواست خداوند است در آن شب مقدر می گردد - در سال مزبور قرار است و انسان مؤمن با مداومت یک ساله اش موفق به ادراک عمل شب قدر می گردد. (۵۴)

۵۴- تجلی قرآن در قیامت

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن را فرا بگیرید که قرآن در روز قیامت نزد صاحبش، یعنی کسی که آن را یاد گرفته و بدان کار بسته، در چهره جوانی نیکو روی رنگ برگشته می آید، پس بدو گوید: من بودم آنکه شبت را بیدار می داشتم، و روزهایت را تشنه می داشتم، و آب دهانت را خشک می داشتم، و اشکت را روان می داشتم، هر کجا باشی من با توام، هر بازرگانی در پی بازرگانی خود است، و من امروز برای تو، در پی بازرگانی سوداگری ام. مژده دریاب که کرامتی از خدای - عزوجل - برایت خواهد بود. پس تاجی آورند و بر سرش نهند و امان به دست راست او عطا شود و جاودانی در بهشت ها به دست چپ او. و به دو حله خلعت پوشانده شود؛ سپس بدو گفته شود: بخوان و قرآن را و بالا- برو؛ پس هر بار که آیتی را قرائت کرد درجه ای بالا رود؛ و پدر و مادرش اگر مؤمن باشند به دو حله خلعت پوشانده شوند. پس از آن بدانان گویند این پاداش شما که به فرزند خود قرآن تعلیم داده اید. (۵۵)

۵۵- آموختن توحید

فضل بن شاذان از ابن ابی عمیر روایت می کند: بر سرورم موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم و به او گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! توحید را به من بیاموز. فرمود: ای ابو احمد! درباره توحید از آن چه خدای تعالی در کتابش ذکر کرده است، تجاوز نکن که هلاک می شوی. (۵۶)

۵۶- حال عاشقان در نماز

وقتی که امیر المؤمنین علیه السلام در اثر جنگ ها، پیکان های تیر به بدن شریفش فرو می رفت، جراح، هنگامی که حضرت به نماز می ایستاد آنها را از بدنش خارج می ساخت. چون که قلب آن جناب در آن هنگام به عالم قدس و جبروت مشغول بود و هیچ گونه احساسی نسبت به درد نداشت... و چنین است حال عاشقان خداوندی که از هر گونه نقصی منزّه است. (۵۷)

۵۷- توبه جاهل

در روایتی، زراره از حضرت ابو جعفر، امام باقر علیه السلام نقل کرده است: چون نفس بدین جا رسید و اشاره به گلوی مبارکش فرمود: برای عالم توبه نیست؛ لیکر جاهل را توبه باشد. (۵۸)

۵۸- تفاوت عارف و عابد

عابد، کسی است که (علاوه بر واجبات) بر انجام مستحبات نیز مواظبت داشته باشد. عارف کسی است که با فکر خود (با تمام

وجود) به عالم جبروت رو کند و بدون وقفه در پی تابیدن نور حق در سر خویش باشد. (۵۹)

۵۹- بی خبری در حال احتضار

به شخصی دیگری در حال احتضار گفتند: بگو: لا اله الا الله. گفت: شب سرد شد و آب خوشمزه و شراب گوارا، از ما حزیران و تموز و آب گذشت. پس در همان وقت جان تسلیم کرد. (۶۰)

۶۰- محبوب ترین عمل

از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمود: اءحب الاءعمال الی الله عزوجل ماداوم علیه العبد و ان قل؛ (۶۱) محبوب ترین عمل نزد خداوند عزوجل عملی است که بنده بر آن مداومت داشته باشد هر چند که آن عمل اندک و ناجیز باشد.

۶۱- مداومت بر عمل

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: ایاک اءن تفرض علی نفسک فریضه فتفارقها اثنی عشر هلالا؛ مبادا عملی را بر خود واجب کنی و قبل از دوازده ماه آن را ترک گویی. (۶۲)

۶۲- الهی نامه

در الهی نامه گفته ام: الهی! به حق خودت حضورم ده و از جمال آفتاب آفرینت نورم ده. الهی! همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد. الهی! همه گویند بده، حسن گوید: بگیر. الهی! همه برهان توحید خواهند و حسن دلیل تکثیر. الهی! اگر چه درویشم؛ ولی دارا تر از من کیست که تو را دارم؟ الهی! در ذات خودم متحیرم تا چه رسد در ذات تو. الهی! هر چه بیشتر دانستم نادان تر شدم، بر نادانی ام بیافزا. الهی! گروهی کوکو گویند و حسن هوهو. الهی! خنک آن کس که وقف تو شد. الهی! همه از مردان می ترسند و حسن از زیستن که این کاشتن و آن درویدن. الهی! شب پره را در شب پرواز باشد و حسن را نباشد. الهی! خوشا آنان که همواره بر بساط قرب تو آرمیده اند. الهی! خوشا آنان که در جوانی شکسته شدند که پیری خود شکستگی است. الهی! حرف هایم اگر مشوش است از دیوانه پراکنده خوش است. ببخشید که سبب ترضیع اوقات شریف شما شدم. اگر غرض ایتمار امر سرکار عالی نمی بود تا بدین حد یک طومار اطاله سخن روانی داشتیم. ترقی و تعالی آن ذات محترم را از فیاض علی الاطلاق مسئلت دارم و با دلی آرمیده می گویم: خوش باش که عاقبت به خیر است تو را. (۶۳)

۶۳- اجابت دعا

حضرت یونس (ع) از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرت فرمود: یونس علیه السلام سه روز در شکم ماهی درنگ کرد و در تاریکی های سه گانه - تاریکی شکم ماهی، تاریکی شب، تاریکی دریا، ندا در داد و گفت: لا اله الا الله انت سبحانک انی کنت من الظالمین، آنگاه خداوند دعایش را اجابت کرد و سپس ماهی وی را بر ساحل افکند. (۶۴)

۶۴- مداومت بر ذکر یونسی

مرحوم استاد علامه طباطبایی فرمودند که مرحوم قاضی (استاد آن جناب عارف عظیم و سالک مستقیم حضرت آیت الله حاج سید

علی قاضی تبریزی) اول دستوری که می‌دادند ذکر یونسی بود لا-اله الا-الله انت سبحانک انی کنت من الظالمین، (۶۵) که در مدت یک سال در وقت خاص به حالت سجده ات باز خوانده شود. (۶۶)

۶۵- توصیه به نماز شب

خداوند سبحان می‌فرماید: و من اللیل فتهجد به نافله لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا و قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا. (۶۷) پاره ای از شب را به نماز خواندن زنده بدار، این نافله خاص تو است، باشد که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده برساند، بگو: ای پروردگار من! مرا به راستی و نیکویی داخل کن و به راستی و نیکویی بیرون و مرا از جانب خود پیروزی و یاری عطا کن.

۶۶- سه گانگی قلوب

حدیث آن قدوه عالمیان امام باقر (ع) را در اقسام قلب زینت و زیور این گرامی نامه قرار می‌دهیم: القلوب ثلاثه منکوس لایعی شیئا من الخیر و هو قلب الکافر، و قلب فیه نکتة سوداء فالخیر و الشرفیه. یعتلجان فایههما کانت منه غلب علیه، و قلب مفتوح فیه مصاییح تزهرو ولا یطفا نوره الی یوم القیمة و هو قلب المؤمن؛ (۶۸) ترجمه حدیث شریف به اختصار این که: دل‌ها سه گونه‌اند: دل سرنگون که هیچ خیری را نگاه نمی‌دارد و آن دل کافر است؛ ولی دلی که در آن خجکی (نقطه ای) سیاه است، خیر و شر در آن کشتی و کشمکش‌اند، پس هر کدام از آن دو، شده است همان بروی چیره خواهد شد و دلی که گشوده است، در آن چراغ‌هایی می‌درخشند و تا روز رستاخیز خاموش نمی‌شوند و آن دل مؤمن است. دل بینا می‌باید تا درباره دل سخن بگوید، این کوردل چه بگوید. خداوند متعال توفیق تحصیل قلب سلیم مرحمت بفرماید که یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم در پیش داریم. در خاتمه با عرض معذرت خواهش می‌کنم دست از دلم بردار و دل به دست صاحب‌دلی بسپار!

۶۷- وای بر سخت دلان!

خداوند در قرآن کریم فرموده فویل للقایة قلوبهم من ذکر الله اولئک فی ضلال مبین؛ (۶۹) پس وای بر سخت دلانی که یاد خدا در دل‌های شان راه ندارد، اینان در گمراهی آشکار هستند.

۶۸- کار مقربین

عبادت در دل شب کار مقربین است. (۷۰)

۶۹- نکات نورانی

این بی‌سر و پا را دو جزوه یکی موسوم به الهی نامه و دیگری مسمی به نکات است؛ سخنی چند از آن دو به حضور سمی سخن سنجم جناب آقای دکتر سید حسن امین - زاده الله المتعالی القرب الیه - تقدیم بدارم: در نکات آورده ام: نکته: نورانیة اقول علی قدر نورانیة القلب. نکته: اسیر بطن اهل باطن نمی‌شود. نکته: از انسان سر برود و سحر نرود. نکته: ملک با عالم ملک است و خیالت با عالم مثال و عقلت با عالم عقول، قابل حشر با همه ای و دارای سرمایه کسب همه؛ صادق آل محمد - صلوات الله علیهم - فرمود: ان الله عزوجل خلق علی مثال ملکوتیه، و اءسس ملکوتیه علی مثال جبروتیه، لیستدل بملکه علی ملکوتیه و بملکوتیه علی

جبروته درست بخوان و درست بدان . نکته : تا بیننده و گیرنده نشدی انسان نیستی . نکته : انسان درختی است باژگونه که ریشه آن به سوی آسمان است . نبات از زمین می روید و انسان از آسمان ، و دیگر جانوران برزخند که آفریده ای نه اینچنین و نه آن چنان ، بنگر که کدام یک از این سه گروهی . نکته : هر کسی زرع و زارع و مزرعه خود است و نیات و اعمالش بذرهايش ، بنگر تا در مزرعه خویش چه کاشتی ؟ و در قول رسول الله (ص) : الدنيا مزرعة الآخرة دقت کن ! و به عبارت دیگر : هر کسی سفره خود و مهمان سفره خود است . نکته : قرآن صورت کتیبه انسان کامل است ، و عالم صورت عینیه حقیقت . نکته : آن چه در احوال و اطوار سالک در خواب و بیداریش عایدش می شود ، عمودهایی است که از کمون شجره وجودش بروز می کند . نکته : جناب وجود ملک است و اسماء حسنی و صفات علیایش عسکرش ، هر کجا آن شاه قدم نهاد ، این لشکرش با اوست . نکته : از شاه اولیاء امیرالمؤمنین (ع) سؤال کردند که : وجود چیست ؟ گفت : به غیر وجود چیست ؟ ! (۷۱)

۷۰- تلقین بسم الله

از مقام ولایت عالم جلیل سید یعقوب متولد ۱۱۷۶ ه ق در کوه کمر مرند و متوفی ۱۲۵۶ در خوی ، از احفاد امام زین العابدین علیه السلام ، مقبره او در خوی مزار عموم است . در کتاب اختران تائبناک تالیف خطیب دانشمند حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (۷۲) آمده است که : در میان کلیه علماء چنین معروف است که سید یعقوب در یکی از شب ها جد بزرگوارش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام ، را در خواب دید و به آن حضرت از کند فهمی خود شکایت نمود ، حضرت علی بن ابی طالب به وی فرمود : بگو بسم الله الرحمن الرحیم . پس از این که بسم الله از مقام ولایت به وی تلقین شد و از خواب برخاست دید آن چه را که باید بداند می داند . (۷۳)

۷۱- نشانه ایمان

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند : الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاعراک ؛ ایمان سه چیز است : معرفت خدا به قلب و اقرار به زبان و عمل به جوارح . (۷۴)

۷۲- نصایح حکیمانه

خلوت شب را از دست مده و به حقیقت بگو الهی آمدم تا کامروا گردی . سخن و خوراک و خواب باید به قدر ضرورت باشد کلاوا و اشربوا و لا تسرفوا با عهدالله که قرآن مجید است هر روز تجدید عهد کن . صمیمانه دست توصل به دامن پیغمبر و آتش در زن که آن خوبان خدا و سایط فیض حق اند اللهم صل علی محمد و آل محمد نمی گویم مقدس نباش ؛ ولی مقدس عاقل باش . بسی بسی مباش که سخریه این و آن می شوی . فرزانه باش و دیوانه باش ! خویشتن را تفویض به حق کن و او را وکیل خود بگیر که تواناتر و داناتر و باوفاتر و مهربان تر و پاینده تر از اونخواهی یافت حسبنا الله و نعم الوکیل .

۷۳- سوره مبارکه اخلاص (۷۵)

سوره مبارکه اخلاص را با اخلاص بر زبان داشته باش ! با خلق خدا مهربان باش ! از سخنان ناهنجار اگر چه به مزاح باشد برحذر باش ! خلاف مگو ، اگر چه به مطابیت باشد ! از قسم خوردن اگر چه به راست باشد احتراز کن ! چو ایستاده ای دست افتاده گیر ! تا می توانی نماز را در وقت به جا آور ! تجارتت را مغتنم بشمار که انسان بی کار از دنیا و آخرت هر دو می ماند ! داد و ستد مانع بندگی نیست رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة . (۷۶)

۷۴- نه این نون نان من است نه آن استاد

مرحوم علامه محمد حسین فاضل تونی - رضوان الله تعالی علیه - از تنگدستی و پریشان روزگاری میر عماد حسنی در آغاز کار ، حکایت فرمود که وی به شوق و ذوق فطری و نعمت عشق خدادادی در خطه تعلیم خط سیر می کرد ، وقتی دو تا نون نوشت و مادرش را داور گرفت که این نون خوش تر است یا آن ؟ مادر بر آشفت و گفت : نه این نون نان من می شود و نه آن ، ولی دیری نگذشت که به برکت ن و القلم و مفاتیح خط و ما یسطرون ابواب رزق به رویش گشوده شده و بلغ ما بلغ ، آری : چو حسن خط اندر سرانگشت تست کلید در رزق در مشت تست (۷۷)

۷۵- دستور نماز شب

بعد از وضو ، ۱۱ رکعت نماز می خوانی که ۸ رکعت از آن نماز شب است و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر ، هیچ یک اذان و اقامه ندارد ، همه دو رکعتی اند؛ مگر وتر که یک رکعت است و در هر دو رکعت ، یک سلام السلام علیکم و رحمه الله و برکاته کافی است و همچنین در وتر . در قنوت نماز وتر ، چهل مؤ من را دعا می کنی ، مثلاً- اللهم اغفر لفلان بعد از آن هفت بار می گویی : هذا مقام العائذ بک من النار و پس از آن هفتاد بار می گویی : استغفر الله ربی و اتوب الیه بعد از آن سی صد بار می گویی : العفو و نماز را خاتمه می دهی . (۷۸)

۷۶- نفاق

روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود : اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : ای رسول خدا ! از نفاق می ترسیم . فرمود : چرا از آن می ترسید؟ گفتند : چون نزد تو آییم آخرت را به یادمان آوری و در نتیجه ، میل و رغبت مان بدان برانگیخته می شود و دنیا را فراموش می کنیم و از آن دوری می جوئیم ؛ به طوری که در حالی که نزد تو هستیم ، آخرت و بهشت و جهنم را می بینیم ؛ ولی چون از نزد تو می رویم و به خانه های خود وارد می شویم و فرزندان خود را می بوییم و عیال خود را می بینیم ، آن حالت از بین می رود؛ مثل این که اصلاً چنان حالتی نداشته ایم . آیا خوف آن نداری که این حالت ، نفاق باشد؟ حضرت فرمود : هرگز این نفاق نیست ؛ بلکه خطوات شیطان است که شما را به دنیا راغب و مایل می کند . به خدا سوگند ، اگر بر آن حالتی که گفتید باقی بمانید (به مقامی می رسید که) ، با ملایکه مصافحه کرده ، روی آب راه می روید . . . (۷۹)

۷۷- دعای بیداری

چون از خواب بیدار شدی بگو الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور .

۷۸- خود را فراموش می کند

این دو واقعه را از سفرنامه رسول الله صلی الله علیه و آله به اختصار و اجمال نقل می کنیم و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ! فرمود : در شب اسراء قومی را دیدم که لب هایشان با قیچی های آتشین قیچی می شود و به دور ریخته می شود . گفتم : ای جبریل ! اینان چه کسانی اند؟ گفت : خطبای امت تواند که مردم را به نیکی امر می کنند و خودشان را فراموش می کنند . (۸۰) و نیز فرمود : شخصی را دیدم که پسته ای را می خواهد به دوش بگیرد ، نمی تواند . باز به این سو و آن سو می رود و

چیزهایی فراهم می‌کند، و بر روی پشته می‌نهد، و باز می‌خواهد آن را حمل کند قادر نیست، و هکذا. گفتم: این چه کسی است؟ گفت: کسی که مال از مردم قرض گرفته، هنوز آن را تاءدیه نکرده از دیگری باز مالی قرض می‌کند، و هکذا. (۸۱)

۷۹- از تو حرکت از خدا برکت!

مطلبی بسیار گرانقدر و ارزشمند را فارابی در رساله اطلاعات عقل، و ملاصدرا در اسفار (۸۲) عنوان فرموده‌اند که شائنیت و قابلیت نفس این است که عاقل و مدرك همه موجودات گردد و علم بدان‌ها تحصیل کند. و شائن همه موجودات نیز این است که معقول و معلوم وی گردند، پس از تو حرکت و از خدا برکت! علاوه این که فارابی را کلامی کوتاه و بسیار بلند است قریب به این مفاد و مضمون که هیچ نبودی و هیچ نداشتی و اکنون این همه سرمایه داری، حالا که بال و پر در آوردی چرا به سوی بالاتر پرواز نمی‌کنی؟ یعنی هرگاه عقل هیولانی هیچ ندانی به مقام عقل بالفعل رسید که دانا و خوانا و گویا و شنوا شده است، هرگاه این عقل بالفعل بدین مرتبه رسیده عالمی بوالعجب گردد و به مراتب و درجاتی فوق العاده رسد، چه جای استعداد؟ و اءن لیس للانسان الا ما سعی. (۸۳) (۸۴)

۸۰- انسان قرآنی

انسان الهی انسانی قرآنی است که لا- یسمه الا المطهرون. انسان قرآنی می‌داند آنچه را که می‌اندیشد و می‌بیند و می‌شنود، خلاصه هر کار و نیتی که می‌کند آن را مس می‌کند. نیات و افکار و افعال انسان، همه انسان سازند. انسانی قرآنی مس نمی‌کند مگر پاک را. (۸۵)

۸۱- سالکان دو قسم اند

بعضی از اهل وحدت می‌گویند که سالکان بر دو قسم اند. قسم ارضی و قسمی سماوی؛ یعنی قسمی سیر و سلوک در ارض می‌کنند و بعضی طیران و جولان در سما می‌کنند. مرکب سالکان ارضی ذکر است و براق سالکان سماوی فکر است. (۸۶)

۸۲- درخت ایمان

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: الایمان شجرة اءصلها الیقین و فرعها التقی و نورها الحیاء و ثمرها السخاء. (۸۷) ایمان به خدا در مثل درختی است که ساقه آن یقین است و شاخه اش تقوی و شکوفه اش حیاء و میوه اش سخاوت است.

۸۳- حب خدا

مادر که فرزند را دوست دارد، و عالمی که متعلمان خود را، و نیکوکار که محب محسن الیهام است، و سلطان عادل که محب رعیت است، و پیغمبران که محب امتان‌اند؛ حب شان بیشتر از حب محبوبان است، پس خدا هم چنین با آنکه حب او اعظم و بیشتر است، پس درد و الم و مرض و فقر برای علتی است مقتضی حب. (۸۸)

۸۴- دورترین مردم از خداوند

بغیر ذکر الله قسوا القلب، ان اءبعد الناس من الله القلب القاسی؛ (۸۹) بدون یاد خداوند زیاده سخن مگوئید؛ زیرا که سخن زیاد

سختی دل را به دنبال دارد. همانا دورترین مردم از خداوند (صاحب) دل سخت است. (۹۰)

۸۵- دزد پر به سر مردی نزد

حضرت سلیمان علیه السلام آمد و شکایت کرد که همسایه‌ها مرغابی مرا می‌دزدند و نمی‌دانم کیست. سلیمان علیه السلام وقتی مردم در مسجد بودند خطبه خواند و گفت: یکی از شما مرغ همسایه را می‌دزدد و داخل مسجد می‌شود، در حالتی که پر او بر سرش است، مردی دست به سر کشید. گفت: بگیری که دزد اوست! (۹۱)

۸۶- خود شناسی

در شگفتم از کسی که گمشده خود را می‌جوید و خودش را گم کرده و نمی‌جوید. در شگفتم از کسی که جاهل به خود است، چگونه می‌خواهد عارف به ریش شود. غایت معرفت این است که آدمی خود را بشناسد. کسی که از خود آگاهی ندارد، چگونه از دیگری آگاهی می‌یابد. خود شناسی سودمندترین شناسایی‌ها است. کسی نفس خود را نشناسد آن را مهمل می‌گذارد. هر کس نفس خود را شناخت با آن مجاهده می‌کند. هر کس خود را شناخت پروردگارش را شناخت. (۹۲)

۸۷- گسترده بودن سفره توبه

امام باقر (ع) فرمود: آدم علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! شیطان را بر من سلطه بخشیدی، و او را چون خون (که در بدنم جاری است) بر من چیرگی دادی؛ پس مرا نیز چیزی عنایت فرما! خداوند فرمود: تو را چنین (نعمتی) بخشم که چون کسی از فرزندان، تصمیم بر انجام گناهی گیرد (و آن را انجام ندهد)، بر او نوشته نشود، و چون آن را انجام دهد (تنها) یک گناه بر او نوشته شود، و چون عزم بر انجام عملی نیک گیرد، چنانچه به انجامش نرساند، حسنه‌اش برایش نوشته شود، و چون به انجامش رسانده، ده حسنه برایش نوشته شود. آدم عرض کرد: پروردگارا! مرا بیشتر ده! فرمود: تو را این بخشم که چون کسی از فرزندان گناهی کند. و سپس از من بخشش خواهد، او را ببخشایم. عرض کرد: پروردگارا! مرا بیشتر عنایت فرما! فرمود: توبه را بدانان بخشیدم. و یا فرمود: سفره توبه را تا هنگامی که نفس به گلو برسد برایشان گستردم. آدم عرض کرد: پروردگارا! مرا کافی است. (۹۳)

۸۸- وارونه شدن قلب

از امام صادق (ع) نقل است: پدرم همواره می‌فرمود: هیچ چیز چون گناه، قلب را تباہ نکند. قلب همچنان بر گناه اصرار ورزد تا این که گناه بر آن غالب آید و آن را وارونه کند. (۹۴)

۸۹- دستور العمل های انسان

دستور العمل انسان فقط و فقط قرآن کریم و سنت رسول خاتم و آل او - علیها السلام - است و جز آن هوا و هوس است. اگر ما را گفتاری بود همان حقایق است که به قالب الفاظ دگر به فراخور فهم و بینش ما در آمد. (۹۵)

۹۰- مایه آرامش دل

امام سجاد علیه السلام در مناجاة‌الذاکرین گوید: و آنسنی بالذکر الخفی... فلا تطمئن القلوب الا بذكرک... اءستغفرک من کل بغیر ذکرک، و من کل لذة راحة بغیر انسک، و من کل سرور بغیر قربک؛ (۹۶)... به وسیله ذکر خفی (در نهان به یاد تو بودن) وحشت را از دلم بزدا... پس دل‌ها آرام‌نگیرند مگر به یاد تو... و از هر لذتی که بدون یاد تو حاصل شود و هر آسایشی که بدون انس با تو دست دهد و هر نشاطی که بدون نزدیکی با من تاءمین گردد آمرزش می‌طلبم. (۹۷)

۹۱- اولین قدم سلوک

هر کس که هوای کوی دلبر دارد از سر بنهد هر آنچه در سر دارد ورنه به هزار چله‌ار بنشیند سودش ندهد که نفس کافر دارد برادر! قدم اول در سلوک توبه و پاکی از گناه و دوری از گفتار ناپاک، و کردار و اندیشه‌های ناشایسته و خوی‌های نکوهیده است. در کلام‌خدای غفور رحیم نیکو تدبیر کن که فرمود: ان الله يحب التوابین و يحب المطهرین سعی کن تا محبوب کردگار شوی! (۹۸)

۹۲- قدرشناسی از طیب

در زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم طیبی یهودی در گذشت، آن حضرت را از وفات وی خبر دادند، رسول اکرم از شنیدن آن اظهار تأسف کرد، عرض نمودند: یا رسول الله! این متوفی یهودی بوده است. فرمود: مگر نمی‌گویند طیب بوده است. (۹۹)

۹۳- حرام بودن دنیا و آخرت بر اهل الله

در حدیث آمده است: دنیا بر اهل آخرت، و آخرت بر اهل دنیا، و هر دو بر اهل الله حرام گشته است. (۱۰۰)

۹۴- دعا برای دیگران

رساله‌ای در امامت نوشتم چون به پایان رسید آن را به حضور شریف استاد علامه طباطبایی صاحب تفسیر الزمان قدس سره ارائه دادم، مدتی در نزد او بود و لطف فرمودند و یک دوره تمام آن آن را مطالعه فرمودند. در یک جای آن رساله دعای شخصی درباره خودم کرده بودم که: بار خدایا! مرا به فهم خطاب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم اعتلاء ده. در هنگام رد رساله به این جانب فرمود: آقا تا من خودم را شناختم دعای شخصی در حق خودم نکردم؛ بلکه دعایم عام است. (۱۰۱)

۹۵- معرفت نفس معرفت خداست!

محققان در معنی من عرف نفسه فقد عرف ربه گفته‌اند که معرفت نفس دلیل معرفت خداست از راه مخالفت نه از راه موافقت؛ زیرا که هر کس که نفس خود را بشناسد که محدث است خدای را بشناسد و بداند که واجب الوجود است. و هر کس که نفس خود را به عبودیت بشناسد، خدای را به ربوبیت بشناسد. و هر کس که نفس خود را به تقصیر بشناسد، خدای را به نفاذ مشیت و تقدیر بشناسد. و هر کس که نفس خود را به تغیر و فنا بشناسد خدای را به دوام و بقاء بشناسد. پس معلوم شد که معرفت نفس دلیل است بر معرفت خدای تعالی از طریق مخالفت نه از راه موفقیّت و والله اعلم. (۱۰۲)

۹۶- دروغگو فراموشکار است

شخصی نزد شریح ادعا کرد که فلان زیر فلان درخت پولی از من گرفته نمی دهد ، طرف منکر واقعه شد . شریح به مدعی گفت : برو ده برگ از آن درخت بچین و بیاور تا شهادت دهد ، و مشغول مراعات دیگر شد . بعد از مدتی روی به منکر کرده گفت : فلانی به پای آن درخت رسیده ؟ گفت : نه حکم موافق مدعی داد؛ چون منکر گفته بود من چنین درختی نمی دانم ! (۱۰۳)

۹۷- آثار نیک و بد اعمال

عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام گوید : از پدرم پرسیدم که آیا چون بنده اراده گناه یا کار نیک کند ، دو ملک از آن خبر یابند؟ فرمود : آری بوی خوب و بوی مستراح یکی است ؟ ! گفتم : خیر ! فرمود : چون بنده اراده کار نیک کند ، نفسش خوشبو بیرون آید . پس فرشته جانب راست ، فرشته جانب چپ را گوید : برخیز (و برو) که او همت به کار نیک بسته است و چون بدان عمل اقدام کند ، زبانش قلم او شود و آب دهانش ، مرکب و آن را برایش بنویسد ، و چون اراده گناه کند ، نفسش بدبو بیرون آید . پس فرشته جانب چپ ، جانب راست را گوید : باز ایست که او همت به گناه بسته است ، و چون گناه را به انجام رساند ، زبانش قلم او شود و آب دهانش مرکبش ، و گناه را بر او بنویسد .

۹۸- خواندن پنج سوره هنگام خواب

مرحوم ملا فتح الله در تفسیر منهج در اول سوره حدید عرباض را چنین نقل کرد : و از عرباض بن ساریه مروی است که آن حضرت پیش از آنکه در شب خواب می کرد مسیحات خمس تلاوت می کرد که آن سوره حدید و حشر و صف و جمعه و تغابن است و می فرمود که ان فیهن آیه افضل من الف آیه در این سورتها آیتی هست که بهتر از هزار آیت است . (۱۰۴)

۹۹- دشوار بوده دل از خاک کردن

الهی ! پیشانی بر خاک نهادن آسان است ، دل از خاک برداشتن دشوار است . (۱۰۵)

۱۰۰- شگفتناز این کس !

الهی ! در شگفتم از کسی که غصه خودش را نمی خورد و غصه روزی اش را می خورد . (۱۰۶)

۱۰۱- اقسام توبه

توبه بر سه قسم باشد : یکی توبه بندگان که آن توبه از ترک طاعت و فعل قبیح است ؛ و دیگر توبه خاص اهل ورع که توبه از ترک مندوب است ؛ و سه دیگر توبه اخص من الخاص که توبه است از التفات به غیر خدا و این توبه ، مخصوص اهل ولایت باشد که غالباً در مرتبه حضورند . و توبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای خدا از این قبیل بوده است که او خود فرمود : گاه دلم را کدورتی عارض می شود ، و من به راستی که از خدای ، هر روز هفتاد بار آمرزش می طلبم . (۱۰۷)

۱۰۲- برتری عالم بر عابد

سعدی در گلستان نقل می کند که جوانی مدت ها به دنبال خانقاه (۱۰۸) بود ، عاقبت پس از مدتی به مدرسه آمد و تا تحصیل علم کند ، علت را پرسیدند . گفت : عابد فقط گلیم خویش را از آب می کشد ، عالم انقاد (۱۰۹) غریق می کند .

۱۰۳- بزرگی گناه صغیره

الهی! اگر تا قیامت برای یک صغیره استغفار کنم، از شرمندگی تقصیر بندگی به در نخواهم شد. (۱۱۰)

۱۰۴- توبه قبل مرگ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در انتهای خطبه ای - چنان که در کتاب من لایحضره الفقیه صدوق آمده است - می فرماید: کسی که پیش از یک سال به مرگش، توبه کند، خدای توبه اش پذیرد. سپس فرمود: یک سال، بسیار است؛ پس چنانچه پیش از یک ماه به مرگش توبه کند، خدای توبه اش پذیرد. سپس فرمود: یک ماه، بسیار باشد؛ پس چنانچه یک روز به مرگش، توبه کند، خدای توبه اش پذیرد. سپس فرمود: یک ساعت نیز بسیار است، پس اگر پیش از آن که نفسش بدین جا رسد و به گلوی مبارکش اشارت فرمود: توبه کند، خدای توبه اش پذیرد. (۱۱۱)

۱۰۵- شرم از استغفار الهی!

سخن در عفو و رحمت نیست، گیرم که تو ببخشایم، من از شرمندگی چه کنم، تو خود گواهی که از استغفار شرم دارم. (۱۱۲)

۱۰۶- غیبت گناه بزرگ

از جابر نقل است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از غیبت برحذر باشید؛ چه غیبت بدتر از زناست. سپس فرمود: مردی که زنا کند و پس از آن توبه نماید، خدایش آمرزد، لیک غیبت کننده را تا غیبت شده نبخشاید نیامرزد.

۱۰۷- زملک تا ملکوت حجاب بر دارند

روزی یکی از شاگردان عیسی پیامبر (ع) را گفت: ای معلم! پدرم مرد، اجازه فرما که برای کفن و دفن او بروم. عیسی (ع) فرمود: تو زنده ای از پی مرده مرو، مرده را بگذار تا مردگان بردارند. تا از سر جمیع خلق نگذری پیش خدا نمی توانی بروی انبیاء مردم را به سوی خود؛ یعنی به مقامی که بودند دعوت کردند و آنان را به پایه خود می خواندند، پس اگر احدی از مردم دعوت شان را لیک بگویند و به مقاماتی بسیار نایل شوند که طایفه ای از کارهای انبیاء به اذن الله تعالی از آنان بروز کند چه باک. (۱۱۳)

۱۰۸- مهربان ترین مهربانان

آقا بدانند که هر کس در سلوک الی الله تکاسل ورزد، ستمی بر خود روا داشته است که کم ترین آه حسرتش، برترین زبانه آتش دوزخ است. اگر آقا بیدار شد باید به فکر درمان دردهایش باشد که وقتی نمانده است و ابد در پیش است، شست و شول لازم است و گفت و گو می باید. هیچ کس جز خداوند ارحم الراحمین و اولیا وی به آقا مهربان تر از خود آقا به آقا نیست. (۱۱۴)

۱۰۹- درد دنیا زدگی

آقای عزیز! پیر و جوان روزگار ما شکار دنیا شده اند؛ یعنی دنیا زده اند ظهر الفساد فی البر و البحر جوان گوید تا پیر شوم، پیر هم که سرمایه به رایگان از کف داده است در جوانی کاری نکرده است و در پیری هم از او کاری نیاید که پیر است گرچه شیر بود.

خود را باش . (۱۱۵)

۱۱۰- گفتن لا اله الا الله با اخلاص

همچنین زید بن ارقم ، از پیامبر - و نیز از امام صادق علیه السلام - روایت می کند که فرمود : هر کس لا اله الا الله را با اخلاص بگوید ، وارد بهشت شود ، و اخلاص آن است که لا اله الا الله او را از محرمات خداوند عزوجل باز دارد . و ذکر ، خروج از یاد و ذکر ماسوی الله است ، به واسطه فراموش نمودن غیر او . کلمه لا اله الا الله ذکر است مرکب از نفی و اثبات ، با نفی ، مواد فاسدی که از آنها مرض قلب و قیود روح متولد می شود ، زایل می گردد و با اثبات الا الله صحت و سلامتی قلب از رذایل اخلاقی حاصل می شود . (۱۱۶)

۱۱۱- زایل شدن شیرینی

فیض کاشانی در کتاب وافی در توضیح این حدیث می گوید : مراد آن است که گناه ، همواره بر قلب تاءثیر نهاده ، حلاوت و صفای آن را زایل می کند تا این که آن رویش را که به سوی حق و آخرت است ، به سوی باطل و دنیا مایل گرداند . بنابراین ، حقیقت توبه ، عبارت است از بریدن نفس از تعلق به ماده و نفی علاقه و گرایش به عالم اجسام ؛ به طوری که این عمل برایش ملکه گردد ، و به سرای تطهیر و همراهی با قدسیان وصول یابد . و بدین سان ، ورطه حجاب و بعد ، به سبب التفات به معقولات و تعلق به مجردات ، به کنار رود؛ چه دوری از یکی از این دو روی ، نزدیکی به روی دیگر است ، و از این رو ، حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : دنیا و آخرت چون دو کفه ترازویند که هر کدام سنگینی یابد ، دیگری سبک شود . و کسی از اهل حکمت گفته است : آنها چون دو هویند که انس یافتن با هر کدام ، موجب بیزاری از دیگری است ! و بالجمله ، امور دنیوی و تعلق بدان ، موجب حرمان و مانع از تعلق به امور اخروی است و به قدری که از هر یک دوری حاصل شود ، دیگری نزدیک گردد و حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از این جمله تعبیر فرمود که : دنیا راءس هر گناهی است . (۱۱۷)

۱۱۲- چهار خصلت مانع هلاکت است

در کافی است که فضیل بن عثمان مرادی گوید از ابو عبدالله ، امام صادق علیه السلام شنیده است . رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : چهار خصلت است که در هر که باشد در وقت ورود به بارگاه خداوند ، پس از آن دیگر او را هلاکتی نیست جز آنکه شایسته هلاکت باشد و آن عبارت است از این که بنده همت به کاری نیک بندد که آن را به انجام رساند . چنانچه آن را به انجام نرساند ، خدای برایش (به سبب نیت نیکش) حسنه ای بنویسد ، و چنانچه آن را انجام دهد ، خدای برایش ده حسنه بنویسد ، و چنانچه همت به کاری زشت بندد که آن را به انجام رساند؛ پس چنانچه آن را به انجام نرساند ، چیزی بر او نوشته نشود ، و اگر آن را انجام دهد ، هفت ساعت بدو مهلت داده شده ، فرشته کاتب حسنات ، کاتب سیئات را که بر جانب چپ است گوید : شتاب مکن که شاید عمل زشتش را به عملی نیک دنبال کند که آن را پاک سازد؛ چه خدای عزوجل فرماید : (ان الحسنات یذهبن السیئات) (۱۱۸) و یا بخشش طلبد؛ پس اگر گوید : استغفر الله الذی لا اله الا- هو ، عالم الغیب و الشهاده العزیز الحکیم الغفور الرحیم ذو الجلال و الا- کرام و اتوب الیه ، چیزی بر او نوشته نشود . چنانچه هفت ساعت بگذرد و نه حسنه ای انجام دهد و نه آمرزش طلبد ، کاتب حسنات ، کاتب سیئات را گوید : بنویس گناه را بر این نگون بخت محروم !

۱۱۳- برترین جهاد

در کتاب اربعین علامه بهاء الدین عاملی قدس سره از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم گروهی از سپاهیان خویش را (به جهاد) اعزام داشت. چون باز گشتند، فرمود: مرحبا به قومی که جهاد اصغر را به انجام رسانیدند و جهاد اکبر بر عهده شان باقی است. پرسیدند: ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس. سپس فرمود: برترین جهاد آن است که شخص با نفس خویش که میان دو پهلوی اوست، به جهاد برخیزد.

۱۱۴- خودبینی حجاب راه

شیخ سعدالدین حموی سوار بود و به رودخانه ای رسید و اسب از آب نمی گذشت، امر کردند که آب را تیره ساختند و به گل آلوده کردند و اسب در حال بگذشت فرمود: تا خود را می دید از این وادی عبور نمی توانست کرد! (۱۱۹)

۱۱۵- توصیه های همنشین

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از علماء پیرس و با حکماء آمیزش داشته باش، و با کبراء همنشین باش! مراد از علماء بامر الله است، و حکماء عالم بالله، و کبراء عامل به هر دو. (۱۲۰)

۱۱۶- نیکوکاری کن!

شنیدم که ابو جعفر علیه السلام فرمود: ای ابا نعمان! مردم تو را فریب ندهند و از نفست غافل نکنند؛ هر چه به تو رسد همراه تو خواهد بود نه همراه آنان. روزت را به بیهودگی سپری مکن؛ چه همراه تو کسانی هستند که عمل تو را ثبت می نمایند. پس نیکوکاری کن که هیچ چیزی را به جستجو و طلب نمی بینم که از عمل نیک، که گناه پیش را از میان می برد، بهتر باشد.

۱۱۷- اخلاص در عمل

منقول است که مرحوم حاجی سبزواری (رضوان الله علیه) برای عبادت بیماری می رفت و عده ای هم با او بودند. نزدیک منزل بیمار که رسید، برگشت و نرفت. اطرافیان پرسیدند: آقا چرا تا این جا آمدید و حالا بر می گردید؟ آقا جواب داد: که خطوری به قلبم کرد که بیمار وقتی مرا ببیند، از من خوشش خواهد آمد و می گوید که سبزواری، چه انسان والا و بزرگی است که به عبادت من بیمار آمده است. حالا بر می گردم تا هنگامی که اخلاص اولیه را بیابم و تنها برای خدا به عبادت بیمار بیایم. (۱۲۱)

۱۱۸- همنشین

در عمل صلوة مناجات است پس صلوة ذکر حق است و کسی که ذکر حق کند همنشین حق است و حق همنشین اوست، و کسی که جلیس ذاکر خود است او را می بیند والا او نیست. لذا امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: لم اعبد ربا لم اعره، من خدایی را که نمی بینم عبادت و پرستش نمی کنم.

۱۱۹- دعا توشه سالکان

دعا، توشه سالکان حرم کبریای لایزال، و شعار عاشقان قبله جمال، و دثار عارفان کعبه جلال است.

۱۲۰- مصدر همه امور خداست

خضرت ابراهیم خلیل الرحمن می فرماید: الذی خلقنی فهو یهدین و الذی هو یطعمنی و یشفین و اذا مرضت فهو یشفین و الذی یمیتنی ثم یحیی؛ (۱۲۲) آن که مرا بیافریده سپس راهنمایی می کند، و آن که به من طعام می دهد و مرا سیراب می سازد، و چون بیمار شوم شفایم می بخشد و آن که مرا می میراند و سپس زنده می کند. بیماری را به خود نسبت می دهد و شفا و هدایت و اطعام و سقی را و اماته و احیا را به حق سبحانه.

۱۲۱- خدایا بیامرز گناهانی را که ...

در دعای کمیل آمده است: اللهم اغفر لی الذنوب التي تهتك العصم، اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل النقم، اللهم اغفر لی التي تغیر النعم، اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء، اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء؛ (۱۲۳) خدایا! بیامرز مرا از گناهانی که پرده های عصمت را می درد. خدایا! بیامرز مرا از گناهانی که عقوبت ها را نازل می کند. خدایا! بیامرز مرا از گناهانی که نعمت ها را می برد. خدایا! بیامرز از گناهانی که دعا را حبس می کند. خدایا! بیامرز مرا از گناهانی که بلاء را فرود می آورد.

۱۲۲- بهترین حجت رسالت

قرآن کریم، خود بهترین حجت بر رسالت خاتم انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱۲۴)

۱۲۳- عملی در تهذیب نفس

شایسته است بر تو که از معاشرت های خالی از تعلیم با مردم بکاهی، و ویژه با ثروتمندان و مترفین و دنیا خواهان، باید آنچه را که آخرت را از یاد تو می برد و میل و رغبت به دنیا را در تو ایجاد می کند، رها کنی، و با صالحان و پارسایان و اهل عبادت همراه گردی؛ زیرا این عمل به طور کلی در تهذیب نفس مؤثر است. (۱۲۵)

۱۲۴- آخرین شفاعت الهی!

یقینم را زیاد گردان و اضطرابم را به اطمینان مبدل کن و آنی را در آخر خواهی کنی در اول کن، که شفاعت آخرین از آن ارحم الراحمین است. (۱۲۶)

۱۲۵- توبه از گناه غیبت

درباره توبه از گناه غیبت باید گفت: اگر شخص مغتاب، از غیبت با خبر گشته، بایستی شخص مرتکب گناه غیبت، از او عذر خواسته، حلالیت بطلبد؛ چه به واسطه غیبتش او را دلگیر و ناراحت نموده است؛ پس بایستی به عذر و پشیمانی، خطای خود را جبران کند. در صورتی که شخص مغتاب، از غیبت آگاه نگشته است، عذر خواهی و طلب حلالیت لازم نیست؛ زیرا او را از غیبت انجام شده، غم و دردی وارد نشده است. لیک در این قسم و هم در قسم پیش، اظهار پشیمانی به درگاه خدای تعالی - از نافرمانی و تخلفی که از نهی او نموده - لازم است؛ چنانکه بایستی بر عدم تکرار گناه نیز عزم جزم نماید. آنچه بیان گشت اعتقاد فرقه حقه امامیه درباره گناه غیبت است. (۱۲۷)

۱۲۶- عاشق نگرید چه کند؟!

دل خوش بودم که گاهی گریه سوزناک داشتم و دانه های اشک آتشین می ریختم ، ولی این فیض هم از من بریده شد که بیم زوال بصر است و امور مهمی که در آنها امتثال فرمان تو است در نظر؛ ولی بارالها! عاشق نگرید چ کند و بنده فرمان نبرد چه کند . (۱۲۸)

۱۲۷- حقیقت ذکر

عارف حسین خوارزمی گوید: بدان که حقیقت ذکر عبارت است از تجلی حق مر ذات خود را به ذات خود از حیثیت اسم متکلم از برای اظهار صفات کمالیه و کشف نعوت جلالیه و جمالیه ، هم در مقام جمع و هم در مقام تفصیل ، چنانکه گواهی داد از برای ذات خود هم به ذات خود که شهد الله اءنه لا-اله الا-هو و این حقیقت را مراتب است : اءعلی و اءولاش (اولایش) آن است که متحقق شود از حق در مقام جمع از ذکر او سبحانه نفس خود به اسم متکلم به حمد و ثنا بر نفس خویش . دوم ذکر ملائکه مقربین که آن تحمید ، ارواح و تسیح ایشان است پروردگار خود را . و سیوم ذکر ملائکه سماویه و نفوس ناطقه مجرده است . و چهارم ذکر ملائکه ارضیه و نفوس منطبعه به حسب طبقاتش . و پنجم ذکر ابدان است و آنچه در وی است از اعضاء . و هر یکی از ذاکر پروردگار خویش است به لسانی که بدو اختصاص دارد ، چنانکه شیخ بدین معنی اشاره می کند که فان ذکر الله سار فی جمیع العبد یعنی ذکر باری ، ساری در جمی عبد است . یعنی در روح و قلب و نفس و قوای روحانیه و جسمانیه ، اوست بل در جمیع اجزایش . و این سریان نتیجه سریان هویت الیهه ذاکره مر نفس خود را به نفس خود است - انتهى . این ذکر ساری در جمیع عبد ، ساری در جمیع موجودات است ؛ زیرا بقای موجودات به هویت الیهه است که در همه ساری است ؛ بلکه موجودات جز شتون نوری و آیات اسمایی این هویت نیستند که هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن لذا هر جا که این هویت است عین حیات و علم و شعور و دیگر اسماء جمالی و جلالی است هر چند هر موجودی به جهت ظهور دولت سامی بدان اسم ظاهر غالب نامیده می شود و دیگر اسماء و صفات به لحاظ و اعتبار ما در تحت دولت و استیلاء آن اسم واقع می شوند . پس این هویت ساریه که به نام وجود مساوق حق است عین ذکر است و خود ذاکر و مذکور است . تسبیح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شیء الا یسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسیحهم ؛ (۱۲۹) هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست تسیحش می کنند و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را به پاکی می ستاید ولی شما تسیحشان را نمی فهمید . (۱۳۰)

۱۲۸- ذکر شریف

ذکر شریف یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت موجب صفای باطن و حیات دل است و در بسیار گفتن و مداومت آن فواید بسیار . چه فایده از این بیشتر که آدمی به یاد دوست باشد . (۱۳۱)

۱۲۹- استعانت به ذکر یونسی

امام صادق (ع) فرمود: در شگفتی از کسی که اندوهی به او دست دهد و غمی به او روی آورد و به این آیه کریمه فاستجباله و نجیناه من الغم و كذلك ننجی المؤمنین (ذکر شریف یونسی) پناه نبرد . (۱۳۲)

۱۳۰- فلسفه تحریم ربا

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام از سبب تحریم ربا پرسید . حضرت فرمود: اگر ربا حلال می بود ، مردم تجارت و حرفه های مورد نیاز خویش را ترک می گفتند . پس خداوند ربا را حرام فرمود تا مردم از حرام به سوی حلال و تجارت و خرید و

فروش بگریزند... (۱۳۳)

۱۳۱- صاحب این قبر دروغگوست!

نقل کرده اند بهلول چوبی را بلند کرده بود و بر قبرها می زد ، گفتند : چرا چنین می کنی ؟ می گفت : صاحب این قبر دروغگوست ، چون تا وقتی در دنیا بود دایم می گفت : باغ من ، خانه من ، ماشین من و... ولی حالا همه را گذاشته و رفته است و هیچ یک از آن ها ، مال او نیست !! (۱۳۴)

۱۳۲- خوشا به حال آنان

امام صادق علیه السلام نقل می کند که جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت : خوشا به حال کسی از امت تو که بگوید : لا اله الا الله وحده وحده وحده (۱۳۵)

۱۳۳- مراقبت و محاسبت

الهی ! چگونه ما را مراقبت نباشد ، که تو رقیبی ؛ و چگونه ما را محاسبت نوبد که تو حسیبی . (۱۳۶)

۱۳۴- گشایش هشت در بهشت

شیخ بهایی (رحمه الله) در کتاب نفیسه موسوم به اربعین ، حدیثی از امام باقر (ع) نقل کرده که : شخصی به نام شبیه هذلی نزد پیغمبر (ص) آمد و گفت : ای رسول خدا ! من پیر شده ام و سن من بالا رفته است و مرا توانایی به عمل نماز و روزه و حج و جهاد که خود را به آنها عادت داده ام نمانده است ، پس ای رسول خدا ! دستوری سبک یادم ده تا خدای مرا از آن بهره رساند . پیغمبر (ص) فرمود : گفتارت را دوباره بازگو کن ! شبیه سه بار سخنش را بازگو کرد . رسول خدا (ص) گفت : در گرداگرد تو درخت و کلوخی نیست مگر این که از رحمت تو به گریه افتاد . چون نماز صبح را گزاردی ، ده بار بگو : سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم که البته خدای عزوجل تو را به گفتن آن از کوری و دیوانگی و بیماری خوره و تنگدستی و ناداری و رنج پیری نگاه می دارد . شبیه می گفت : ای رسول خدا ! این از برای دنیای من است ، از برای آخرت چه باید کرد؟ رسول خدا (ص) فرمود : بعد از هر نماز می گویی : اللهم اهدنی من عندک ، و افض علی من فضلک ، وانشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک . شبیه این کلمات را بگرفت و برفت . پس رسول خدا (ص) فرمود : اگر بدین دستور عمل کند و به عمد آن را ترک نکند ، ده های هشتگانه بهشت به رویش گشوده شود ، از هر کدام که خواهد داخل بهشت شود . (۱۳۷)

۱۳۵- قرآن کتاب جامع الهی

امام صادق علیه السلام فرمود : خداوند تعالی در قرآن بیانی برای هر چیز نازل فرمود ، به طوری که به خدا قسم ، چیزی از نیاز بندگان را فرو نگذاشته است ، تا بنده ای نتواند بگوید : ای کاش در قرآن ذکر شده بود ، جز آن که خدا آن را در قرآن آورده است . (۱۳۸) امام باقر علیه السلام فرمود : خداوند متعال امت را به هیچ چیز دعوت نفرمود جز آنکه آن را در کتابش نازل و برای رسولش صلی الله علیه و آله و برای هر چیز حدی قرار داد و دلیلی که بر آن دلالت کند ، و برای آن کس که از این حد تجاوز کند ، حدی مقرر فرمود . (۱۳۹)

۱۳۶- ذکر پس از نماز صبح

خداوند متعال سینه ات را طور سینا کند و دیده دلت را به نور لقایش رشک ضیاء گرداند بزرگان فرموده اند: هر که بعد از نماز صبح و مغرب هفت بار بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی لعظیم، و سی مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگوید، از جمیع آفات و بلیات در امان خدایتعالی است.

۱۳۷- با آنچه که دوست داری محشور می شوی

(۱۴۰) در حدیث ریان بن شیب از امام رضا علیه السلام نقل است که آن حضرت فرمود: ای پسر شیب! اگر می خواهی که به درجات اعلای بهشت رسی، با ما باش! به غم ما غمگین باش و به شادی ما شاد! و بر تو باد ولایت ما! که هر کس سنگی را دوست داشته باشد، خداوند در روز قیامت او را با آن محشور کند. شبی در حشر و معاد خود قکر می کردم و به نامه اعمال خویش نظر می افکندم، و این که چگونه به اعمالم رسیدگی خواهد شد که دیدم چیزی، لازمه نفسم شده، با آن محشور گشته و از آن جدا نمی شود، وقتی دقت کردم دیدم کتابی خطی است که آن را به شدت دوست دارم. در این وقت این حدیث را به یاد آوردم که هر کس سنگی را هم دوست داشته باشد با آن محشور می شود. و کتاب هم مانند، سنگ، از جمادات است و از این جهت با آن فرقی ندارد. (۱۴۱)

۱۳۸- من از امام کاظم (ع) شرم می کنم!

وقتی خواجه نصیر الدین، در بستر مرگ بود به او گفتند: آیا وصیت نمی کنی که پس از مرگ جسدت را به نجف اشرف برند؟ خواجه می گوید: خیر! من از امام همام، موسی بن جعفر علیه السلام شرم دارم که فرمان بدهم پس از مرگ، جسد را از زمین مقدس آن بزرگوار خارج کرده، به جایی دیگر منتقل کنند. (۱۴۲)

۱۳۹- سری همچون الاغ

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که: هر کس افعال نمازش جز آنچه باشد که امام در نماز انجام می دهد. باشد، با سری چون الاغ محشور می شود.

۱۴۰- قوای انسان و هدف آن (۱۴۳)

افلاطون می گوید: اما آن کس که هدفش در دنیا، تنها لذت طلبی به وسیله خوردنی و نوشیدنی ها و... است که ثمره و نهایت آنها چیزی جز بوی بد نیست و نیز جماع و لذت جنسی، پس نفس عقلیه او توان و مجال تشبه به یاری تعالی را نمی یابد. سپس افلاطون قوه شهویه انسان را به خوک و قوه غضبیه اش را به سگ و قوه عقلیه را به فرشته تشبیه کرده، می گوید: کسی که شهوت بر او غلبه کند و هدفش ارضای آن باشد، مانند خوک است، و آن که قوه غضبیه بر او چیره شود، چون سگ، و کسی که قوه نفس عقلیه بر او غالب باشد و بیشتر اوقاتش به فکر و شناخت حقایق اشیا سپری شود، مسایل سخت علمی را از ذهن بگذراند، انسان فاضلی است که شبیه باری تعالی است؛ چون آنچه در باری تعالی یافت می شود عبارت است از: حکمت، و قدرت و عدالت و نیکی و زیبایی و حقیقت. (۱۴۴)

۱۴۱- کفاره غیبت از ابو عبدالله

امام صادق علیه السلام نقل است: پیامبر صلی الله علیه و آله را پرسیدند که کفاره غیبت چیست؟ فرمود: هر گاه به یاد شخصی که غیبتش نموده، اقتدا، برای او از خداوند طلب غفران کند. (۱۴۵)

۱۴۲- حق الیقین

نظر آقا در توحید باید خیلی بلند باشد که توحید نه فقط یکی گفتن است؛ بلکه یکی دیدن است. بکوش تا درجه درجه به علم الیقین بلکه به عین الیقین راه؛ بلکه به حق الیقین راه بیابی که او است و او است. (۱۴۶)

۱۴۳- شرور از ما است نه از او

آقا بدانند که از او جز خیر و نیکی نیابد و شرور از ما است نه از او ما اءصابک من حسنۀ فمن الله و ما اءصابک من سیئۀ فمن نفسک. (۱۴۷)

۱۴۴- برترین جزء عبادت

امام باقر علیه السلام فرمود که: رسول خدا (ص) فرمود: العباد سبعون جزءا افضلها طلب الحلال؛ (۱۴۸) عبادت هفتاد جزء است، برترین جزء آن طلب حلال است.

۱۴۵- معراج مومن

معراج نردبان است و نماز معراج مؤمن و قربان کل تقی است.

۱۴۶- نهدی طلبی

خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید: و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاءتوا بسورۀ من مثله و ادعوا شهدائکم من دون الله ان کنتم صادقین؛ اگر در شک هستید از آنچه بر بنده خود فرستادیم، پس یک سوره مانند آن بیاورید و بخوانید شاهدهایی که دارید غیر خدا اگر راست می گوئید.

۱۴۷- نام خوب برای فرزند

پیشوایان دین فرمودند: برای فرزند نام خوب بگذارید تا در بزرگی از نام خود شرمنده نباشد. وصی بلافضل، امام کل (ع) فرمود: فرزند بر پدر حقی و پدر بر فرزند حقی دارد. حق پدر بر فرزند این است که پدر را در هر چیز جز در نافرمانی خداوند سبحان فرمان برد و حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو بر وی گذارد، و نیکو ادبش کند، و قرآن یادش دهد. (۱۴۹)

۱۴۸- اسم اعظم

روزی امیر مؤمنان قل هو الله احد را قرائت فرمود و چون از آن فارغ شد فرمود: یا هو یا من لا هو اغفرلی و انصرنی علی القوم الکافرین. ایشان در روز جنگ صفین همین را می خواند و حمله می برد. عمار یاسر پرسید: ای امیر مؤمنان! این کنایات چیست

که می‌گویی؟ فرمود: اسم اعظم و پایه توحید خداست. آن‌گاه قرائت کرده است شهد الله انه لا اله الا هو و نیز آخر سوره حشر را، سپس از مرکب خود پیاده شد و چهار رکعت نماز، قبل از زوال ظهر خواند. (۱۵۰)

۱۴۹- دو ملک

انس بن مالک نقل کند که رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی، بنده اش را دو ملک، و کیل فرموده است که بر او بنویسند. پس چون بمیرد، گویند: پروردگارا! بنده ات، فلانی را میراندی؛ پس حال به کجا رویم؟ خداوند فرماید: آسمانم پر است از ملایک که مرا عبادت کنند و زمینم پر از خلق که مرا فرمان برند. به قبر بنده ام روید و من را تسبیح و تکبیر و تهلیل گوید و آن را تا روز قیامت در زمره حسناش به کتابت آورید. (۱۵۱)

۱۵۰- چه قساوت و غفلتی!

گورکن‌ها که پشت هم روزانه چه قدر مرده‌ها را در قبر می‌گذارند خودشان چه قدر قساوت و غفلت دارند. گویا این‌گونه شغل‌های بنده و جنابعالی و گورکن قساوت و غفلت می‌آورد و انسان بدان‌ها معتاد می‌شود. خدای متعال عاقبت را خیر کند. (۱۵۲)

۱۵۱- عبد شکور

جناب ابن بابویه قدس سره در من لایحضر از کشاف حقائق امام به حق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت کرده است که حفص بن بختری از آن حضرت نقل کرده است که نوح نبی علیه السلام در هر صبح و مساء ده بار این دعا را می‌خواند، از این رو عبد شکور نامیده شده است: اللهم انی اشهدک انه ما اصبح و امسى بی من نعمه و عافیة فی دین او دنیا فمضکوحک لا شریک لک، لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد الرضا (۱۵۳)

۱۵۲- معیار حق (۱۵۴)

قرآن معیار حق و میزان صدق و اصل در معارف است و میزان هر چیزی به حسب آن می‌باشد؛ پس وقتی که روایتی را قرآن امضا نکند، اگر از کتب اربعه هم باشد، نمی‌شود آن را اخذ کرد. (۱۵۵)

۱۵۳- دشمن‌ترین دشمنان

سعدی در باب هفتم گلستان گوید: بزرگی را پرسیدم از معنی این حدیث که اعدی عدوک نفسک التی بین جنیک؟؛ گفت به حکم آنکه هر آن دشمنی را که بر وی احسان کنی دوست گردد. مگر نفس را که هر چند مدارا بیشتر کنی مخالفت زیاده کند. (۱۵۶)

۱۵۴- طهارت باطنی و ظاهری

ظاهرت باید طاهر باشد تا توانی ظاهر قرآن را مس کنی و باطنت باید پاک باشد تا توانی باطنش را دریابی لایمسه الا المطهرون. (۱۵۷)

۱۵۵- پندی به خویشتن حبیب!

حسنا! خردمند پرهیزگار از مرگ هراس ندارد، مرگ او را زیان نرساند بلکه سود دهد، گویم که نمرود زنده تر شد! حکیمان گفته اند که: اگر نفس را مشغول نداری، او تو را به خود مشغول می‌کند. می‌گفتند: روح از پر خوردن جسم می‌شود و جسم از کم خوردن روح می‌گردد. (۱۵۸)

۱۵۶- اسماء الله چون دفينه هابند

حضرت امام به حق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام - فرموده است که: بدانید اسماء الله به منزله دفائن اند و عدد به منزله ذراع آن مساحت، اگر ذراع کمتر فرا نهی به دفین نرسی و اگر زیاده بگیری نیز نرسی؛ بلکه در گذری. (۱۵۹)

۱۵۷- قرآن و شب قدر

در لیالی قدر قرآن به دل کن، نه فقط قرآن به سر، که اولی جوهر ذات تو گردد دومی خارج از گوهر تو است. (۱۶۰)

۱۵۸- سزاوار گریه کیست؟

باید به آنانی که بر غم و اندوه باطنی خود و هر چیزی دیگر می‌گیرند، گفته شود که شایسته است بیشتر بر کسی که از نفس خود غافل است و در شهوات حقیر و پست و فرومایه ای که او را به بدبختی و گمراهی می‌کشاند فرو رفته است، گریه و زاری کنند. شهوات و امیالی که طبع او را به طبع بهایم مایل می‌گردانند و از او بخواهند که به این امر شریف اشتغال جوید و خالصانه به آن پرداخته، تا توان دارد به تزکیه و پالایش خود اقدام نماید. چه پاکی و طهر حقیقی، پاکی نفس است؛ نه پاکی ظاهری و جسمانی. از این رو شخص عالم و حکیم میرزا، که خدای خود را عبودی فرمانبردار بوده، ولی بدنش به بوی بد آلوده است؛ حتی در نظر جاهلان نیز، از نادانی که ظاهر خود را به مشک و عنبر معطر نموده است، بهتر است از فضیلت شخص متعبد که از دنیا و لذات دنی آن احتراز می‌جوید، این است که همه جاهلان و نابخردان، و بزرگواری اش اعتراف دارند و بدو احترام می‌گذارند و شادمان می‌گردند خطای شان را بدانان، تذکر دهد؛ جز آن کس که خود را مسخره کرده باشد. پس ای انسان جاهل! آیا نمی‌دانی که اقامت در این عالم همچو لحظه ای، سپری خواهد شد، و آن گاه به عالم حقیقی خواهی رفت و در آن جا، جاودانه خواهی ماند؟! (۱۶۱)

۱۵۹- هر توبه برابر و بازگشت است؟

(۱۶۲) علامه، سید محمد حسین طباطبایی (ره) درباره توبه می‌فرماید: توبه در لغت به معنای بازگشت است، و توبه از بنده، برگشت اوست به سوی پروردگارش با پشیمانی و بازگشت از سرپیچی، و از جانب خداوند نیز توفیق وی به توبه یا آمرزش گناه او، مکرر گفته شد که هر توبه از بنده به سوی خدا، مساوی با دو برگشت خداوند به سوی بنده می‌باشد - به حسب بیان قرآن - زیرا توبه یک عمل پسندیده ای است که محتاج به نیروست و نیرو دهنده هم خداست. پس توفیق کار خیر را اول خداوند عنایت می‌کند تا بنده قادر به توبه می‌شود و از گناه خود بر می‌گردد، و سپس وقتی موفق به توبه شد، محتاج تطهیر از آلودگی گناهان و آمرزش است؛ آنجا که نیز بار دیگر مشمول عنایت و رحمت و آمرزش خدا قرار می‌گیرد. این دو عنایت برگشت خدا، همان دو توبه ای هستند که توبه بنده را در میان گرفته اند. قرآن می‌فرماید: ثم تاب علیهم لیتوبوا و این نیز توبه دومی است، و در میان این دو، توبه بنده قرار می‌گیرد. (۱۶۳)

۱۶۰- دل عاشق به پیغامی بسازد

تن به دنیا دار و دل به مولا ، تا نام و مونسیت شود و پیغام او آرامشت دهد که دل عاشق به پیغامی بسازد و حقیقت کشف این است که میان دل و دلدار حجاب نبود . جهد کن که در همه حال سرت با یار باشد نه در کوچه و بازار ، به خصوص در هنگام نماز که المصلی یناجی ربه و مناجات بین دو کس است ، بنگر تا با که نجوی داری و دو بودن چگونه است ؟ (۱۶۴)

۱۶۱- دعای غریق

عبدالله سنان گفت : امام صادق علیه السلام فرمود : به زودی شبیهه ای به شما می رسد ، پس بدون علمی ؛ یعنی پرچم و نشانه ای راهنمایی کند و بدون پیشوایی هدایت نماید و می مانید ، از آن شبیهه رهایی نمی یابد مگر کسی که دعای غریق بخواند . گفتم : دعا غریق چگونه است ؟ فرمود : می گویی : یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ! ثبت قلبی علی دینک . من گفتم : یا مقلب القلوب و الاءبصار . امام فرمود : البته خدای عزوجل مقلب القلوب و الابصار است و لکن چنانکه می گویم بگو : یا مقلب القلوب ! ثبت قلبی علی دینک . (۱۶۵)

۱۶۲- مقیم حریم حرم باش !

دست توسل به دامن حجت حق ولی عصر امام زمان دراز کن و صمیمانه بگو : به روی ما زن از ساغر گلابی که خواب آلوده ایم ای بخت بیدار سرور گرامیم ! ماه مبارک رمضان ، ماه امساک و سحر خیزی و شب زنده داری و قدر یافتن و قرآن شدن و سرمشق گرفتن در پیش است ، از هم اکنون که ماه شعبان و میقات شهر الله است غسل توبه کن و به لباس وفا و ولا از دل و جان محرم شو و از صمیم قلب لبیک لبیک گو و در خویشتن سفری کن و گرد کعبه عشق طواف کن که دستی از غیب برون آید و کاری بکند . (۱۶۶)

۱۶۳- انگیزه عبادت

عبادت ، آن لذت روحانی است که انسان در تعقلش ، بلکه فوق مقام تعقل در شهودش می یابد . انسان کامل و آگاه چرا خودش را به لذایذ ناپایدار محدود و مقید کند؟ او چرا به دنبال لذت ابدی جاویدانی غیر متناهی نبوده باشد؟ (۱۶۷)

۱۶۴- خرامیدن در باغ های بهشت

پیامبر اکرم فرمود : در باغهای بهشت بخرامید ! پرسیدند : باغ های بهشت چیست ؟ فرمود : ذکر خدا در صبح و روز . پس به یاد و ذکر خدا باشید . هر کس که خواهد بداند ، چه قدر منزلتی نزد خدای دارد ، بنگرد که قدر و منزلت خدای نزد او چقدر است ؟ چون خداوند بنده اش را همان اندازه قدر می نهد ، که بنده او را . بدانید که بهترین و پاکیزه ترین و والاترین اعمال ترین نزد خداوند ، و بهتر از هر چیزی که خورشید بر آن تابیده است ، ذکر و یاد خداوند سبحان است . خدای تعالی فرموده است : من همنشین کسی هستم که به ذکر و یاد من باشد و چه منزلت و ارزشی بالاتر از همنشینی با خدای سبحان . (۱۶۸)

۱۶۵- خوی نیکو

الهی ! رویم را نیکو کردی ، خوبم را هم نیکو گردان ! (۱۶۹)

۱۶۶- سیر در خویشتن از انفس

باید در آفاق سیر کرد، و از خودت باید راه به آفاق بیایی و جز خودت راهی نداری. (۱۷۰)

۱۶۷- تفاوت توبه

عارف و زاهد توافل، کفاره عدم قبولی فرایض است که انسان خوف عدم قبولی فرایضش دارد که زاهدان از گناه توبه کنند، عارفان از عبادت استغفار و آنکه ترک نوافل می‌کند باید بسیار از خود راضی و بی‌باک باشد. (۱۷۱)

۱۶۸- محروم از نماز شب

امام صادق علیه السلام فرمود: چون مرد گناه کند، از نماز شب محروم گردد و عمل زشت، از چاقویی که در گوشت فرو رود، سریع‌تر در کسی که مرتکب آن شده، فرو می‌رود. (۱۷۲) (۱۷۳)

۱۶۹- سرمایه همه سعادت‌ها

سرمایه همه سعادت‌ها واهم واجبات معرفت نفس؛ یعنی خودشناسی است، و آنکه خود را شناخت عاطل و باطل زیست و گوهر ذاتش را تباہ کرد و برای همیشه بی‌بهره ماند. هیچ معرفت نفس به کار انسان نمی‌آید. انسان کاری مهم‌تر از خودسازی ندارد و آن مبتنی بر خودشناسی است. سقراط خودشناسی و اخلاق را از همه مهم‌تر می‌شمرد. گویند وقتی از کنار معبد دلف، عبور می‌کرد دید بالای آن نوشته است: خود را بشناس! همین کلام را اساس فلسفه خود قرار داد. سقراط در مقابل دانشمندان طبیعی گفت: بیهوده در شناختن موجودات خشک و بی‌روح رنج میر! بلکه خود را بشناس که شناختن نفس انسان بالاتر از شناختن اسرار طبیعت است. (۱۷۴)

۱۷۰- با قلبش خدا را دید

محمد بن فضیل می‌گوید: از ابوالحسن علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خدای عزوجل را دید؟ فرمود: آری! با قلبش او را دید. مگر این آیه را ننشیده‌ای. ما کذب الفؤاد ما رای؛ یعنی او را با چشم ندید، بلکه از قلب و فؤاد دید. (۱۷۵)

۱۷۱- بخشش گناهان

در کتاب شریف و گرانسنگ کافی، از ابن وهب نقل است که می‌گوید: شنیدم که ابو عبدالله، امام صادق علیه السلام فرمود: چون بنده توبه نصوح کند، خداوند او را دوست بدارد، و در دنیا و آخرت، (گناهان) او را ببوشاند. پرسیدم: چگونه گناهان او را می‌بوشاند؟ فرمود: گناهانش را که دو ملک نوشته‌اند، از یادشان ببرد، و اعضای بدنش را وحی فرماید که گناهانش را پنهان کنید، و به مواضعی از زمین (که در آنها گناه کرده است) وحی فرماید که گناهانی که در شما مرتکب شده، کتمان کنید. پس او به لقای خدای رود، در حالی که چیزی بر گناهانش گواهی ندهد. (۱۷۶)

۱۷۲- تخم سعادت

در توحید باید مراقبت را تقویت کرد، مراقبت تخم سعادت است که در مزرع دل کاشته می شود و سایر آداب و اعمال پروراندن آن است. مراقبت، کشیک نفس کشیدن و همواره در حضور بودن است. حدیث نفس مزاحم با مراقبت است، این سخن دل نشین امام صادق (ع) را باید بر دل نشانند: القلب حرم الله فلا تسکن فی حرم الله غیر الله. (۱۷۷)

۱۷۳- ذکر مجرب

آقای من! در نزد اولیاء الله مجرب است که اکتار ذکر شریف یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت موجب حیات عقل است. وقتی با خدایت خلوت کن که بدن استراحت کرده باشد و از خستگی به در آمده باشد و در حال امتلاء و اشتها نباشد، در آن حال با کمال حضور و مراقبت و ادب مع الله، خداوند سبحان را بدان ذکر شریف می خوانی، عدد ندارد، اختیار مدت با خود جنابعالی است، مثلاً در حدود بیست دقیقه یا بیشتر و بهتر این که کمتر از یک اربعین نباشد، بیشترش چه بهتر. (۱۷۸)

۱۷۴- ثمره خرد انسان

کاری مهم تر از خودسازی ندارد و ساختن هر چیز را مایه به حسب آن چیز لازم است، مثلاً دیوار را سنگ و گل باید و انسان را علم و عمل. انسان تا به لقاء الله نرسیده است به کمال مطلوبش نایل نشده است و لقاء الله به معنی اتصاف انسان به اوصاف الهی و تخلق او به اخلاقی ربوبی است. بابا افضل را کلامی کامل را در این باب است. که عالم درختی است که بار و ثمره او مردم است و مردم درختی است که بار و ثمره وی خرد است و خرد درختی است که ثمره او لقاء خدای تعالی است. (۱۷۹)

۱۷۵- برترین خرد

برترین خرد، شناسایی آدمی به نفس خود است، پس هر که خود را شناخت با خرد است و آنکه خرد را نشناخت گمراه است. (۱۸۰)

۱۷۶- نکاتی مفید در این ماه

مبارک نامه نکته ای چند از دفتر نکاتم که از کلک این بنده نگارش یافت به عنوان ذکری اهدا می شود امید است که سود بخشد: نکته ۱- جزا، نفس عمل است هل یجزون الا ما کانوا یعملون (۱۸۱) ۲- قیامت با تو است نه در آخر طول زمانی، رسول الله (ص) به قیس بن عاصم فرمود: ان مع الدنيا آخره ۳- ملک با عالم ملک است و خیالت با عالم مثال و عقلت با عالم عقول، قابل حشر با همه ای و دارای سرمایه کسب همه، صادق آل محمد (ص) فرمود: ان الله عزوجل خلق ملکه علی مثال ملکوت و اسس ملکوته علی مثال جبروته، لیستدل بملکه علی ملکوته و بملکوته علی جبروته. درست بخوان و درست بدان! ۴- سفرنامه معراج رسول خدا (ص) شرح اطوار بشر است. ۵- انسان چون با اصل خود انس گرفت آن می شود. ۶- تا گم نشدی چیزی در تو پیدا نشود. ۷- تا بیننده و گیرنده نشدی انسان نیستی. ۸- انسان کارخانه و دستگاهی است که هوا از عوالم ملک عکسبرداری می کند و هم از ملکوت، اولی را بالا می برد و دومی را تنزل می دهد بی تجافی و همه را در گنجینه سرش و عیبه درج می کند، درست بنگر تا به حقیقت کریمه لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم برسی. (۱۸۲) ۹- بینش از تن نیست که دیگر جانوران و رستنی ها و هر چه را آخشیح است در آن انبازند، از روانی است که از آن من است، پس نه تن جای روان است و نه روان جای تن و گرنه در اندازه او بودی و دانستی که نیست، تن بر خاک است و روان بر فراز خاک. این سخن کوتاه در نزد دانا بسیار بلند است. ۱۰- از خاموشی

گفتار زاید و از اندیشه کردار . ۱۱- آن چه در احوال و اطوار سالک در خواب و بیداری عایدش می شود میوه هایی است که از کمون شجره وجودش بروز می کند . ۱۲- گرسنگی و تشنگی داند و غذا و آب دوا ، دوا را تا چه اندازه باید خورد . (۱۸۳)

۱۷۷- برادرم به فکر خود باش!

برادرم! به فکر خود باش و از خویشتن غافل مباش و همواره کشیک نفس بکش و کشیک نفس کشیدن کشکی نیست ، از خداوند توفیق بخواه ، با ابنای روزگار بساز و مرد تحمل باش و به مثل معروف که چه خوش مثلی است : آسیا باش درشت بستان و نرم باز ده ! مرد فکر باش که فکر ، لب عبادت است . مناجات و راز و نیاز با دوست را قطع مکن قل ما یعو بکم ربکم لولا دعاءکم . (۱۸۴) (۱۸۵)

۱۷۸- شب زنده داری

حق تعالی فرموده است : ان ناشئه اللیل هی اشد وطا و اقوم قیلا * ان لك فی النهار سبحا طویلا ؛ (۱۸۶) هر آینه شب هنگام از بستر برخاستن موافقت زبان و دل را افزایشده تر است و بیان سخن را استوار دارنده تر که کارهای تو در روز بسیار است .

۱۷۹- تمنای دوست از دوست

آقای من ! باید با تاءنی و رفق و مدارا به راه بود ، نه با سرعت و اضطراب . جساره عرض می کنم هیچ چیز از خدا جز خدا مخواه که چون صد آمد نود هم پیش ماست ، از تو حرکت از خدا برکت . (۱۸۷)

۱۸۰- خنک حاجی که ناجی باشد!

الهی ! خانه کجا و صاحب خانه کجا؟ طائف آن کجا و عارف این کجا؟ آن سفر جسمانی است و این روحانی ؛ آن برای دولتمند است و این برای درویش ؛ آن اهل و عیال را وداع کند و این ماسوا را؛ آن ترک مال کند و این ترک جان ؛ سفر آن در ماه مخصوص است و این را همه ماه ، و آن را یک بار است و این را همه عمر؛ آن سفر آفاق کند و این سیر انفس ؛ راه آن را پایان است و این را نهایت نبود؛ آن می رود که برگردد و این می رود که از او نام و نشانی نباشد؛ آن فرش پیماید و این عرش ؛ آن محرم می شود و این محرم ؛ آن لباس احرام می پوشد و این از خود عاری می شود؛ آن لبیک می گوید و این لبیک می شنود؛ آن تا به مسجدالحرام رسد و این از مسجد اقصی بگذرد؛ آن استلام حجر کند و این انشقاق قمر؛ آن را کوه صفاست و این را روح صفا؛ سعی آن چند مره بین صفا و مروه است و سعی این مره در کشور هستی ؛ آن هروله می کند و این پرواز؛ آن مقام ابراهیم طلب کند و این مقام ابراهیم ؛ آن آب زمزم نوشد و این آب حیات ؛ آن عرفات بیند و این عرصات ؛ آن را یک روز وقوف است و این را همه روز؛ آن از عرفات به مشعر کوچ کند و این از دنیا به محشر؛ آن درک منی آرزو کند و این ترک تمنی را؛ آن بهیمه قربانی کند و این خویشتن را؛ آن رمی جمرات کند و این رجم همزات ؛ آن حلق راس کند و این ترک سر؛ آن را لافسوق و لا جدال فی الحج است و این را فی العمر؛ آن بهشت طلبد و این بهشت آفرین ؛ لاجرم آن حاجی شود و این ناجی ؛ خنک آن حاجی که ناجی است ! (۱۸۸)

۱۸۱- نظر پاک تواند رخ جانان دیدن

الهی! دهن آلوده را با کتابت چه کار که لا- یمسه الا- المطهرون وای بر آن مرشدی که دهنش پلید است؛ چه آن نارشید خود شیطان مرید است؛ اگر در آشکار با یزید است در پنهان باید یزید است. (۱۸۹)

۱۸۲- توصیه به قرائت و طهارت

قرائت قرآن مجید در شب و روز ترک نشود، هر چند به قدر پنجاه آیه بوده باشد. طهارت را حفظ کنید؛ حتی با طهارت بخواید. (۱۹۰)

۱۸۳- چگونگی خواندن قرآن

امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن را با لحن عرب، بدون غلط قرائت کنید، زیرا که قرآن عربی است. (۱۹۱)

۱۸۴- دنیا زنی است عشوه گر و دلستان حبیب!

حسنا! دنیا به مثل زنی زیبا و آراسته است، از مکر زنان اگر آگاهی، از مکر دنیا ایمن باشد! با مردم باش و بی مردم باش، نه می شود با مردم بود، نه می توان بی مردم. خدای نور حضرت دهاد و سوز و شورت را افزون کناد که از این بنده شرمنده دستور نماز شب خواستی. (۱۹۲)

۱۸۵- آموختن همت از کبوتر

جناب آخوند ملا حسینقلی بعد از بیست و دو سال سیر و سلوک نتیجه گرفت و به مقصود رسید و خود آن جناب گفت در عدم وصول به مراد بودم، دیدم کبوتری بر زمین نشست و پاره نانی بسیار خشکیده را به منقار گرفت و هر چه نوک می زد خورد نمی شد، پرواز کرد و برفت و نان را ترک گفت. پس از چندی بازگشت به سراغ آن تکه نان آمد باز چند بار آن را نوک زد و شکسته نشد، باز برگشت و بعد از چندی آمد و بالاخره آن تکه نان را با منقارش خرد کرد و بخورد، از این عمل کبوتر ملهم شدم که اراده و همت می باید. در دیوان این کمترین آمده است که: قدم اول این مرحله خوف و رجا باید از ترک سرت برگ سفر ساز کنی همت و خضر ره و بنیت در حد سوا سان تثلیث در انتاج نظر باز کنی (۱۹۳)

۱۸۶- نزول بلای دردناک

امام صادق (ع) فرمود: در خانه ای که خواندگی (غناء) می شود، از نزول بلاهای دردناک ایمن نیست و دعا مستجاب نمی شود و فرشتگان نازل نمی شوند و خدای متعال از اهل خانه اعراض نموده و روی رحمت بر گردانیده است. (۱۹۴)

۱۸۷- مستحق مشایعت فرشتگان گردیدن

از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که پیامبر بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود: نود هزار فرشته که در میان شان جبرئیل حاضر بود در نماز او شرکت جستند. از جبرئیل پرسیدم: به چه علت استحقاق یافته است که شما بر او نماز گزارید. گفت: او سوره قل هو الله را دایم، چه ایستاده و چه نشسته، و چه پیاده و چه سواره و در حال رفتن و آمدن می خواند. (۱۹۵)

۱۸۸- شخص زیرک

نیکوکارتری، ولی نمی بینیم که با او در یک ظرف غذا بخوری! امام در جواب فرمود: چون ترسم که دستم را به سوی چیزی برم که مادرم قصد خوردن آن را داشته است و او را ناراحت کنم. (۲۰۴)

۱۹۷- قرب با فریض

خداوند عزوجل فرموده است: بنده ام! با چیزی بهتر از آنچه که بر او واجب نموده ام، به من تقرب نجوید. او همواره به واسطه فریض به من تقرب جوید؛ تا این که؟؟ را دوست بدارم و هنگامی که دوستش بدارم، او گوشم شود که با آن بشنوم و چشمم شود که با آن بینم و... (۲۰۵)

۱۹۸- تاءثیر قرائت آیه الكرسی

دست بر بینندگان می گذاری و آیه الكرسی را برای حفظ نور چشم می خوانی، در این حال نفس ناطقه گوهر آن سویی از توجه به ملکوت نیرو می گیرد، و به تصور و عمل و انشاء خود در قوی و محال آنها و در اعضاء و جوارح خود اثر می گذارد که توجهات و تصورات نفسانی را در بدن و قوی و احوال آن تاءثیری بسزا است، فافهم. (۲۰۶)

۱۹۹- بندگان خاص خدا

بندگان خاص خود چنین کسانی اند: ۱- با تواضع در زمین حرکت می کنند؛ ۲- آن گاه که جاهلان اینان را به عتاب خطاب می کنند یا سلامت نفس و زبان خوش جواب می دهند؛ ۳- شب ها را به عشق خدا و برای رضایت او به سجده و قیام سپری می کنند؛ ۴- دایم با دعا و تضرع می گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما دور کن که بد غذایی است و جهنم بد منزل و بد سرانجامی است؛ ۵- در انفاق کردن اسراف نمی کنند و میانه روی را پیشه خود می سازند؛ ۶- برای خدا شریک قائل نمی شوید و فقط خدای را می خوانند؛ ۷- از قتل و جنایت که خدا آن را حرام کرده است، پرهیز کنند؛ ۸- هرگز گرد عمل زشت زنا نمی گردند که هر کس مرتکب این عمل زشت شود، کیفر جاودانه اش را خواهد دید و در قیامت عذابش دو چندان خواهد شد، مگر کسانی که توبه کنند و اعمال نیکی انجام دهند که در این صورت، خداوند گناهان آنان را به ثواب مبدل خواهد کرد و هر کس توبه کند؛ البته خداوند توبه اش را می پذیرد؛ ۹- به ناحق شهادت نمی دهند؛ ۱۰- هرگاه به کار بیهوده و زشتی از مردم هرزه بگذرند، بزرگوارانه از آن در گذرند؛ ۱۱- هرگاه متذکر آیات الهی شوند، همچون کوران و کران از کنار آن نمی گذرند؛ بلکه با دلی آگاه و چشمی بینا آن را مشاهده کرده و در آن تامل می کنند تا به مقام معرفت و ایمان شان افزوده شود. ۱۲- به هنگام دعا با خدای خود می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان ما کسانی را قرار ده که مایه روشنی چشم ما شوند و ما را سر خیل پاکان جهان و پیشوای پرهیزگاران قرار بده! پاداش صبر چنین بندگان قصرهای بهشتی خواهد بود که در آن جا با سلام و درود و شادمانی با یکدیگر ملاقات می کنند و در بهشت زیبای برای ابدیت و همیشه (جاودان) خواهند بود. ای پیامبر! به امت بگو: اگر دعا و ناله و زاری تان نبود، خدا به شما هیچ توجه و اعتنایی نداشت؛ زیرا شما در گذشته آیات خدا و پیامبران الهی را تکذیب کرده اید و این تکذیب، دامن شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد (پس با دعا آن را جدا کنید). (۲۰۷)

۲۰۰- آنچه در عرفان عملی مهم است!

آن چه در عرفان عملی مهم است سه چیز است: الف - طهارت و دوام آن ب - همت ج - استقامت (۲۰۸)

۲۰۱- استخاره و استخاره

امام محمد تقی علیه السلام از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستاد؛ پس به وصیت، مرا گفت: ای علی! هر کس استخاره کند ضرر نکند و هر کس استخاره کند پشیمان نشود. ای علی! ... به نام استعاذه کن! چرا که خداوند متعال، بسم الله را بر امت من در صبحگاهان مبارک گردانید. و می فرمود: هر کس در راه خدا برای خود دوستی برگزیند، خداوند در بهشت برای او خانه ای برگزیند. (۲۰۹)

۲۰۲- والاترین خصلت مومن

خداوند در قرآن می فرماید: کلوا واشربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، به راستی خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد. (۲۱۰) ای دوست من! دان پر خوری بدون شک، قلب را می میراند و نفس را سرکش و طغیانگر بار می آورد، بدان که گرسنگی بالاترین خصلت مؤمن است.

۲۰۳- وسیله ترک هوای نفس

یحیی بن معاذ چه زیبا گفته است: اگر ملایک هفت آسمان را شفیع قرار دهی و بیست و چهار هزار پیامبر و جانشینان آنها و همه کتاب های الهی را واسطه قرار دهی که نفست در ترک دنیا با تو همراهی کند و حکم حق را گردن نهد، نخواهد پذیرفت، اما اگر گرسنگی را وسیله قرار دهی و از راه گرسنگی وارد شوی، خواهد پذیرفت و مطیع خواهد شد!

۲۰۴- زدودن زنگار از دل (۲۱۱)

وضو که از چشمه عشق گرفتار شود زنگار را می زداید. از اینکه وضو به چهار عضو سر و رو دو دست و پا اختصاص یافت این است که ایزد تعالی چون نماز را واجب کرد نخواست که بندگان وی آلوده به خدمت آیند، ایشان را فرمود وضو کنند و با این چهار عضو مخصوص کرد زیرا که آدم اول روی به درخت گندم کرد و به پای برفت و به دست از درخت گندم باز کرد و بر سر نهاد و بر حوا آورد ایزد عز اسمه بفرمود این چهار عضو گناهکار را به خدمت بشتن و مسح کردن تطهیر کنند این داستان بیان حال آدم و آدمیزاد است و همانند آن در آیات و روایات بسیار است الحمدلله که مولای مکرم خود اهل اشارت است. (۲۱۲)

۲۰۵- اصحاب حال و صاحب همت

بداند که کسانی که گاهی اصحاب حال می شوند، ارباب مکاشفه نمی گردند. مثلاً به پیشامد واقعه و حادثه ای چون به زیارت اهل قبور رفتن، و یا مرگ کسی را دیدن، و یا در مجلس وعظ و خطابه نشستن و یا به آفاتی که روی آورده اند، و از این قبیل امور ممکن است که شخص تا مدتی حالی و سوز و گدازی و التهاب و اضطرابی داشته باشد که کم کم چون بعد عهد منسی است آن حال از او گرفته شود، این چنین افراد به مکاشفات نمی گردند. مکاشفات روزی کسانی می شود که صاحب همت اند و دوام و استقامت در طریقه دارند. (۲۱۳)

۲۰۶- بدترین و بهترین حالت

حضور حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: شکم در اثر پر خوری طغیان می کند و بهترین حالت بنده در حضور خدا، وقتی است

کاهشکام او از غذا خالی باشد و بدترین حالت انسان در حضور خدا، با شکم پر است.

۲۰۷- اثر سجده طولانی (۲۱۴)

امیر مومنان فرمودند: من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم را دیده‌ام و یکی از شما را نبینم که مانند ایشان باشد؛ زیرا آنان ژولیده‌مو و غبار آلود بودند و شب را بیدار به سجده و قیام می‌گذراندند، گاهی پیشانی و گاهی گونه‌های خود را به خاک می‌نهادند و از یاد بازگشت و مرگ و قیامت، مانند اخگر و آتش پاره سوزان می‌ایستادند و مضطرب و نگران بودند؛ پیشانی‌هایشان بر اثر طول سجده مانند زانوهای بز، پینه بسته بود. هر گاه ذکر خداوند سبحان به میان می‌آمد، از ترس و عذاب و کیفر، و امید به ثواب و پاداش، اشک از چشمانشان جاری می‌گشت، به طوری که گریبانشان تر می‌شد و می‌لرزیدند؛ مانند درخت که در روز وزیدن تند باد می‌لرزد. (۲۱۵)

۲۰۸- پندی از ابلیس!!

امام صادق (ع) برای حفص بن غیاث حکایت فرمودند که: روزی ابلیس بر حضرت یحیی (ع) ظاهر شد در حالی که ریسمان‌های فراوانی به گردنش آویخته بود؛ حضرت یحیی (ع) پرسید: این ریسمان‌ها چیست؟ ابلیس گفت: اینها شهوات و خواسته‌های نفسانی بنی آدم است که با آنها گرفتارشان می‌کنم. حضرت یحیی (ع) پرسید: آیا چیزی از ریسمان‌ها هم برای من هست؟ ابلیس گفت: بعضی اوقات پرخوری کرده‌ای و تو را از نماز و یاد خدا غافل کرده‌ام. حضرت یحیی (ع) فرمود: به خدا قسم، از این به بعد هیچ‌گاه شکم را از غذا سیر نخواهم کرد. ابلیس گفت: به خدا قسم، من هم از این به بعد هیچ مسلمان موحدی را نصیحت نمی‌کنم. امام صادق (ع) در پایان این ماجرا فرمود: ای حفص! به خدا قسم، بر جعفر و آل جعفر لازم است هیچ‌گاه شکم‌شان را از غذا پر نکنند. به خدا قسم، بر جعفر و آل جعفر لازم است هیچ‌گاه برای دنیا کار نکنند! (۲۱۶)

۲۰۹- خدایی که نبینم پرستم!

امیر مؤمنان در مسجد کوفه بالای منبر خطبه می‌خواند. مردی برخاست که به او دُعلب می‌گفتند، دارای زبانی بلیغ در خطبه و قلبی شجاع بود. گفت: ای امیر مؤمنان! آیا پروردگارت را دیده‌ای؟ حضرت فرمود: وای بر تو ای دُعلب! من خدایی را که نبینم، نمی‌پرستم. پرسید: ای امیر مؤمنان! پس چگونه او را دیده‌ای؟ فرمود: وای بر تو ای دُعلب! دیدگان با مشاهده او را نمی‌بینند؛ ولی قلب‌ها با حقایق ایمان او را می‌بینند. وای بر تو ای دُعلب! خدای من چنان لطیف است که لطفش به وصف در نمی‌آید و چنان عظیم است که با عظمت وصف نمی‌گردد و چنان بزرگ کبریاست که با بزرگی وصف نمی‌شود. در جلالت چنان جلیل است که با غلظت وصف نمی‌شود. قبل از هر چیز است و نمی‌شود گفت: پیش از چیزی است. بعد از هر چیز است و نمی‌شود به او بعد گفت: اشیاء را خواسته، اما نه با همت. درک کرده است، اما نه با خدعه. در همه اشیاست، اما با آن‌ها مخلوط نیست و از آن‌ها هم جدا نیست. ظاهر است، نه به شکل مباشرت. متجلی است، نه با دیدن. دور است، نه با مسافت. قریب است، نه با نزدیک شدن. لطیف است، نه با جسم داشتن، موجود است، نه بعد از عدم. فاعل است، نه به اضطرار. صاحب تقدیر است، نه با حرکت زیاد می‌شود، نه با اضافه. شنواست، نه با آلتی بیناست، نه با اعداتی. اماکن حاوی او نمی‌شوند و اوقات او را شامل نمی‌گردند، صفات او را محدود نمی‌کنند و خواب او را نمی‌گیرد. هستی او از اوقات سبقت جسته، وجودش از عدم و ازلش، از ابتدا پیشی گرفته است. با خلق مشاعر فهمیده می‌شود که کسی برای او مشاعر قرار نداده و با تَجْهیر جواهر فهمیده می‌شود که جوهر ندارد و با ضد قرار دادن میان اشیاء فهمیده می‌شود که او ضد ندارد و با خلق تقارن میان اشیاء

فهمیده می شود که او قرین ندارد . نور را ضد ظلمت قرار نداده است و خشکی را ضد تری و زیری را ضد نرمی ، و سردی را ضد گرمی ، متباین ها را با هم جمع کرده و میان چیزهایی نزدیک ، دوری افکنده است که با تفریق ، بر مفرق و با تالیف ، بر مؤلف دلالت می کند . و این سخن خدای تعالی است و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون . (۲۱۷) میان قبل و بعد ، فاصله انداخت تا معلوم شود که او قبل و بعدی ندارد و موجودات با غرایزشان گواه اند که آفریننده غریزه آن ها ، غریزه ندارد و با موقت بودن شان اعلام می کنند که برای قرار دهنده وقت آن ها وقتی نیست . میان موجودات حجاب و مانع قرار داده تا معلوم شود میان او و خلقتش حجابی نیست . پروردگار است ، بدون این که خود پروردگاری داشته باشد و اله است ، بدون این که خود الهی داشته باشد . عالم است ، بدون این که معلوم باشد . سمیع است ، بدون این که مسموع باشد . (۲۱۸)

۲۱۰- توبه مؤمن

محمد بن مسلم از ابو جعفر ، امام باقر علیه السلام نقل کرده است : ای محمد بن مسلم ! گناهای که مؤمن از آن توبه کند ، بخشوده شود . پس باید برای زمان پس از توبه از نو شروع به عمل کند ، و به خدا سوگند که این توبه تنها اهل ایمان راست . عرض کردم : چنانچه توبه خویش را بشکند و گناه کند و سپس توبه کند ، چه ؟ فرمود : ای محمد بن مسلم ! آیا توانی باور کنی که بنده ای مؤمن بر گناه خویش پشیمان شده و از خدا آمرزش خواسته و توبه کرده ، ولی خداوند توبه اش را نپذیرفته است ؟ گفتم : او بارها چنین کرده ؛ گناه کرده و سپس توبه و استغفار ! فرمود : هر گاه که مؤمن به استغفار و توبه باز گردد ، خداوند نیز بخشایش و آمرزش را به سویش باز گرداند ، و خداوند ، آمرزنده و مهربان است . توبه را می پذیرد و از بدی ها در می گذرد . پس مبادا مؤمنان را از رحمت خدایی دور نمایی ! (۲۱۹)

۲۱۱- جامعه بی عارفان

جامعه بی عرفان کالبد بی جان است . (۲۲۰)

۲۱۲- عظمت کلام الهی

خداوند سبحان می فرماید : قل لو كان البحر مدادا ربك لنفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا ؛ (۲۲۱) بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود ، دریا به پایان می رسد و کلمات پروردگار من به پایان نمی رسد ، هر چند دریای دیگری به مدد آن بیاوریم . (۲۲۲)

۲۱۳- علت حرام بودن ربا

از امام باقر علیه السلام نقل گشته که امام فرمود : خداوند عزوجل ربا را حرام فرمود تا معروف از میان نرود .

۲۱۴- صابر باش !

اگر به راستی تشنه شدی آب برایت می فرستند . صابر باش که اگر دیر شود مسلما دروغ نخواهد شد ، مجرب است . علاوه اینکه کسانی که دیرتر می گیرند بهتر و پخته تر می گیرند و وجه آن با تدبیر معلوم می گردد . عارف رو می گوید : حکمت حق در قضا و قدر کرد ما را عاشقان یکدگر تشنه می نالد که کو آب گوار آب می نالد که کو آن آب خوار آب کم جو تشنگی آور بدست

تا بجوشد آبت از بالا و پست (۲۲۳)

۲۱۵- فانی در باقی کن!

پیش تا صور در دهد آواز خویشتن را بکش به تیغ نیاز یعنی پیش از آن که دست مرگ به گریبان رسد و نفخه صور آواز دهد، خویش را فانی در باقی کن! حدیث رسول الله است که موتوا قبل اءن تموتوا. پیشتر از مرگ خودای خواجه امیر تا شوی از مرگ خود ای خواجه میر (۲۲۴)

۲۱۶- نگفتن اسرار

هیچ کس در عالم محروم نیست؛ چه هر کس به قدر قابلیتش دارد. هرگاه از تو پرسند کیستی و کجا هستی؟ اگر به راستی در پاسخ گویی نام و نشانی ندارم رستی. کتاب هر کس صندوق اسرار اوست، نباید اسرار اشخاص را به بیگانگان وانمود. (۲۲۵)

۲۱۷- معانی مختلف سوره حمد

نماز گزار از هر سو رو بر می گرداند و رو به سوی خانه خدا می کند تا به همین سان جان او نیز مانند تنش یک سوی شود که تنها رو به سوی خدای یکتا آورد. در آغاز نماز به ستایش و نیایش می ایستد و سوره گرامی حمد را می خواند که پارسی آن بدین گونه است به نام خدای بخشاینده مهربان، ستایش از آن پروردگار جهانیان بخشاینده مهربان خداوند روز پاداش است. تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جویم، ما را به راه راست راهنمایی بفرما، راه کسانی که بر آنان نیکویی کرده ای، نه خشم گرفتاران و گمراهان. و در انجام نماز با سه سلام، درود و نوید و بخشایش خدای را به پیامبر گرامی و همه بندگان خوب و شایسته و به همه فرشتگان و فرستادگان و خوبان خدا می فرستد. (۲۲۶)

۲۱۸- نماز فقط برای خدا

اگر نماز بی تو باشد؛ یعنی مشوب به اغراض شخصی تو نباشد فقط برای خدا و تقرب به سوی او باشد قبول و پذیرفته می شود و الا فلا. (۲۲۷)

۲۱۹- باعث عروج

دعا معراج عروج نفس ناطقه به اوج وحدت، و ولوج به ملکوت عزت است.

۲۲۰- لغزش زبان

آدمی از لغزش زبانش آسیبی می بیند که هرگز از لغزش پایش چنان آسیب نمی بیند، چه این که لغزش او در گفتار سرش را بر باد می دهد و لغزش پایش به آرامی بهبود می یابد.

۲۲۱- نماز زنده (۲۲۸)

این نماز که به حسب ظاهر در اینجا قیام، قعود، حرکات و اغراض است، ظل آن نمازی است که با او محشوری و او با تو محشور

است، آن نمازی که حی است و نمی میرد، آن نماز زنده، توئی و تو او هستی، و آن حقیقت قریه‌الی الله است که از این حرکات و توجهات در مسیر استکمالی انسان، در نهانخانه سر ذات تو جا می کند و می نشیند. (۲۲۹)

۲۲۲- نماز به قصد بهشت

منطق انسان بیدار این است که ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین خلاصه این که وقف حق تعالی است و همه اعمال و احوالش قریه‌الی الله است، شخص موحد خدا می بیند و بس. مسلمان اگر نمازش را به قصد بهشت بخواند، نماز او باطل است، نماز و دیگر اعمال عبادی باید برای تقرب حق تعالی باشد. (۲۳۰)

۲۲۳- فریب ریش بلند خوردن

بز نر بسیار غیور است وقتی که گله راه می رود بز نر پیشاپیش همه گوسفندها راه می رود نمی گذارد گوسفندی بر او پیشی بگیرد. و این به جهت آن است که چون سایه خود را در آفتاب می بیند خود را به جهت شاخ های بلند و ریش درازی که دارد بهتر از دیگران می پندارد و نمی گذارد گوسفندان دیگر بر او تقدم بجویند و آنها را شاخ می زند. مکتوب فی التواره لا یغرنک طول اللحی فان التیس له لحيه. یعنی فریب ریش بلند نخورید و گمان نکنید که هر که ریش بلندی دارد از سایر مردم بهتر است به جهت آن که بز نر هم ریش بلند دارد و حال آن که با گوسفندان دیگر فرقی ندارد! شریح قاضی اطلس بود، مرد یهودی همسایه اش بود ریش بلندی داشت، شریح می گفت: اگر ریش بیع و شری می شد، من به ده هزار درهم چنین ریشی را می خریدم! (۲۳۱)

۲۲۴- در حرام و حلال دقت کن!

مرحوم حسن بن فضل طبرسی در ضمن وصایای پیامبر اکرم (ص) به ابوذر نقل می کند، پیامبر (ص) فرمود: ای ابوذر! انسان جزء متقین نخواهد بود؛ مگر این که هر روز، خودش را با دقتی بیشتر، از محاسبه شریک مالی اش محاسبه کند و بداند این غذا از کجا آمده است؟ این مایع نوشیدنی از چه راهی تهیه شده است؟ و این لباس که پوشیده چگونه به دست آمده است؟ آیا از مال حلال است یا حرام؟ (۲۳۲)

۲۲۵- محاسبه اعمال

امام کاظم (ع) می فرماید: کسی که در هر شبانه روز اعمالش را محاسبه نکند از ما نیست، به این صورت که حساب کند در طی روز، اگر کار نیکی انجام داده بود از خدا فزونی آن را بطلیید و اگر گناهی مرتکب شده بود، استغفار کند و از آن توبه نماید. (۲۳۳)

۲۲۶- طهارت باطنی و ظاهری

ظاهرت باید طاهر باشد تا توانی ظاهر قرآن را مس کنی و باطنت باید پاک باشد تا توانی باطنش را دریابی لایمسه الا المطهرون. (۲۳۴)

۲۲۷- آخرین سفارش

علامه طباطبایی آیه الله حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی فرزند مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی مرتضوی لنگرودی که در درس اسفار و شفای بوعلی و جلسات تفسیری علامه طباطبایی (رضی) شرکت می نمود و در جلسات خصوصی که به صورت سیار در شب های پنج شنبه و جمعه در منزل یکی از حاضرین در بحث منعقد می گردید از محضر استاد علامه استفاده می کرد. در بخشی از بیانات خود اظهار داشت: علامه طباطبایی (رضی الله) اهل مراقبه بود، یک وقت خدمت آن بزرگوار رسیدیم که دستورالعملی به ما بدهد فرمود: مراقبه و محاسبه انی دو حالت را، شخص سالک باید از ابتدای سیر و سلوک تا انتهای ملتزم باشد، فرمود: آخر شب، قبل از خواب، اعمالی را که در روز انجام داده اید بررسی کنید هر یک از اعمال تان که خوب بود خدا را برای آن حمد و سپاس گویند و توفیق انجام بهتر از آن را در روز بعد، از خداوند مسألت کنید. اگر خدای ناکرده تقصیر و یا خطایی مرتکب شده بودید، فوراً توبه کنید و تصمیم بگیرید که دیگر آن را انجام ندهید، اگر دیدید خلاف های شما متعدد است تصمیم بگیرید، فردا آن را کم کنید، خلاصه فرمود: مراقبه و محاسبه باید همیشه باشد. حتی در این اواخر که نمی دانست درست حرف بزند، یکی از رفقاء از ایشان خواسته بود توصیه هایی بفرماید؛ باز فرموده بود: مراقبه، محاسبه. (۲۳۵)

۲۲۸- یاد خدا در هر صبح و شام

خداوند در قرآن می فرماید: و اذکر ربک فی نفسک تضرعاً و خیفهً و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لا تکن من الغافلین * ان الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته و یسبحونه و له یسجدون؛ (۲۳۶) پروردگارت را در دل خود به تضرع و ترس بی آن که صدای خود بلند کنی هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش. هر آینه آنان که در نزد پروردگار تو هستند از پرستش او سر نمی تابند و تسبیحش می گویند و برایش سجده می کنند. (۲۳۷)

۲۲۹- اهمیت واجبات و نوافل

وقتی پیامبر اکرم (ص) به معراج مشرف شد پرسید: خدایا! بنده مؤ من نزد تو چگونه است؟ خطاب رسید: ای محمد!... هیچ چیز بنده ام را به اندازه واجبات به من نزدیک نمی کند و پس از آن در اثر انجام نوافل آن قدر به من نزدیک می شود که... .

۲۳۰- وصف قرآن

جناب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را به ماءدبه الله وصف فرمود، یعنی قرآن سفره الهی است، این سفره فقط برای انسان گسترده شد.

۲۳۱- بذر سعادت

بدانکه بذر سعادت، مراقبت است و مراقبت کشیک نفس کشیدن و پاسبان حرم دل بودن است و لا تکنوا کالذین نسوا الله فأنسیهم انفسهم ولئک هم الفاسقون؛ (۲۳۸) شما مانند آنان نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز نفوس آنها را از یادشان برد، آنان به حقیقت بدکاران اند. و تمام عبادات و ادعیه و اذکار برای به بار رساندن این تخم رستگاری است. همت بگمار تا این دستور بسیار بسیار گرانقدر را که در آخر جامع الاخبار منسوب به صدوق از کشاف حقائق امام به حق ناطق ابو عبدالله جعفر صادق - علیه الصلوٰة و السلام - روایت شده است حلقه گوش خود قرار دهی و آن اینکه القلب حرم الله فلا- تسکن فی حرم الله غیر الله؛ (۲۳۹) دل جایی است مخصوص خداوند. پس در جای خاص خدا، غیر از خدا را جای مده! (۲۴۰)

۲۳۲- شکر صفت ایثار

الهی! شکرست که نعمت صفت ایثارم بخشیدی. (۲۴۱)

۲۳۳- مقام والای صبر

جناب سید رضی رضوان الله علیه در اواخر نهج البلاغه از حضرت آدم اولیاء الله امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که قال علیه السلام: من صبر صبر الاء حرار والا سلا سلو الاء غمار. و نیز نقل کرده است که: اءنه قال علیه السلام للا شعث بن قیس معزیا: ان صبرت صبر الاء کارم والا سلوت سلو البهائم مقصود اینکه اندوه خواه با بردباری و خواه با بی تابی روزی سپری خواهد شد، اگر چون آزادگان و بزرگان شکیبایی پیشه کرده ای چه بهتر، و گرنه اندوه آن چنانکه از گولان و چهارپایان سپری می شود، به سر آید. (۲۴۲)

۲۳۴- خوشا آنان که دائم در نمازند

خداوند سبحان در معارج قرآن فرمود: ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا الخیر منوعا الا- المصلین الذین هم علی صلوتهم دائمون؛ (۲۴۳) هر آینه آدمی حریص و ناشکیبا آفریده شد، چون شری بدو رسد بی قراری کند و چون مالی به دستش افتد بخل می ورزد، مگر نماز گزارندگان آنان که به نماز مداومت می ورزند.

۲۳۵- مرگ دل

مرحوم کلینی (قدس سره) نقل می کند: از جمله نیروهایی که خداوند متعال با موسی مناجات فرمود این بوده که: ای موسی! در هر حال که هستی مرا فراموش مکن؛ زیرا فراموشی من سبب مرگ دل می شود. (۲۴۴)

۲۳۶- خصوصیات اولیاء الله

مرحوم علامه شیخ بهاء الدین (بهایی) (قدس سره) از امیر المؤمنین (ع) نقل می کند، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که خداوند متعال را بشناسد و او را تعظیم کند، دهانش را از سخن (بی فایده) حفظ می کند و شکمش را از غذا (پر خوری) نگه می دارد و رنج روزه و نماز را بر خویش هموار می کند. عده ای پرسیدند: ای رسول خدا (ص)! آیا اینان اولیای الهی اند؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: اولیای خدا کسانی اند که ساکت اند؛ اما سکوت شان تفکر است، سخن می گویند؛ اما سخن گفتن شان ذکر و یاد خداست، نگاه می کنند و نگاه شان عبرت است. می گویند و گفتن شان حکمت است، راه رفتن شان در میان مردم سبب برکت است و اگر نبود اجل هایی که خدا برای شان مقدر فرموده بود از خوف عذاب و شوق ثواب، روح شان در بدن شان نمی گنجید. (۲۴۵)

۲۳۷- شادی و سرور

حق تعالی مرحوم کلینی (قدس سره) در حدیثی نقل می کند: خداوند متعال به حضرت عیسی (ع) فرمود: ای عیسی! مرا یاد کن تا من تو را یاد کنم، مرا در جمع خویش یاد کن تا من هم تو را در جمع بهتر از گروه انسان ها یاد کنم، ای عیسی! دلت را برای من نرم کن و در خلوت هایت مرا بسیار یاد کن و بدان که شادی و سرور من در این است که تو خاضعانه به در خانه من بیایی.

۲۳۸- شکم بدترین ظرف ها

امام صادق (ع) فرمود: آنها که درباره مبارزه با نفس است: ۱- از خوردن آنچه اشتها نداری پرهیز کن که سبب حماقت و نادانی می شود. ۲- از خوردن غذا جز در وقت گرسنگی اجتناب نما. ۳- آنگاه که غذا می خوری از غذای حلال استفاده کن و در آغاز بسم الله بگو و این سخن ارزشمند رسول اکرم (ص) را به یاد داشته باش که: انسان هیچ ظرفی را پر نکرد که بدتر از شکم باشد! پس اگر ناچاری که حتما غذا بخوری (که برای حفظ سلامتی ناچار هستی) پس ۳/۱ آن را به غذا و ۳/۱ آن را به آب و ۳/۱ آن را به نفس کشیدن اختصاص بده! (۲۴۶)

۲۳۹- خوشا به حال قائل لا اله الا الله ...

ثقه الاسلام کلینی (قدس سره) در کتاب دعای کافی نقل می کند امام صادق (ع) فرمودند: جبریل (ع) به رسول الله (ص) گفت: خوشا به حال کسی از امت که بگوید: لا اله الا الله وحده وحده وحده

۲۴۰- کراماتی از حکیم الهی قمشه ای

حکیم الهی قمشه ای در راه مکه، برای اقامه نماز توقف کردند. به گوشه ای رفته و در بیابان نماز می گزارد که ماشین حرکت کرد و وی از کاروان به جا ماند. بعد از نماز روی به جانب خدا نمود و گفت: خدایا! چه کنم؟ در این حال ماشین سواری شیکی جلوی پایش ایستاد و راننده آن گفت: آقای الهی ماشین شما رفت؟ جواب داد: بلی. گفت: بیایید سوار شوید. وقتی سوار شد با یک چشم به هم زدن به ماشین خویش رسید، فوراً پیاده شد و به ماشین خود رفت، وقتی برگشت دید ماشین سواری نیست از مسافران پرسید: این ماشین سواری که مرا رساند کجا رفت؟ مسافری گفتند: آقای الهی ماشین سواری کدام است؟ اینجا توی این بیابان ماشین سواری پیدا نمی شود. (۲۴۷)

۲۴۱- عترت

قرآن ناطق امیر المؤمنین علیه السلام عترت را که در نهج البلاغه اسم می برد می فرماید: فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن، (۲۴۸) عترت اهل قرآن هستند، قرآن در آنها عجین شده است و مراتب قرآن را سیر کرده اند و معارج قرآن را پیموده اند و به مقامات شامخه قرآن رسیده اند و خود قرآن ناطق اند. آنان آثار و علایم و نشانه هایی دارند، حرکات شان، رفتارشان، گفتارشان، قلم شان، همه قرآن است، همه حق محض و صدق صرف است، آنان مبین حقایق اسماء الهیه اند. (۲۴۹)

۲۴۲- بهترین دعا

علامه شیخ بهایی (قدس سره) در کشکول از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: بهترین دعا، دعای من و دعای پیامبران قبل از من است و آن دعا این است که: لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا- یموت بیده الخیر، و هو علی کل شیء قدير؛ نیست خدایی جز الله که اوست یکتا و یکتا و هیچ شریکی برای او نیست، ملک و سلطنت از آن اوست، حمد مخصوص اوست، زنده می کند و می میراند، و اوست زنده و جاوید و همه خیرات به دست اوست و او بر هر کاری قادر و تواناست. (۲۵۰)

۲۴۳- بهترین مردم

بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و آن را در آغوش بگیرد و از صمیم قلب آن را دوست داشته باشد و با همه جسم و جانش بدان روی آورد و خویشتن را برای آن آماده کند، در این صورت است که برایش مهم نیست در دنیا چگونه به سر می برد با سختی یا سستی. (۲۵۱)

۲۴۴- ذکر در شب

علامه بن کامل گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام (در حالی که به فرموده خداوند در آخر سوره اعراف نظر داشت) می فرمود: شب هنگام، با حال زاری و بیم، بدون آنکه آوایت را آشکار کنی، پروردگارت را در ضمیرت یاد کن (و بگو): لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، یحیی و یمیت و یحیی و هو علی کل شیء قدير. علاء بن کامل گوید: من به حضور شریف امام عرضه داشتم که جمله بیده الخیر را در این ذکر نیاوردید؟ (چه طور است این را هم بر آن بیافزاییم؟) آنگاه حضرت فرمودند: گر چه خیر به دست خداست؛ ولی تو آنچه را که گفتم، همانطور (بدون آنکه چیزی بر آن بیافزایی) ده بار بگو و نیز هنگام برآمدن آفتاب و هنگام فرو شدن آن ده بار بگو اعوذ بالله السميع العليم. (۲۵۲)

۲۴۵- ای سرزمین!

خوش به سعادت تو در یکی از سفرها که حضرت علی (ع) به همراه یارانش از کربلا می گذشتند، وقتی به آن سرزمین مقدس رسیدند، دیدگان آن حضرت پر از اشک شد و فرمود: اینجا محل بستن مرکب های آنان و آنجا محل بر زمین نهادن توشه های سفر و فرود آمدن شان و آن جای دیگر محل ریخته شدن خون های پاک آنان است، ای سرزمین! خوشا به سعادتت که خون های دوستداران و محبان خدا بر تو ریخته می شود. (۲۵۳)

۲۴۶- اجابت دعا

در سحرگاهان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین وقتی که در آن خدای عزوجل را می خوانید سحرهاست. سپس آن جناب به قول حضرت یعقوب علیه السلام که به فرزندانش گفته بود: سوف استغفرلکم ربی یعنی به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم، اشاره کرد و فرمود: حضرت یعقوب خواسته فرزندانش را که طلب آمرزش بود تا سحر تاءخیر انداخت. (۲۵۴)

۲۴۷- با خدا باش و پادشاهی کن!

مرحوم کلینی (قدس سره) در اصول کافی از امام باقر (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خدای عزوجل می فرماید: قسم به عزت و جلالم، قسم به عظمت و کبریایی ام، قسم به نور و برتری ام، هر گاه بنده ای خواسته خودش را بر خواسته من مقدم دارد، زندگی اش را پراکنده و آشفته می کنم، لباس دنیا زدگی بر اندامش می پوشانم و قلبش را سرگرم دنیا می نمایم و از دنیا غیر از آن چه برایش مقدر کرده باشم به او نمی دهم. قسم به عزت و جلالم، قسم به عظمت و کبریایی ام، قسم به نور و برتری ام، هر گاه بنده ای خواسته مرا بر خواسته خود مقدم بدارد، ملایکه ام را به حفاظت او می گمارم و آسمان و زمین عهده دار رزق و روزی اش خواهند بود و با هر تجارتش با اویم و دنیا به سوی او می آید و او از آن روی گردان است. (۲۵۵)

۲۴۸- خوشا به حال دایم الصلوت

ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن جناب فرمود: مؤمن تا در یاد خداست همواره در نماز است، خواه ایستاده باشد یا نشسته و یا خفته؛ زیرا که خداوند (در وصف خردمندان) می فرماید: آنانی که در حالت ایستاده و نشسته و خفته، خدا را یاد می کنند. امام فرموده است: تا در یاد خدایی، همواره در نمازی. خوشا آنان که دائم در نمازند.

۲۴۹- چه بد بنده ای است...

روایت شده است که خدای تعالی در یکی از کتاب هایش فرموده است: بنده ام! آیا این خوب و زیباست که تو در حال مناجات با من، به چپ و راست توجه نمایی و با بنده ای چون خودت، تکلم کرده، مرا رها نمایی؟! آیا چون با یکی از برادرانت، تکلم می نمایی، از ادب به دور نیست که به کسی جز او توجه و التفات نمایی؟! ولی تو با او چنین نمی کنی و در مقابلش ادب را نگاه می داری؛ در حالی که ادب را در محضر من رعایت نمی کنی! پس، چه بد بنده ای است، کسی که چنین باشد! (۲۵۶) (۲۵۷)

۲۵۰- والاتر از خواسته عبد!

از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمودند: زمانی که خدای را خواندم و دعایم مستجاب شد؛ اما حاجتم را فراموش کردم؛ زیرا همین که خدا دعای بنده اش را اجابت فرمود و به او اقبال نمود، نعمت های ابدی اش باشد و البته این را نمی توانند درک کنند مگر عارفان بالله و محبان عامل برگزیدگان خاص الهی. (۲۵۸)

۲۵۱- یاد خدا در هر حال خداوند

سبحان می فرماید: فاذا قضیت الصلوة فاذکروا الله قیاما و قعودا و علی جنوبکم؛ (۲۵۹) و چون نماز را به پایان بردید، خدا را ایستاده و یا نشسته و یا به پهلو خوابیده یاد کنید.

۲۵۲- تو را به جایگاه رفیع می رساندم

ابو بصیر گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی سوره ای از قرآن را فراموش کرده است (یعنی آن را ضایع کرده است و ترک گفته است) قرآن در صورت نیکو و درجه بلندی در بهشت برای او تمثیل می یابد و چون آن مثال را دید بدو می گوید: تو کیستی بدین خوبی؟ کاش برای من بودی. آن صورت، یعنی همان مثال، در جواب می فرماید: آیا مرا نمی شناسی؟ من فلان سوره ام. اگر مرا فراموش نمی کردی، تو را به این مقام رفیع می رساندم. (۲۶۰)

۲۵۳- اخلاق عارف

شیخ الرئیس در مقام عرفان می گوید: عارف، خوشرو، و خندان و متبسم است و از روی تواضع به کوچک تر، همان طور احترام می کند که به بزرگ تر، و از دیدن افراد گمنام، همان قدر خوشحال می شود که از دیدن افراد نامدار؛ چگونه شاد نباشد و به وجد نیاید در حالی که به حق و همه چیز به این سبب که خداوند را در آن می بیند شادمان است، و چگونه برای او همگان یکسان نباشند، در حالی که همه نزد او اهل رحمت اند که مشغول باطل اند. تا آن جا که می گوید: عارف، شجاع است و چگونه شجاع نباشند در حالی که او از مرگ هراسی ندارد، و بخشنده است و چگونه بخشنده نباشد در حالی که از محبت باطل برکنار است، و

او حقد و کینه‌ها را فراموش می‌کند و چگونه چنین نکند در حالی که ذکرش مشغول به حق است. (۲۶۱)

۲۵۴- توبه در آخرین لحظات

معاویة بن وهب گفته است: به سوی مکه رهسپار بودیم که پیرمردی متاءله و متعبد ما را همراهی می‌کرد. لیکن او بر مذهب ما اطلاعی نداشت و (به مذهب اهل جماعت) نماز را در سفر تمام می‌خواند. برادر زاده اش که شیعه بود، او را در این سفر همراهی می‌کرد. از قضا پیرمرد بیمار شد. برادر زاده اش را گفتم: اگر مذهب شیعه را بر عمویت عرضه بداری، امید است که او (از عقاب الهی) رهایی یابد! همراهان، همگی گفتند: این پیرمرد را به حال خود واگذارید؛ چه او بر همان حالی که هست نیکوست. لیک، برادر زاده طاقت نیاورد و او را گفت: ای عمو! همه مدرم جز اندکی، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دین خدا خارج شدند. همچنانکه باید از رسول صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت و پیروی می‌کردیم، بایستی از علی بن ابی طالب علیه السلام نیز اطاعت و پیروی کنیم، او و اطاعت از او پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حق است. پیرمرد، نفسی کشید و فریاد برآورد: من آن چه را تو گفتی باور کردم. و سپس، جانش از بدن خارج شد. پس از آن، خدمت ابو عبدالله، امام صادق علیه السلام مشرف گشتیم. علی بن سری، ماجرا را برای حضرت نقل کرد. ابو عبدالله علیه السلام فرمود: آن مرد، اهل بهشت است. علی بن سری عرض کرد: او جز در همان وقت، بر چیزی از مذهب شیعه آگاهی نداشت! امام فرمود: پس جز این، از او چه می‌خواهید؟! به خدا سوگند که او به بهشت رفته است. (۲۶۲)

۲۵۵- پشیمانی در لحظه مشاهده مرگ

در کتاب من لایحضره الفقیه آمده است: از امام صادق علیه السلام از این کلام خدای تعالی! پرسش شد که: کسی که با اعمال زشت، تمام عمر اشتغال ورزد تا آن گاه که مشاهده مرگ کند، در آن هنگام پشیمان شود و گوید: اکنون توبه کردم، توبه اش پذیرفته نیست؟ امام در پاسخ فرمود: (یعنی) هنگامی که امر آخرت را به چشم بیند.

۲۵۶- فواید نماز در مکان مخصوص

در جوامع روایه درباره نمازهای واجب و مستحب مروی است که فرایض را در یک محل مخصوص و معین منزل بخوانید؛ یعنی برای خود مصلاهی خاصی برای ادای فرایض قرار دهید. و در وقت احتضار شما را در آنجا گذارند که موجب تخفیف شداید و غمرات موت است؛ ولی نوافل را در اماکن متعدده بخوانید که برای شما شاهد باشند. شاید اختصاص فرایض به صورت اولی برای کثرت احتجاج محتضر در آن هنگام بدان باشد که بیش از شهود، وی را به کار آید. فتدبر! (۲۶۳)

۲۵۷- آموزش قرآن در قبر

وفی الکافی باسناده الی حفص، عن مویس بن جعفر علیه السلام؛ یا حفص! من مات من شیعتنا و لم یحسن القرآن علم فی قبره لیرفع الله به من درجه. در کافی سند به حفص می‌رساند و حفص گوید: امام موسی بن جعفر علیها السلام به من فرمود: ای حفص! هر که از پیروان ما بمیرد و قرآن را خوب یاد نداشته باشد، در قبرش بدو آموزش دهند تا خداوند به این وسیله پایه اش را بالا برد. (۲۶۴)

۲۵۸- بردن شفاعت از دنیا

انسان باید بداند که شفاعت را باید از این جا با خود ببرد و آن قدر که با انسان کامل؛ یعنی امام عصرش عجل الله تعالی فرجه الشریف سنخیت دارد به همان اندازه از شفاعت بهره مند است و با قرآن و عترت پیوسته است، پس هم قرآن شفیع است و هم عترت و ممکن است که شخص شفیع هم شفیع جمعی شود، عاقل را اشاره کافی است! (۲۶۵)

۲۵۹- پناه بردن

امام صادق علیه السلام می فرماید: در شگفتم برای کسی که از چهار چیز بیم دارد، چگونه به چهار چیز پناه نمی برد: در شگفتم برای کسی که ترس بر او غلبه کرده، چگونه به ذکر حسبنا الله و نعم الوکیل پناه نمی برد؛ زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر یاد شده فرمود: پس آن کسانی که به عزم جهاد خارج گشتند و تخویف شیاطین در آنها اثر نکرد و به ذکر فوق تمسک جستند) همراه با نعمتی از جانب خداوند (عافیت) و چیزی زاید بر آن (سود در تجارت) باز گشتند و هیچ گونه بدی به آنان نرسید. و در شگفتم برای کسی که اندوهگین است، چگونه به ذکر لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین پناه نمی برد؛ زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر فوق فرمود: پس ما (یونس را در اثر تمسک به ذکر یاد شده) از اندوه نجات دادیم و همین گونه مؤمنین را نجات می بخشیم. و در شگفتم برای کسی که مورد مکر و حيله واقع شده، چگونه به ذکر اءفوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد پناه نمی برد؛ زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر فوق فرمود: پس خداوند (موسی را در اثر ذکر یاد شده) از شر و مکر فرعونیان مصون داشت. و در شگفتم برای کسی که طالب دنیا و زیبایی های دنیا است، چگونه به ذکر ما شاء الله لا قوة الا بالله پناه نمی برد؛ زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل بعد از ذکر یاد شده (از زبان مردی که فاقد نعمت های دنیوی بود، خطاب به مردی که از آن نعمت ها بهره مند بود) فرمود: اگر تو مرا به مال و فرزند، کمتر از خود می دانی پس امید است خداوند مرا بهتر از باغ تو بدهد... (۲۶۶)

۲۶۰- مشاهده خداوند

قبل از قیامت ابو بصیر می گوید که به حضرت امام صادق علیه السلام گفتم: در مورد خدای تعالی آگاهم کن که آیا مؤمنان روز قیامت او را می بینند؟ فرمود: آری، و پیش از روز قیامت هم دیده اند. گفتم: کی؟ فرمود: وقتی که به آنها گفت: اءلست بریکم؟ قالوا بلی؛ آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند آری، هستی. (۲۶۷) بعد از مدتی ساکت شد و آن گاه فرمود: مؤمنان در دنیا، پیش از روز قیامت هم می بینند؛ آیا تو همین الان او را نمی بینی؟ ابو بصیر می گوید: گفتم: فدایت شوم! این حدیث را از جانب شما نقل بکنم؟ فرمود: نه، زیرا اگر آن را بگویی، جاهل به معنایی که تو قابل هستی، آن را انکار می کند و بعد این را تشبیه و کفر به حساب می آورد، و منظور رؤیت با چشم نیست؛ خدا بزرگ تر از چیزی است که مشبهان و ملحدان وصف می کنند. (۲۶۸)

۲۶۱- خزائن الهی

زهری گفت: از امام سجاد علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیات قرآن خزینه ها هستند، پس هر خزینه را گشوده ای، سزاوار است که در آن نظر کنی. (۲۶۹)

۲۶۲- در روز گناه مکن

شخصی نزد سلمان فارسی آمد گفت: ای ابا عبدالله! من توان آن ندارم که در شب نماز به جای آورم. سلمان گفت: در روز گناه مکن! (۲۷۰)

۲۶۳- آثار قرآن و قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: در دیوان‌ها در روز قیامت سه اند: یکی دیوانی که در او نعمت هاست، دیگر دیوانی که در آن حسنات است، پس دیوان نعمت‌ها و حسنات را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند که دیوان نعم تمام حسنات را فرا می‌گیرد و در خود فرو می‌برد، و دیوان سیئات می‌ماند. پس فرزند مؤمن آدم برای حساب خوانده می‌شود. آنگاه قرآن در فراروی او در نیکوترین صورتی پیش می‌آید و می‌گوید: ای رب من! من قرآنم و این بنده مؤمن توست که خود را به تلاوت من رنج می‌داد، و شب را در مدتی دراز به ترتیل در قرائت من می‌گذرانید، و درگاه تهجد (شب نمازی و شب زنده داری) از چشمان او اشک جاری می‌شد؛ پس او را خوشنود گردان، چنانکه مرا خوشنود گردانید. امام فرمود: در آنگاه خداوند عزیز جبار می‌فرماید: بنده من! یمینت را (دست راسترا) باز کن، پس آن را از رضوان خدای عزیز جبار پر می‌کند؛ و شمال او را (دست چپ او را) از رحمت خدا پر می‌کند. سپس به او گفته می‌شود: این بهشتبرای تو مباح است، بخوان (قرآن را) و بالا برو؛ پس چون آیه ای را قرائت کرد، درجهای بالا می‌رود.

۲۶۴- وضو نور است

(۲۷۱) ای دوست! بدان که، وضو نور است و دوام در طهارت، تو را به عالم قدس ارتقا دهد.

۲۶۵- یاد خداوند

خداوند سبحان می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکره و اصیلا هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را فراوان یاد کنید. و هر بامداد و شبانگاه تسبیحش گوئید. اوست که خود و فرشتگانش بر شما درود می‌فرستند تا شما را از تاریکی به روشنی برنند؛ زیرا خداوند با مؤمنان مهربان است. (۲۷۲)

۲۶۶- در گردنه ماندن حمار

شیخ ابن خلکان در شرح حال ابو علی جبایی گوید که: ابوالحسن اشعری با استادش ابو علی جبایی مناظره ای دارد که علما آن را نقل کرده‌اند و آن این است که ابوالحسن اشعری از وی پرسید: چه می‌گوئید درباره سه برادر که یکی مؤمن و نیکوکار و پرهیزگار بود و مرد، و دومی کافر و فاسق و شقی بود و مرد، و سومی کودک خردسال که در همان کودکی بمرد؟ این سه تن چگونه است؟ جبایی در جواب گفت: زاهد در درجات است، و کافر در درجات است، و صغیر از اهل سلامت است. سپس اشعری گفت: اگر صغیر بخواهد به سوی درجات زاهد برود آیا! او اذن داده می‌شود؟ جبایی گفت: نه، زیرا به او می‌گویند: برادرت به سبب طاعات کثیرش به این درجات رسید و تو را آن طاعات نبود. اشعری گفت: صغیر می‌گوید: خدایا! تقصیر من نبود؛ زیرا تو مرا باقی نگذاشتی و مرا قدرت بر طاعت نداری. جبایی در جواب گفت: باری جل و علی می‌گوید: من می‌دانستم اگر تو باقی می‌ماندی گناه می‌کردی و مستحق عذاب الیم می‌شدی، لذا رعایت مصلحت تو کردم. اشعری گفت: برادر کافر می‌گوید: یا اله العالمین! همچنان که حال برادر صغیر مرا می‌دانستی، به حال من نیز دانا بودی، چرا مصلحت او را رعایت

کردی و مصلحت مرا رعایت نکردی؟ جایی در جواب اشعری بدو گفت: تو دیوانه ای! اشعری بدو گفت: نه، من دیوانه نیستم؛ بلکه حمار شیخ در گردنه بماند! سپس از جایی منقطع شد و ترک مذهب وی کرد و اعتراضات بسیار بر گفته هایش داشت، به طوری که وحشت بزرگی در میان شان پدید آمد. (۲۷۳)

۲۶۷- خدانشاسی علی (ع) ۸

امام باقر علیه السلام از جدش امیر مؤمنان نقل می فرماید که: مردی برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! با چه چیز خدایت را شناختی؟ فرمود: با شکسته شدن عزم ها و همت ها؛ چون تصمیم به انجام کاری گرفتم، مانع شد و چون عزم کردم پس قضای الهی با عزمم مخالفت نمود؛ پس دریافتم که مدبر، کسی است جز من. مرد گفت: چه باعث شد شکر نعمت های او را به جای آوری؟ حضرت علیه السلام فرمود: به بلایا نگریستم که خداوند، آن ها را از من دور نمود و غیر مرا دچار آن ساخت؛ از این رو دریافتم که او به من نعمت ارزانی داشته است، پس شکرش را بر خود لازم دانستم. مرد پرسید: چرا لقایش را دوست داری؟ فرمود: چون دریافتم که برای من دین فرشتگان و فرستادگان و پیامبرانش را برگزیده؛ دانستم که مرا گرامی داشته و فراموشم نکرده است. پس مشتاق لقایش شدم. (۲۷۴)

۲۶۸- محب واقعی

امام صادق علیه السلام فرمود: از جمله سخنان خداوند با حضرت موسی علیه السلام این بود که خطاب به او فرمود: ای پسر عمران! دروغ گوست کسی که بگوید: مرا دوست دارد؛ ولی چون شب فرا رسد، در خواب باشد؟! آیا محب، مایل نیست که با محبوبش خلوت کند؟! ای پسر عمران! من دوستانم را می شناسم، وقتی فرا رسد، دیده آنان، از قلب شان متحول شود و عقوبتم برابر چشمان شان مجسم گردد. از روی مشاهده مرا خطاب نمایند و از روی حضور با من تکلم کنند. ای پسر عمران! از قلبت مرا خشوع ده و از بدنت خضوع و از چشمت، در ظلمات شب، اشک! مرا بخوان که قریب و مجیب خواهی یافت! (۲۷۵)

۲۶۹- عبور از دریا به وسیله بسم الله

جناب ثقة الاسلام کلینی در کتاب شریف اصول کافی از امام صادق علیه السلام روایت فرموده است که: شخصی همراه حضرت عیسی علیه السلام بود تا به دریا رسیدند و با حضرت بر روی آب راه می رفتند و از دریا می گذشتند. این جانی است که بر آب تصرف می کند، این همان جا است که مرده را زنده می کند، و ابراء اکمه و ابرص می نماید، و جان های مرده را زنده می کند و حیات می دهد، و هر کسی که به تعلیم معارف حقه، نفوس را احیاء می کند عیسوی مشرب است. آن شخص دید که بر روی آب مثل زمین هموار عبور می کنند، در عین عبور به این فکر افتاد که حضرت چه می گوید و چه می کند که بر روی دریا این گونه راه می روند، دید حضرت می گوید: بسم الله، از روی عجب به این گمان افتاد، که اگر خودش از تبعیت کامل بیرون آید و مستقلاً بسم الله بگوید، مانند حضرت می تواند بر آب بگذرد، از کامل، بریدن همان و غرق شدن همان، استغاثه به حضرت، روح الله نمود آن جناب نجاتش داد. (۲۷۶)

۲۷۰- قرآن، عرفان، برهان

الهی! قرآن و انسان و عرفان و برهان یکی اند و از هم جدایی ندارند، حسن را تاءحد جمع می ده! (۲۷۷)

۲۷۱- قسی القلب

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جز به ذکر خدا، زیاده مگویید؛ چه سخن بسیار که در آن ذکر خداوند نباشد، قلب را قساوت بخشد و دورترین مردم از خداوند، شخص قسی القلب است.

۲۷۲- قرائت قرآن با لحن عربی

باید سعی شود که قرآن کریم و ادعیه اعم از ماءثور و غیر ماءثور صحیح قرائت شود فی الکافی عبدالله علیه السلام قال: اءعرب القرآن فانه عربی. امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن را با لحن عربی، بدون غلط قرائت کنید؛ زیرا که قرآن عربی است. (۲۷۸)

۲۷۳- داناترین مردم به توحید

هشام بن سالم روایت شده است که: نزد امام صادق علیه السلام رفتم، به من فرمود: آیا می توانی خدا را وصف کنی؟ گفتم: آری! فرمود: وصف کن! گفتم: او شنوا و بیناست. فرمود: این صفتی است که مخلوقات نیز در آن شریک اند. گفتم: چگونه او را وصف کنم؟ فرمود: او نور بدون ظلمت و حیات بدون مرگ و علم بدون جهل و حق بدون باطل است. پس از نزد آن حضرت بیرون آمدم در حالی که داناترین مردم به توحید بودم.

۲۷۴- یاد خدا در همه حال (۲۷۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: تو را باکی نیست در حالی که بول می کنی به یاد خدا باشی؛ زیرا یاد خدا در همه حال نیکوست. بنابراین هیچ گاه از یاد خداوند به ستوه میا و از آن ملول مباش. (۲۸۰)

۲۷۵- نفتی و خدانشاسی

شخصی بود که در قدیم، ظروفی پر از نفت را با اسب و قاطر به دهات و روستاها می برد، روزی شخصی از او پرسید که: تو خدایت را چگونه شناخته ای؟ نفتی جواب داد: خوب گوش کن، من هر گاه که از مبداء راه می افتم، پس از پر کردن این ظرف ها از نفت، درب آن ها را با پارچه یا نایلونی محکم می بندم و بعد هم با نخ، محکم به دور آن می پیچم، با همه این ها، همیشه از در این ظروف، نفت ها چکه چکه می ریزد، ولی خداوند ما را طوری آفریده که اگر در شدیدترین حالات فشار قوی دافعه بدن قرار گیریم، تا خودمان نخواهیم عمل دفع صورت نمی گیرد و غایط و بول بدون اراده نفس، خارج نمی شود و در عین حال هیچ گاه به نخ و نایلون هم نیازی نیست! من از این راه به وجود و عظمت خدا پی برده ام! (۲۸۱)

۲۷۶- کشیدن تیر در حال نماز

واقعه امیر المؤمنین علیه السلام و پیکان در جنگ احد را مرحوم ملافتح الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین در ضمن آیه الذین هم فی صلواتهم خاشعون در اول سوره مبارکه مؤ منون قرآن کریم نقل کرده است که: در اخبار صحیحیه آمده که در روز احد پیکان مخالفین در بدن مبارک امیر المؤمنین علیه السلام نشست و از غایت وجع نتوانستند که آن را بیرون آورند؛ صورت حال را به حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند، فرمود که: وقتی که وی در نماز باشد، پیکان را از بدن اطهر او بیرون آوردند و خون بسیار بر سجاده آن حضرت ریخته شد، و چون از نماز فارغ شد و آن خون را مشاهده نمود، پرسید که: این خون

چیست؟ گفتند که: در حینی که پیکان از بدن شما بیرون آوردیم این خون از آن جراحت بیرون آمد، فرمود: به خدایی که جان علی در قبضه قدرت اوست که در نیافتیم و واقف نشدم که شما در چه وقت بدن مرا شکافتید و پیکان را بیرون آوردید. (۲۸۲)

۲۷۷- پند قرآنی

خداوند سبحان می فرماید: فاقراءوا ما تيسر من القرآن؛ با این همه، تا حدی که میسرتان است قرآن بخوانید. (۲۸۳)

۲۷۸- خداوند همه جا است!

روزی علی علیه السلام وارد بازار شد. مردی را دید که می گوید: نه! سوگند به کسی که هفت حجاب دارد؛ حضرت پرسید: منظورت کیست؟ گفت: خدا! ای امیر مؤمنان! حضرت فرمود: اشتباه می کنی، مادر به عزایت بنشیند! میان خدا و خلقش هیچ حجابی نیست و هر جا که باشند خداوند با آن هاست. مرد پرسید: ای امیر مؤمنان! کفاره آن چه که گفتم چیست؟ فرمود: این که بدانی هر جا باشی خدا با توست. مرد گفت: آیا به مساکین طعام دهم؟ حضرت فرمود: نه! چون به غیر خدایت سوگندی خوردی! (۲۸۴)

۲۷۹- آرزوی قرآن به دل کردن

الهی! امشب، که شب قدر است، همه قرآن به سر می کنند، حسن را توفیق ده که قرآن به دل کند! (۲۸۵)

۲۸۰- قرآن بخوان و بالا برو

حفص گفت: از امام هفتم شنیدم به مردی می گفت: آیا بقای در دنیا را دوست داری؟ آن مرد گفت: آری. امام فرمود: برای چه؟ گفت: برای قرائت قل هو الله احد. امام پس از ساعتی سکوت از آن مرد، فرمود: ای حفص! هر کس از اولیاء و شیعیان ما بمیرد و قرآن را نیکو نداند، در قبرش قرآن را بدو تعلیم می نمایند تا خداوند درجه او را به علم بالا ببرد؛ چه اینکه درجات بهشت بر قدر آیات قرآن است. به او می گویند: بخوان قرآن را و بالا برو. پس می خواند و بالا می رود. (۲۸۶)

۲۸۱- مذهب شیطان

خواجه نصیرالدین گوید: از من پرسیدند: مذهب شیطان چیست؟ من مطابق قرآن گفتم: شیطان در اصول، اشعری و در فروع، حنفی است. امام در اصول چنان که گفته است رب بماء غویتنی که اشعریان نسبت اعمال به خدا دهند و شیطان غوایت را نسبت به خداوند داده است. اما در فروع، چون ماء مور به سجده آدم شد، سرباز زد و بین خاک و آتش مقایسه کرد و گفت: اءنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین (۲۸۷) و حنفیان که تابع ابو حنیفه اند، در فروع دین، قیاس جایز دانند. (۲۸۸)

۲۸۲- تجدید وضو

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: خداوند متعال فرموده است: هر کس محدث شود و وضو نگیرد، بر من جفا کرده است، و هر کس محدث شود و وضو گیرد، و دو رکعت نماز نخواند، او نیز بر من ظلم کرده است، و کسی که دو رکعت را بخواند ولیکن دعا نکند، او هم جفا کرده است، و آن کس که محدث شود، سپس وضو گیرد و دو رکعت نماز به جای آرد و دعا کند

و در امر دین و دنیایش از من حاجت طلبد ، اگر اجابتش نکنم ، من به او جفا کرده ام ، ولی من خدایی ستمکار نیستم . (۲۸۹)

۲۸۳- مثل کور چراغ به دست

شرط بسیار مهم تاءثیر اذکار و ادعیه و اوراد و نظائرها طهارت انسان است که صرف لقلقه لسان سودی نبخشد؛ بلکه مبادا موجب قساوت و بعد هم بشود؛ زیرا که ذکر عاری از فکر است ، یعنی قلب بی حضور است ، و قلب بی حضور چراغ بی نور است و شخص بی نور از ادراک حقایق دور است . و مثل ذکر بی حضور مثل کوری است که در دست او مشعل نور است . (۲۹۰)

۲۸۴- خود شناسی مقدمه ای بر خداشناسی

روایت شده است که : یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان پرسید : چه زمانی انسان خدایش را می شناسد؟ حضرت فرمود : وقتی که خود را بشناسد . (۲۹۱) (۲۹۲)

۲۸۵- بیعت با رسول الله (ص)

در این آیه خداوند می فرماید : ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق اءیدیهم کسانی که با رسول خدا بیت کردند ، همانا با خدا بیعت کردند و دست رسول خدا که در هنگام بیعت شان بالای دست آنان است ، دست خداست که بالای دست آنان است ، با این که دست رسول الله بالای دست آنها بود .

۲۸۶- قلعه مستحکم من

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : خدای تعالی فرموده است : کلمه لا اله الا الله قلعه مستحکم من است ، هر کس وارد آن شود از عذاب ایمن گردد .

۲۸۷- اخلاص در همه موارد

در قرآن کریم آمده : قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین ؛ (۲۹۳) بگو نماز من و قربانی من و زندگی من و مرگ من برای خدا آن پروردگار جهانیان است ، او را شریکی نیست ، به من چنین امر شده است و من از نخستین مسلمانانم .

۲۸۸- تقرب به سوی سگ

مرحوم هیدجی ، محشی منظومه ملا هادی ، دیوانی دارد ، او قضیه جالبی نقل می کند ، می گوید : مقدسی بود در محله ای و یا روستایی ، شبی برای عبادت به مسجد رفت ، مسجد خالی بود ، دو رکعت نماز که به جا آورد ، صدای خش خشی از گوشه های مسجد شنید ، با خود گفت : پس من تنها در مسجد نیستم ، کس دیگری هم گویی در مسجد هست ، سپس شیطان او را وسوسه کرد و شروع کرد با صدای بلندتر نماز خواندن و لا الضالین را با مد تمام کشیدن ! به خیال این که فردا آن نا آشنا ، در ده و محله منتشر می کند که فلانی ، دیشب در مسجد ، تا صبح مشغول راز و نیاز بود و نماز نافله به جا می آورد این مقدس مآب بیچاره ، به همین خیال ، حتی شب را هم به منزل نرفت و تا صبح مشغول نماز و راز بود . صبح که هوا روشن شد ، وقتی که خواست از مسجد

خارج شود، دید سگی نحیف و ضعیف از گوشه شبستان آمد و از در بیرون رفت. یک باره فهمید که همه آن خش خش ها، از این سگ بوده که از سرمای شب، به داخل مسجد پناه آورده است و همه نماز نافله ها و گریه ها و اشک های جناب مقدس هم به جای تقربا الی الله، تقربا الی الکلب بوده است. (۲۹۴)

۲۸۹- حیا در حضور خدا

روایت است که: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد چوپان گوسفندانش رفت، (حضرت مشاهده نمود که) چوپان، لباسش را در آورده بود. چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دید، لباسش را بر تن نمود. حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برو! ما نیازی به چوپانی تو نداریم، چون ما خاندانی هستیم که کسی را که ادب خدا نگاه ندارد و در خلوت از او حیا ننماید، به کار نمی گیریم. (۲۹۵)

۲۹۰- دعای حضرت ابراهیم (ع)

رب اجعلنی مقیم الصلوٰه و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفرلی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب؛ (۲۹۶) ای پروردگار من! مرا و فرزندان مرا بر پای دارندگان نماز گردان، ای پروردگار ما! دعای مرا بپذیر، ای پروردگار ما مرا و پدرم و مادرم و همه مؤمنان را در روز حسابیامرز.

۲۹۱- در چه کار بودید؟!

(۲۹۷) خداوند سبحان می فرماید: ان الذین توفاهم الملائکه ظالمی اءانفسهم قالوا فیم کنتم؛ آنان که ملائکه ارواح شان را قبض می کنند در حالی که ستمکار به نفس خود بودند، ، ملائکه بدیشان گویند: در چه کار بودید؟ (۲۹۸)

۲۹۲- وای بر نماز گزاران غافل!

خداوند عزوجل فرماید: فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون؛ (۲۹۹) پس وای بر نماز گزارانی که از نماز خود غافل اند.

۲۹۳- نمازی که سبب نزول برکت است!

یکی از فضیلت های نماز جماعت این است که هر انسانی یک صفت یا بیشتر از اوصاف خوبی و کمالات انسانی را دارد. به فرض اگر یک انسان کامل باشد تا چه اندازه واسطه نزول برکات خواهد بود، انسان های در صلوٰه جماعت کائنات یک انسان کامل و یا ظل و مثال او را تشکیل می دهند که آن نماز واسطه نزول برکات خواهد بود. (۳۰۰)

۲۹۴- بهترین عبادت ذکر لا اله الا الله

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نه من کلمه ای چون لا اله الا الله گفته ام و نه کسانی که پیش از من بوده اند. و نیز فرمود: بهترین عبادت، گفتن لا اله الا الله است.

۲۹۵- همنشین خوب

حواریون عیسای پیامبر به او گفتند: ما با چه کسی همنشینی کنیم؟ حضرت عیسی علیه السلام فرمود: کسی که دیدار او شما را به یاد خدا بیاندازد و وقتی به سخن می‌آید، حرف او موجب فزونی دانش شما بشود، چیزی به شما یاد بدهد... رفتار و کردار او شما را در آخر کار آخرت ترغیب و تحریص کند. (۳۰۱)

۲۹۶- غافل مباش!

شنیدم که ابو جعفر علیه السلام فرمود: ای ابا نعمان! مردم تو را فریب ندهند و از نفست غافل نکنند؛ هر چه به تو رسد همراه تو خواهد بود نه همراه آنان. روزت را به بیهودگی سپری مکن؛ چه همراه تو کسانی هستند که عمل تو را ثبت می‌نمایند. پس نیکوکاری کن که هیچ چیز را به جستجو و طلب نمی‌بینم که از عمل نیک، که گناه پیش را از میان می‌برد، بهتر باشد. (۳۰۲)

۲۹۷- گریه در حال نماز

گویند: عالمی گریه ای داشت، در اثر تکرار عبادت و نماز، هر موقع که او به نماز می‌ایستاد، گریه هم رکوع و سجود می‌کرد، بعد گفتند: کرامت این عابد همین است. (۳۰۳)

۲۹۸- ستمکار به نفس خود

خداوند سبحان می‌فرماید: الذین تتوفاهم الملائکة ظالمی انفسهم فاءلقوا السلم ما کنا نعمل من سوء بلی ان الله علیم بما کنتم تعملون؛ کسانی که ملائکه ارواح شان را قبض می‌کنند در حالی که ستمکار به نفس خود بودند، پس سر تسلیم پیش نهند گویند: ما بد نکردیم! آری! بد کرده اید. همانا خداوند به آن چه کرده اید داناست. (۳۰۴)

۲۹۹- قرآن سفره الهی

رسول خدا (ص) فرمود: ان هذا القرآن ماء دبه الله فتعلموا ماء دبه ما استطعتم، و ان اصفر البيوت لبيت (لجوف - خ ل) اصفر من کتاب الله (رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم). قرآن سفره رحمت رحیمیه است که فقط برای انسان گسترده شده است. طعام این سفره، غذای انسان است که به ارتزاق آن متخلق به اخلاق ربوبی می‌گردد، و متصف به صفات ملکوتی می‌شود و مدینه فاضله تحصیل می‌کند. و هیچ کس از کنار این سفره بی بهره بر نمی‌خیزد. (۳۰۵)

۳۰۰- کشته شدگان در راه خدا

خداوند سبحان می‌فرماید: و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون؛ کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده مپندارید بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان به ایشان روزی می‌دهند. (۳۰۶)

۳۰۱- رفع مشکل با نماز

ابن خلکان در شرح حال شیخ رییس نقل کرده است که: هر گاه مسأله ای بر وی دشوار می‌شد، وضو می‌گرفت و به مسجد جامع می‌رفت و نماز می‌گزارد و خدای عزوجل را می‌خواند که آن را بر وی آسان گرداند و آن در بسته را به روی او بگشاید. (۳۰۷)

۳۰۲- نتیجه صلوات فرستادن

صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم فعلی از افعال ما است و علم و عمل هر دو جوهرند که گوهر انسان را می‌سازند و عین حقیقت و ذات انسان می‌شوند و انسان کامل مبرای از امکان، استعدادی است که در کمال به فعلیت رسیده است، هر چند عبد شکور است، پس بدان که صلوات عاید ما می‌شود که از نقص به کمال و از قوه به فعلیت می‌رویم نه عابد آنکه خود عاری از قوت است. (۳۰۸)

۳۰۳- بهای بهشت

امام صادق علیه السلام فرمود: کلمه لا اله الا الله بهای بهشت است.

۳۰۴- سوره توحید و اول سوره حدید

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: ان الله عزوجل علم انه یكون فی آخر الزمان اقوام متعمقون فاءنزل الله تعالی قل هو الله احد، و الآیات من سورة الحدید - الی قوله: و هو علیم بذات الصدور فمن رام و راء ذلك فقد هلك. (۳۰۹) صدرالمثناءلهین می‌گوید: من پیوسته در این آیات تفکر می‌کردم تا وقتی این حدیث را دیدم از شوق گریه کردم. امام علیه السلام فرمود: چون خداوند می‌دانست که در آخر زمان مردمی متعمق، موشکاف، دانش‌پژوه، فحاص، بحاث، پیدا می‌شوند برای آنها سوره قل هو الله احد و آیات اول سوره حدید تا علیم بذات الصدور را فرستاد، تا هر فیلسوف متعالمه متعمق، و هر عارف پخته و گردنه‌ها پیموده و مراحل و منازل سیر کرده، بخوهد در معرفه الله سخن بگوید و در دریای بیکران معارف الهی غواصی بنماید، سوره اخلاص و آیات اول سوره حدید آنها را بیان فرموده است، و میزان قسط همه آراء و عقاید است. (۳۱۰)

۳۰۵- نیکوترین نام‌ها

خداوند سبحان می‌فرماید: و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها؛ از آن خداست نیکوترین نام‌ها، بدان نام‌هایش بخوانید.

۳۰۶- استغفار واقعی

شخصی در حضور وصی از خداوند طلب غفران نموده، می‌گوید: استغفر الله، امیر مؤمنان در پاسخ می‌فرماید: مادرت به عزایت بنشیند! آیا می‌دانی که استغفار چیست؟ استغفار، مقام والا مرتبگان است. استغفار نامی است که آن را شش معنا (و شرط) است: اول: پشیمانی بر گذشته. دوم: تصمیم بر آن که تا ابد گرد گناه نآیی. سوم: آن که حقوق خلائق را بدانان باز دهی؛ چنانکه خداوند را ملاقات کنی بدون آن که حقی بر گردنت باشد. چهارم: آن که هر عمل واجبی که ضایع کرده‌ای قضا و حقش را ادا کنی. پنجم: گوشتی که از حرام بر بدنت روییده، با سختی ناراحتی بر گناهانت آب کنی؛ چنانکه پوستت به استخوان رسد و گوشتی تازه روید. ششم: به بدنت درد عبادت و طاعت رسانی؛ همچنانکه شیرینی گناه بدان رسانیده‌ای؛ پس چون چنین کردی، حال بگو استغفرالله! (۳۱۱)

۳۰۷- عاقبت انسان

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: هیچ یک از شما نمیرد جز آن که به عاقبت خویش علم بیابد و جایگاه

خویش را در بهشت یا دوزخ ببیند . (۳۱۲)

۳۰۸- توبه پیری کهنسال

در اواخر کتاب کشکول شیخ بهایی است . در حدیث است که چون پیری کهنسال توبه کند ، ملایک گویند : حال که حواست به سستی و ناتوانی رسیده و نفست به سردی گراییده (توبه می کنی)؟! (۳۱۳)

۳۰۹- توصیف جایگاه مخلصین

خداوند سبحان می فرماید : الا عباد الله المخلصین اولئک لهم رزق معلوم فواکه و هم مکرمون فی جنات النعیم علی سرر متقابلین یطاف علیهم بکاءس من معین بیضاء لذه للشاربین لافیهها غول و لا هم عنها ینزفون ؛ مگر بندگان مخلص خدا ، که آنها راست رزقی معین ، از میوه ها و گرامی داشتگانند در بهشت های پر نعمت ، بر تخت هایی که روبه روی هم اند و جامی از چشمه خوشگوار میان شان به گردش در آید ، سفید است و نوشندگانش را لذت بخش ، نه عقل از آن تباهی گیرد و نه نوشند مست شود .

۳۱۰- مشمول رحمت الهی

در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال نماز بود که مردی بادیه نشین در نماز خود چنین می گفت : خداوندا ! من و محمد را مشمول رحمت خویش قرار داده و نه کسی دیگر را ! پس چون پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را سلام گفت ، خطاب به بادیه نشین فرمود : رحمت واسعه الهی را تنگ کردی (محدود و سنگین نموده ای) . (۳۱۴)

۳۱۱- بیداری برای نماز شب

امام صادق علیه السلام فرمود : روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حارثه بن مالک بن نعمان انصاری پرسید : چگونه ای حارثه بن مالک ؟ حارثه عرض کرد : مؤمنی واقعی ، ای رسول خدا ! حضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : هر چیزی را حقیقت و نشانه ای است ؛ حال حقیقت و نشانه قول تو چیست ؟ گفت : ای رسول خدا ! نفس خویش را از دنیا دور ساخته ام و شبم را به بیداری می گذرانم ، و روزم را به تشنگی سپری می نمایم . گویی عرش خدای را می بینم که محاسبه و حساب مردم بر پا شده است . بهشتیان را می نگرم که به زیارت یکدیگر می روند ، و فریاد و ناله دوزخیان را می شنوم که در آتش اند . (چون سخن او بدین جا رسید) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : تو بنده ای هستی که خداوند قلبش را نورانی گردانیده ؛ پس حال که بصیر و بینا گشته ای ، بر آن ، ثابت و استوار باش ! حارثه گفت : ای رسول خدا ! برای من دعا نمایید تا در رکاب شما به شهادت رسم ! پس حضرت نیز چنین کرد و فرمود : خداوندا ! شهادت را روزی اش گردان ! چند روز بعد ، حارثه ، به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگی شرکت جست جنگ شروع شد و او نفر هشتم و یا نهمی بود که به فیض شهادت نایل آمد . در روایتی دیگر که کلینی از ابوبصیر نقل می کند ، حارثه دهمین نفری است که بعد از جعفر بن ابی طالب به شهادت می رسد . (۳۱۵)

۳۱۲- نوشتن حسنات و سیئات

زراره از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل می کند : خدای تبارک و تعالی برای آدم در فرزندانش چنین مقرر فرمود که چون

کسی هست به انجام کاری نیک بندد و آن را به انجام نرساند ، یک حسنه برایش نوشته شود و چون آن را به انجام رساند ، ده حسنه برایش نوشته شود ، و چون کسی همت به انجام کاری زشت بندد و آن را انجام ندهد ، چیزی بر او نوشته نشود ، و اگر آن را به انجام رساند ، تنها یک گناه بر او نوشته شود . (۳۱۶)

۳۱۳- روح نماز

خداوند سبحان فرمود : ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر و لذكر الله اء کبر ؛ همانا آدمی را از هر کار زشت و منکر باز می دارد و یاد خدا بزرگ تر است . (۳۱۷)

۳۱۴- یاد خدا

خداوند سبحان فرمود : اء قم الصلوة لذكری نماز بگزار تا مرا یاد کنی . (۳۱۸)

۳۱۵- عاشق معشوق ببند

الهی ! عارف را با عرفان چه کار ، عاشق معشوق ببند نه این و آن . (۳۱۹)

۳۱۶- در برائت زنهاری نیست

ابن عباس گوید : از علی - که خدا از او خوشنود گردد - پرسیدم : چرا در سر آغاز سوره برائت بسم الله الرحمن الرحيم نوشته شده است . در پاسخ فرمود : چون بسم الله . . . پناه و زنهار است و در برائت زنهاری نیست ، با فرمان دست بر قبضه شمشیر زدن و بر فرق مشرکین کوبیدن نازل شده است . (۳۲۰)

۳۱۷- مخ عبادت

دعا ، کلید عطاء و وسیله قرب الی الله ، تعالی و مخ عبادت و حیات روح و روح حیات است .

۳۱۸- توبه از نماز و روزه

الهی ! از نماز و روزه ام توبه کردم به حق اهل نماز و روزه ات توبه این نااهل را بپذیر ! (۳۲۱)

۳۱۹- وای بر از این نماز گزار !

الهی ! عبادت ما قرب نیاورده بعد آورده است ، که فویل للمصلین الذین هم فی صلاتهم ساهون !

۳۲۰- مایه سرور و آرامش

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گفت : جعلت قره عینی فی الصلوة ؛ آنچه که مایه خنکی ، سرور و آرامش چشم من است در نماز قرار داده شده . صلوة سبب مشاهده است ، و مشاهده محبوب قره عین محب است ، زیرا که صلوة مناجات بین حق تعالی و عبد اوست چنانکه فرمود : فاذکرونی اذکرکم ، و رسولش فرمود : المصلی یناجی ربه . حق تعالی فرمود : به یاد من باشید تا به یاد شما

باشم . رسول خدا فرمود : نماز گزار با خدایش نجوا می کند . (۳۲۲)

۳۲۱- از برکات نماز

یکی از برکات نماز ، این است که انسان را از تعلقات دنیوی اعراض می دهد و به ملکوت عالم می کشاند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : ان المصلی یناجی ربه . (۳۲۳)

۳۲۲- با چه کسی همنشینی کنیم

حواریون عیسای پیامبر به او گفتند : ما با چه کسی همنشینی کنیم ؟ حضرت عیسی علیه السلام فرمود : کسی که دیدار او شما را به یاد خدا بیاندازد و وقتی به سخن می آید ، حرف او موجب فزونی دانش ما بشود ، چیزی به شما یاد بدهد . . . رفتار و کردار او شما را در کار آخرت ترغیب و تحریص کند . (۳۲۴)

۳۲۳- فرشته عمل انسان

ابو امامه ، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود : فرشته جانب چپ ، شش ساعت ، قلم از نوشتن عمل بنده خطا کار یا زشتکار باز نگاه دارد . پس چنانچه پشیمان شود و از خدای بخشش طلبد ، آن را بنویسد ، و گرنه یک گناه بر او نخواهد نوشت . در روایت دیگر است : فرشته جانب راست ، بر فرشته جانب چپ ، امیر است . پس چون بنده ای عملی نیک انجام دهد ، هست برابرش برایش بنویسد ، و چون عملی زشت به انجام رساند و فرشته جانب چپ اراده کند که آن را بنویسد ، فرشته جانب راست او را گوید : باز ایست ، و او هفت ساعت باز ایستد . اگر از خداوند طلب بخشش کند ، بر او چیزی ننویسد ، و چنانچه چنین نکند تنها یک عامل زشت بر او نوشته شود . (۳۲۵)

۳۲۴- پاسخ دعا

در دعا باید توجه داشت که هیچگاه داعی با دست خالی بر نمی گردد . زبان روایات در این امر بسیار شیرین است . اتم فوائد و اهم مصالح ، آن اصلاح جوهر نفس ناطقه و لسان استعداد است که انسان آن را در دعا بر اثر تقرب به حق سبحانه تحصیل می کند . خلاصه آنچه که برای تحصیل آن به دعا نشسته ای ، بهتر از آنکه می خواهی عایدت می شود و اگر آن حاجت مخصوص تو برآورده نشد ، غمگین مباش که تبدیل به احسن شده است . و قال ربکم ادعونی اءستجب لکم ؛ (۳۲۶) پروردگارتان گفت : بخوانید مرا تا شما را پاسخ گویم .

۳۲۵- توصیف جنۃ الماوی

خداوند سبحان می فرماید : مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن و انهار من لبن يتغير طعمه و انهار من خمر لذة للشاربين و انهار من عسل مصفى و لهم فيها من كل الثمرات و مغفرة من ربهم ، الآية ؛ (۳۲۷) وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن نهلهایی است از آب هایی تغییر ناپذیر و نهلهایی از شیری که طعمش دگرگون نمی شود و نهلهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می برند و نهلهایی از عسل مصفی و در آنجا هر گونه میوه که بخواهند هست و نیز آمرزش پروردگارش .

۳۲۶- درود ملایک

الذین تتوفاهم الملائکة طیبین یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون ؛ کسانی که ملائکه ارواح شان را قبض می کنند در حالی که پاکیزه بودند ، ملائکه به آنان می گویند : درود بر شما ، داخل بهشت شوید به آن چه که عمل کرده اید . (۳۲۸)

۳۲۷- سفر هفتاد ساله به سوی جهنم

شیخ عارف محیی الدین عربی در باب شصتم فتوحات ، و صدر المتاءلهین در اسفار روایت نقل کرده اند که : روزی رسول خدا (ص) با یارانی در مسجد نشسته بودند که آواز سهمگین فرو افتادن چیزی را شنیدند پس ترسیدند . رسول خدا (ص) گفت : می دانید آواز چیست ؟ گفتند : خدا و رسولش دانانید . رسول خدا (ص) گفت : سنگی از بالای جهنم هفتاد سال است که افتاده و اینک به قعر جهنم رسیده است و این آواز هولناک از سقوط آن سنگ برخاست . پس هنوز رسول خدا (ص) از کلام خود فارغ نشده بود که از خانه منافقی صدای گریه اهل و عیالش بلند شد که آن منافق در آن وقت بمرد و هفتاد سال عمر او بود و رسول الله گفت : الله اکبر ! سپس شیخ گوید که : علمای صحابه از این گفتار رسول خدا (ص) دریافتند که این حجر آن منافق است و وی از آن روزی که آفریده شد به سوی جهنم می رفت تا آن که عمرش به هفتاد رسید و چون بمرد در قعر جهنم قرار گرفت . خداوند فرمود : ان المنافقین فی الدرک الاءسفل من النار پس آن صدا را شنیدند تا عبرت بگیرند . (۳۲۹)

۳۲۸- علایم ایمان به خدا

روزی معاذ بن جبل خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید . حضرت پرسید : چگونه صبح کردی ای معاذ؟ گفت : در حالی که به خدا ایمان دارم . فرمود : هر سخنی را ، مصداقی و هر حقی را حقیقتی است ؛ مصداق سخن تو چیست ؟ گفت : ای پیامبر خدا ! صبحی نیست ، جز آن که گمان نمی برم ، شبش را نینم و شبی نیست ، جز آن که امیدی به صبح آن ندارم . گامی بر ندارم ، جز آن که گمان می برم که فرصت برداشتن گام بعدی را نخواهم یافت . گویی تمام امت ها را می بینم ، که با نبی خود و نیز با بتانی که بدل از خدای می پرستیده اند ، به حساب نشسته اند . گویی عقوبت و عذاب دوزخیان ، و ثواب و پاداش بهشتیان را می نگرم . (چون سخنش بدین جا رسید) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : حال که دانستی ، پس بدان ملزم باشد و از دستش مده ! (۳۳۰)

۳۲۹- هنوز نماز گزار نشده !

الهی ! آن که در نماز ، جواب سلام نمی شنود ، هنوز نماز گزار نشد . ما را با نماز گزاران بدار !

۳۳۰- قاری قرآن در قیامت

قرآن کریم ، صورت کتیبه انسان کامل است ؛ یعنی صورت حقیقت محمدیه صلی الله علیه و آله در قرآن کریم آمده است : ان هذا القرآن یهدی للتی هی اءقوم و لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة . هر اندازه که به قرآن نزدیک شوی ، به انسان کامل نزدیک شده ای . به حظ بهره ات از قرآن بنگر ! حقایق آن ، درجات ذات و مدارج عروجند .

۳۳۱- خروج از حجاب تن

معلم ثانی، فارابی، در فصوص چه نیکو گفته است: علاوه بر لباس که بر تن داری، بدن نیز به نوبه خود، پرده است. پس بکوش تا این حجاب را رفع نمایی، تا لاحق شوی و در طلب آنچه در علاقه و مباشرت آن است نباشی. اگر معذب شوی وای بر تو! و اگر ایمن مانی خوشا به حالت! که در این صورت تو در پوشش بدنت، در اوج ملکوت هستی، چیزهایی را می بینی که هیچ چشمی ندیده، و می شنوی آنچه را که هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ کس خطور نکرده است. پس حق، عهدهای با تو بسته است، تا نزد او به تنهایی روی. (۳۳۱)

۳۳۲- متقیان رستگاران اند!

خداوند سبحان می فرماید: ان للمتقين مغازا حدائق و اعنابا و کواعب اترابا و کاءسا دهاقا لایسمعون فیها لغوا و لا کذابا جزاء من ربک عطاء حسابا؛ پرهیزگاران را جایی است که در امان از هر آسیب اند. بستان ها و تاکستان ها. و دخترانی همسال با پستان های برآمده. و جام های پر، نه سخن بیهوده شنونده و نه دروغ. و این پاداشی است کافی از جانب پروردگارت. (۳۳۲)

۳۳۳- صاحب عالی ترین درجه بهشت

بر تو باد تلاوت قرآن و عمل به آن و انجام فرایض و شرایع و حلال و حرام و امر و نهی آن! شب و روز، آن را تلاوت کن! چه قرآن عهد و پیمان خداست با خلق. پس لازم است هر مسلمانی هر روز به پیمان خود بنگرد؛ اگر چه پنجاه آیه باشد. و بدان که درجات بهشت بر تعداد آیات قرآن است. پس روز قیامت به قاری قرآن گفته می شود: بخوان و مقام و درجه خود را افزون گردان! در بهشت غیر از پیامبران و صدیقان، بالاترین درجات، از آن قاری قرآن است. (۳۳۳)

۳۳۴- حرمت حریم استاد

بنده حریم اساتید را بسیار حفظ می کردم، سعی می کردم در حضور استاد به دیوار تکیه ندهم. سعی می کردم چهار زانو بنشینم، حرف را مواظب بودم زیاد تکرار نکنم، چون و چرا نمی کردم که مبادا سبب رنجش استاد بشود، مثلا من یک وقتی محضر همین آقای قمشه ای (مرحوم حاج میرزا مهدی الهی قمشه ای) نشسته بودم، خم شدم و کف پای ایشان را بوسیدم، ایشان برگشتند و به من فرمودند: چرا این کار را کردی؟ گفتم: من لیاقت ندارم که دست شما را ببوسم، برای بنده خیلی مایه مباهات است، خوب چرا این کار را نکنم؟... (۳۳۴) (۳۳۵)

۳۳۵- نعمت بیداری

برادرم! نعمت بیداری روزی هر بی سر و پا نمی شود و این پیک کوی وفا با هر دلی آشنا نمی گردد، و هر مشامی این نسیم صبا را بویا نمی شود و هر زبانی به ذکر آن گویا نمی گردد. بیداری می تلخ و شاد است، با هر کامی سازگار و گوارا نیست، چه اءم الخبائث است، هر که آن را نوشیده؛ بلکه اندکی از آن چشیده است، از مشتبهات نفسانی حتی از حور و غلمان چشم پوشیده است و دست کشیده است. (۳۳۶)

۳۳۶- ملکت فقر در اثر دولت صبر

الهی! شکر که دولت صبرم دادی تا به مملکت فقرم رساندی. (۳۳۷)

۳۳۷- توبه در لحظه آخر

از امام صادق علیه السلام از این کلام خدای تعالی پرسش شد که : کسی که با اعمال زشت ، تمام عمر اشتغال ورزد تا آن گاه که مشاهده مرگ کند ، در آن هنگام پشیمان شود و گوید : اکنون توبه کردم ، توبه اش پذیرفته نیست . امام در پاسخ فرمود : (یعنی) هنگامی که امر آخرت را به چشم بیند . (۳۳۸)

۳۳۸- محفوظ بودن

حسبنا الله و نعم الوکیل برای محفوظ بودن از بدان و از بیم و بدی آنان .

۳۳۹- قرائت درست

امام جواد علیه السلام فرمود : هیچ دو مردی به گرد یکدیگر نیامدند ، جز آنکه بهترین شان نزد خدا ، کسی که مؤدب تر است . پرسیدند : ای فرزند رسول خدا ! ما آن را نزد مردم دانیم که چیست ، اما بیان فرما که نزد خداوند چیست ؟ فرمود : قرآن را همان گونه که نازل شده است قرائت کنید و سخن ما را همان طور که گفته ایم ، روایت کنید و خداوند را به حالتی که محتاج و نیازمند او ببیند بخوانید . (۳۳۹)

۳۴۰- توبه نصح

در کتاب اصول کافی ، از کنانی نقل است که چون امام صادق علیه السلام را از معنای این آیه که : ای مؤمنان ! به سوی خدا توبه کنید؛ توبه ای نصح ، پرسید؛ امام در پاسخ فرمود : (یعنی) بنده از گناه توبه کند و سپس بدان باز نگردد . (۳۴۰)

۳۴۱- غفلت از پرسش

شخصی در معیت امام صادق علیه السلام از آن جناب سؤال می کرد تا وقتی به بازار مسگرها رسیدند ، از امام سؤال کرد : مس چیست ؟ فرمود : نقره فاسد شده است و دوایی دارد که چون آن را به مس زنند نقره خالص شود . سایل پرسید که آن دوا چیست ، مترجم آلمانی خیلی به سایل عصبانی شده است که چرا پرسیدی دواي آن چیست ؟

۳۴۲- سه خصلت سودمند

پس از مرگ از امام صادق علیه السلام نقل شد : پس از مرگ ، آدمی را اجری نرسد مگر به سه خصلت : (اول) صدقه ای که در ایام حیات بنیان نهاده است و این صدقه ، پس از مرگش همچنان جاری باشد و (دوم) سنتی که از خود بر جای نهد و پس از مرگش همچنان بدان عمل شود ، و (سه دیگر) فرزندی صالح از خود باقی گذارد که برایش استغفار کند . (۳۴۱)

۳۴۳- زمان قبول توبه

حدیثی است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می فرماید : خداوند توبه بنده را مادام که غرغره نکرده است می پذیرد . در این جا مراد از غرغره ، هنگامی است که مرگ فرا رسیده و روح در حال فیض است . (۳۴۲)

۳۴۴- بخیل بودن بر عمر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به ابوذر در روایتی می فرماید: بر عمر خویش، بیش از درهم و دینارت بخیل باش!

۳۴۵- یاد مرگ

امام متقین، قائد غیر محجلین و امیر مؤمنان می فرماید: ای بندگان خدا از مرگ و نزول آن بترسد و آماده شوید! زیرا مرگ امری است بس عظیم؛ چرا که همراه مرگ یا شر ابدی است و خیر ابدی. هیچ کس از شخص نیکوکار به بهشت، و از بدکار به جهنم نزدیک تر نیست. روح هیچ انسانی را بدنش جدا نمی شود، مگر آن که خود می داند به کجا می رود؛ به سوی بهشت و یا به جهنم و آتش؟ دشمن خداست و یا دوست او؟ اگر دوست خدا باشد، درهای بهشت بر روی او گشوده می شود و راهش برای او هموار می گردد و به آنچه که خدا برای دوستانش، از فراغت بال و خلاصی از هر گونه سختی و رنج فراهم نموده است، می نگرند، و اگر دشمن خدا باشد، درهای جهنم به روی او گشوده می شود و راهش برای او هموار می گردد و همه زشتی های آن را در برابر چشمان خود می بیند. ای بندگان خدا! بدانید که در پشت این روز، روز سخت و بزرگی است؛ که قعر آتش آن بس عمیق و حرارت آن بسیار شدید، و عذابش همیشه تازه و تازیانه هایش از آهن و نوشیدنی آن از خون چرک آلوده است. عذاب آن آرام نگیرد و ساکنان آن نمیرند. خانه ای است که رحمت خدا در آن، جای ندارد و هیچ دعایی در آن اجابت نشود. (۳۴۳)

۳۴۶- برترین جهاد

امام امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که: حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پاره ای از لشکر برای (جهاد با دشمن فرستاد)، چون باز گشتند رسول خدا بدیشان گفت: خوش آمدند گروهی که جهاد اصغر کردند و جهاد اکبر برایشان باقی است. گفته شد: ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد نفس. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برترین جهاد آن است که کسی با نفس خود که در میان دو پهلولی اوست جهاد کند. (۳۴۴)

۳۴۷- توبه از خویشتن

الهی! همه از گناه توبه می کنند، حسن را از خودش توبه بده! (۳۴۵)

۳۴۸- یک ساعت به خود بپرداز!

فرمودند: حاج میرزا حسین قاضی از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی بود و چون از نزد میرزا خواست خداحافظی کند و به تبریز برود، مرحوم میرزا به او گفت: حالا- که می روی شب و روزی یک ساعت به خود بپرداز! بعد از چندی که مرحوم میرزا از دیگران درباره مرحوم حاج میرزا حسین قاضی حال پرسید، در جواب گفتند: آقا آن یک ساعت تبدیل به ۲۴ ساعت شده که همواره در مراقبت و حضور و عزلت بود. اما عزلتی که: (۳۴۶)

۳۴۹- سلوک الی الله

یکی از کلمات دلنشین مرحوم حاج سید علی قاضی این است که: اگر انسان نصف عمر خود را در پیدا کردن کامل صرف کند جا دارد. آن که مرحوم شیخ آقا بزرگ در حق مغفور له قاضی فرمود: فرائیته مستقیما فی سیرته نکته ای بسیار ارزشمند است؛ چه

عمل عمدۀ در سلوک الی الله استقامت است، نزول برکات و فیض ای الهی بر اقر استقامت است. هرگز میان حاضر و غایب شنیده ای من در میان جمع و دلم جای دیگری است

۳۵۰- فضیلت خواندن سوره واقعه

رسول خدا (ص) فرمود: من قراء سورة الواقعة كل ليلة لم تصبه فاقه ابدا؛ هر کس سوره واقعه را هر شب بخواند، هیچ گاه تنگدستی به او روی نمی آورد. (۳۴۷)

۳۵۱- خوشا به حال سابقون!

خداوند سبحان می فرماید: و السابقون السابقون اولئك المقربون فی جنات النعیم - الی قوله تعالی - یطوف علیهم ولدان مخلدون باء کواب و اءباریق و کاس من معین لایصدعون عنها و لا یتزفون؛ (۳۴۸)

۳۵۲- نجات دهنده

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: شش خصلت است که مؤمن را پس از مرگ سود بخشد: (یکی) فرزندی صالح که برایش استغفار کند، و (دوم) قرآنی را که قرائت کرده، و (سوم) چاه آبی که حفر کرده و (چهارم) درختی که غرس کرده و (پنجم) صدقه آبی که جاری نموده و (ششم) سنت حسنه ای که بنیان نهاده است و پس از او همچنان بدان عمل شود. (۳۴۹)

۳۵۳- جایگاه ابرار

خداوند سبحان می فرماید: ان الابرار لفی نعیم علی الاءرائک ینظرون تعرف فی وجوههم نصره النعیم یسقون من ریح مختوم ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون و مزاجه من تسنیم عینا یسرب بها القربون؛ هر آینه نیکان در نعمت اند. بر تخت ها نشسته و نظاره می کنند، بر چهره شان طراوت نعمت را بشناسید، از شرابی خالص که بر سر آن مهر نهاده اند سیراب می شوند، مهر آن مشک است و پیشدستی کنندگان در آن بر یکدیگر پیشدستی می کنند، مزاج آن از تسنیم است و آن چشمه ای است که مقربان خدا از آن می آشامند.

۳۵۴- دو مقام

آن کسی که کشیک نفس خویش می کشد، در مقام تجلیه است، می بایستی ظاهرش و آداب و معاشرت دنیایی او مطابق دستورات الهی باشد. و اما آرایش روح و جان را تجلیه می نامند. تخلیه زینت است، آراستن جان است، باید به فکر آراستن خود بود، هر چند که در حقیقت خداوند سبحان برون آرا و درون پرور است. به تعبیر شریف سنایی غزنوی: ای درون پرور برون آرا وای خرد بخش بی خرد بخشا هر چند که صورتگر عالم ملک و ملکوت اوست، اما معذات را نمی شود نادیده انگاشت، انسان باید مراقب خود باشد، باید بفهمد و بداند تا راه رشد و صلاح را بیامد. (۳۵۰)

۳۵۵- با فضیلت ترین مردم

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن جناب فرمود: اءفضل الناس من عشق العبادة

فعانقها و اءحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها ، فهو لایالی علی ما اءصبح من الدنیا علی عسراءم علی یسر . با فضیلت ترین مردم کسی است که به عبادت عشق ورزد و با آن دست به گردن شود و آن را به دل دوست بدارد و به تن به جا آورد و در آن جدیث داشته باشد . چنین کسی باک ندارد که در دنیا بر چه حالتی است ؟ بر سختی یا بر آسانی .

۳۵۶- پاداش نیکان

خداوند سبحان می فرماید : ان الاءبرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا - الی قوله سبحانه - و یطاف علیهم بآنیة من فضة و اکواب کانت قواریرا قواریر من فضة قدروها تقدیرا و یسقون منها کاءسا کان مزاجها زنجیلا - الی قوله تعالی - و سقیهم ربهم شرابا طهورا ان هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورا ؛ نیکان از جام هایی می نوشند که آمیخته به کافور است ، چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به هر جایی که خواهند روان می سازند . . . کاسه های سیمین و کوزه های شراب میان شان به گردش در می آیند ، کوزه هایی از سیم که آنها را به اندازه پر کرده اند . در آنجا جامی بنوشانندشان که آمیخته با زنجبیل باشد . . . و پروردگارشان از شرابیایکیزه سیراب شان سازد . این پاداش شماسست و از کوشش تان سپاسگزاری شده است .

۳۵۷- بی هوش شدن موسی (۳۵۱)

قوله سبحانه و تعالی : فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خر موسی ضعفا ؛ (۳۵۲) چون پروردگارش به کوه تجلی کرد ، کوه را خرد کرد و موسی بی هوش بیافتاد .

۳۵۸- قناعت در زندگی

مرحوم استاد آیت الله قمشه ای در حالی که یکی از افراد شاخص در علم و فرهنگ و ادب بودند مع ذلک زندگی ساده و بی آلایشی داشتند . مرحوم استاد الهی قمشه ای با آنکه می توانست زندگی مرفهی فراهم آورد؛ لیکن همواره سعی داشت از ظواهر دنیوی چشم ببوشد . یکی از شاگردانش در این باره گفته است : به ظواهر دنیا بسیار بی علاقه بود؛ مثلا علاقه ای نداشت در منزلش وارد می شد تمام تعلقات دنیوی را فراموش می کرد . (۳۵۳)

۳۵۹- تجلی خداوند

در کلام قرآن امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : و الله لقد تجلی الله عزوجل لخلقه فی کلامه و لکن لایبصرون ؛ سوگند به خدا که خداوند در کلام خود برای مردم تجلی نموده است ولی آنان نمی بینند . (۳۵۴)

۳۶۰- قرآن آب حیات است

قرآن ، منبع آب حیات است و از اوصافی که برای خودش آورده است این است که فرموده : من آب حیاتم . یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسوله اذا دعاکم لما یحییکمم (۳۵۵) انسان باید این آب حیات را بنوشد تا شاداب و شکوفا بوده باشد ، تا سعادت ابدی پیدا کند . به نوشیدن این آب حیات اسماء الله تکوینی در او پیاده می شود ، خودش می شود اسماء الله ، نه تنها به مفاهیم اسماء آگاهی پیدا می کند؛ بلکه آن حقایق را می یابد ، می چشد ، لمس می کند ، دارا می شود . (۳۵۶)

۳۶۱- اشتیاق بهشت

به سلمان فارسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ان الجنة لا عشق لسلمان من سلمان للجنة؛ به درستی که عشق بهشت به سلمان، از عشق سلمان به بهشت بیشتر است. (۳۵۷)

۳۶۲- دعای امام سجاد (ع)

امام سجاد علیه السلام در مناجات العارفين می فرماید: الیه فاجعلنا من الذین توشجت اشجار الشوق فی حدائق صدورهم، و اءخذت لوعه محبتك بمجامع قلوبهم، فهم الی اءوکار الاءفکار یاءؤون، و فی ریاض القرب و المکاشفه یرتعون، و من حیاض المحبة بکاس الملاطفه یرعون؛ خداوندا! ما را کسانی قرار ده که درختان عشق به تو در باغ سینه هاشان به هم پیوسته و سوز محبت سراسر دل شان را فرا گرفته است. پس آنان به آشیان های افکار پناه می برند و در سبزه زارهای قرب و شهود چرا می کنند (می خرامند) و از حوض های محبت با جام ملاطفت می آشامند. (۳۵۸)

۳۶۳- خدایا بر تحیرم بیافزا!

گفت ناطق محمدی: رب زدنی فیک تحیرا؛ پروردگارا! تحیر مرا در خود زیاده ساز! یعنی علم مرا در تو مزید کن که هر گاه که در تو ادراک من زیاده شود حیرت من بیشتر گردد از کثرت علم من به وجوه و نسبی که ذات تر است. (۳۵۹)

۳۶۴- نفس مظهر رب

هر که خواهد که نفس الهی را بشناسد، باید که عالم را بشناسد از آن که عالم صورت نفس الهی است، پس هر گاه که عالم را، به حقیقتش بشناسی، نفس الهی و نفس خود را نیز بشناسی. فانه من عرف نفسه فقد عرف ربه پس هر که نفس خود را بشناسد رب خود تواند شناخت. از آن که نفس او صورت و مظهر رب اوست، پس هر که نفس خود را به معرفت دریابد، رب خود را تواند شناخت. (۳۶۰)

۳۶۵- دعا برای کسب علم

در عنفوان جوانی و آغاز درس زندگانی که در مسجد جامع آمل سرگرم به صرف ایام در اسم و فعل و حرف بودم. و محو در فرا گرفتن صرف و نحو، در سحرخیزی و تهجد عزمی راسخ و ارادتی ثابت داشتم؛ در رؤیای مبارک سحری به ارض اقدس رضوی تشریف حاصل کرده ام و به زیارت جمال دل آرای ولی الله اعظم ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع) نایل شده ام. در آن ليله مبارکه قبل از آن که به حضور باهرالنور امام (ع) مشرف شوم، مرا به مسجدی بردند که در آن مزار حبیبی از احباء الله بود و به من فرمودند: در کنار این تربت دو رکعت نماز حاجت بخوان و حاجت بخواه که برآورده است، من از روی عشق و علاقه مفروطی که به عمل داشتم نماز خواندم و از خداوند سبحان علم خواستم. سپس به پیشگاه والای امام هشتم سلطان دین رضا (ع) و خاک درش تاج سرم رسیدم و عرض ادب نمودم بدون این که سخنی بگویم، امام که آگاه به سر من بود و اشتیاق و التهاب و تشنگی مرا برای تحصیل آب حیات علم می دانست فرمود: نزدیک بیا، نزدیک بیا نزدیک رفتم، و چشم به روی امام گشودم دیدم با دهانش آب دهانش را جمع کرد و بر لب آورد و به من اشارت فرمود که: بنوش، امام خم شد. و من زبانم را در آوردم و با تمام حرص و ولع که گویی خواستم لب های امام را بخورم، از کوثر دهانش آن آب حیات را نوشیدم و در همان حال به قلبم خطور کرد که

امیر المؤمنین علی (ع) فرمود: پیغمبر اکرم (ص) آب دهانش را به لبش آورد و من آن را بخوردم که هزار در علم و از هر دری هزار در دیگر به روی من گشوده شد. (۳۶۱)

۳۶۶- عمارت بیت المقدس

داود (ع) خواست که بیت المقدس را عمارت کند، پس چند بار بنا کرد. پس چون از عمارت فراغت یافت منهدم شد. داود به تضرع و زاری عرض، این حال به حضرت یاری کرد. جواب آمد: که این خانه من بر دست کسی که خون مردم ریخته باشد قائم نمی‌گردد. داود گفت: خداوندا! این خون ریختن نه در سیبل الله و طلب مرضاء الله بود؟ جواب آمد که: بلی! ولیکن! ایشان بندگان من بودند. گفت: بنیاد این خانه به دست بیگانه روا مدار و سر رشته مدار این جز به دست کسی که از من باشد مسپار. وحی آمد که: بانی این فرزند تو سلیمان خواهد بود. (۳۶۲)

۳۶۷- بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!

فلسفه حرف می‌آورد و عرفان سکوت. آن عقل را بال و پر می‌دهد و این عقل را بال و پر می‌کند. آن نور است و این نار. آن درسی بود و این در سینه. از آن دلشاد شوی و از این دلدار. از آن خدا جو شوی و از این خدا خو. آن به خدا کشاند و این به خدا رساند. آن راه است و این مقصد، آن شجر است و این ثمر، آن فخر است و این فقر، آن کجا و این کجا. (۳۶۳)

۳۶۸- سوره اخلاص

یکی از اصول دین در روایات فریقین آمده است که: سوره اخلاص ثلث قرآن است و قرائت آن معادل ثلث قرآن. بیانش این است که اصول دین توحید و نبوت و معاد است و سوره اخلاص توحید است، لذا اگر آیات توحیدیه قرآن را یک جا در نظر بگیریم سوره اخلاص همه آنها را حائز است و قرائت را مراتب بی نهایت است مطابق مراتب قرآن و از این مراتب یک مرتبه آن قرائت این نشاء عنصری است که با دهن و لفظ است و بواقی به مراتب عوالم در روایت آمده است که اقراء وارق پس چون سوره اخلاص را بخوانی و بالا بروی، یک ثلث قرآن را قرائت کرده‌ای. (۳۶۴)

۳۶۹- تکلم به زبان نکنند

در حدیث صحیح چنین آمده که رسول خدا (ص) فرمود: حق سبحانه و تعالی از امت من در می‌گذراند و عفو می‌فرماید آن چه را انفس ایشان بدان تحدث می‌کند مادامی که تکلم به زبان نکنند. (۳۶۵)

۳۷۰- برخیز ای انسان از خواب گران!

اگر از خواب غفلت بیدار شدی و دریافتی که مسافری و مقصد تو ان الی ربك المنتهی است، مسافر از مقصد غافل نمی‌گردد. و این رب منتهی، تعین اول است که حقیقت محمدیه است و متضمن نفائس در رولثالی اسماء و صفات است. (۳۶۶)

۳۷۱- صندوق اسرار هر کس

کتاب هر کس صندوق اسرار اوست، نباید اسرار اشخاص را به بیگانگان ارائه داد. نمی‌نگری که حق جل و علی می‌فرماید: ولا

تشتروا بآیاتی ثنا قلیلا و فرمود: و ما كان الله ليطالعكم على الغیب؛ و فرمود: عالم الغیب فلا يظهر علی غیبته اءحدا الا من ارتضى من رسول و چه قدر در روایات امر به کتمان شد، و تا چه اندازه اصحاب ائمه علیهم السلام که خواص بودند رازدار بودند. (۳۶۷)

۳۷۲- هر کس مرا در نفس خود ذکر کند!

رسول خدا (ص) فرمود: ندانسته ای که حق سبحانه و تعالی می گوید هر که مرا در نفس خود ذکر کند من نیز او را در نفس خویش ذکر کنم و هر که مرا در ملایی ذکر کند، من در میان جمعی بهتر از آن او را ذکر کنم. (۳۶۸)

۳۷۳- احوال مقدس مابان

خشک مقدس های خشک، سر سفره خدا بخیلی می کنند (۳۶۹)

۳۷۴- خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد!

یکی از اسماء و صفات الهی این است که هو یطعم و لایطعم (۳۷۰) سعی کن که مظهر این مقام باشی تا تشبه به حق جل و علی پیدا کنی که لذت احتماء و این حال به مراتب از لذت اکل و شرب حیوانی برتر و بالاتر است! اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس لذت نخوانی از شکم پروان سرمشق مگیر! بلکه ذرهم یاء کلوا و یتمتعوا ویلهم الامل فسوف یعلمون (۳۷۱) و چون کمتر خوری کمتر خوابی و متخلق به این خلق الهی گردی که لا تاءخذنه سنه و لا نوم (۳۷۲) و به ملائکه تشبه پیدا کنی که طعامهم التسییح و شرابهم التقدیس چنانکه از اهل بیت عصمت ماءثور است و ملائکه گفتند: نحن نسبح بحمدك و نقدس لك. (۳۷۳) و تعبیر از تسییح به طعام و تقدیس به شراب برای این است تسییح تنزیه ذات است و تقدیس تنزیه صفات که اول با طعام و ثانی با شراب مناسب است، دقت کن تا این لطیفه را دریابی! (۳۷۴)

۳۷۵- نیت هر کس مهم است؟

بعضی از مشایخ ما فرموده اند: هر گاه انسان نیت کسی کرده است به حکم اتحاد مدرک با مدرک انا این شخص انا همان کس است و چون توجهش را بدان کس تمرکز کند یتمثل له بشرا سویا. (۳۷۵)

۳۷۶- یا الله اغثنی

در تفسیر ابوالفتوح رازی است که حضرت امام صادق را پرسیدند: از مهم ترین نام اسم اعظم؟ حضرت فرمود: در این حوض سرد رو! در آن آب رفت و هر چه خواست بیرون آید فرمود منعش کردند تا گفت: یا الله اغثنی! فرمود: این اسم اعظم است. پس اسم اعظم به حالت خود انسان است. (۳۷۶)

۳۷۷- دنیا روزنه آخرت

بینیان، اینجایی را روازن آن سوی می بینند، و ناینیان آن سوی را در قوالب اینجایی ها در آورند. (۳۷۷)

۳۷۸- شگفت ندیدن است نه دیدن!

اصل و بنابر این است که دیده دل ملکوت را ببیند، چنان که دیده سر ملک را. در دیدن شگفت نیست، شگفت در ندیدن است! که بصر و بصیرت را باید درمان کرد. (۳۷۸)

۳۷۹- احوال پختگان

هر چه پخته تر شوی، از خامان نپخته تر شوی! (۳۷۹)

۳۸۰- جوهر انسانی

ابو علی احمد بن مسکویه گوید: جوهر انسانی را فعل خاصی است که هیچ موجودی با وی در آن شرکت ندارد، و او اشرف موجودات عالم است، پس اگر افعال خاص او به او از او صادر نشود، به مثل چنان است که فعل فرس به کمال از او صادر نشود، و کمال اسب این است که سواری خوبی برای انسان باشد و چون از این فعل و کمال سقوط کند، همسر حمار گردد، بر وی پالان نهند و او را بار کشند. و با سیف که او را فعل خاص است که کمال او در آن است، و چون شمشیر از کمالش بیفتد نعل چارپا گردد. باری! شمشیر پولادین تا به کمالش است لایق دست دلاوران است، دارای غلافی گرانقدر است، بر کمر یک سلحشور جنگ آور بسته است و چه قدر و قیمت دارد، حالا- اگر این شمشیر از کمال خود ساقط شود، او را موربانه خورد و زنگ زد و فاسد شد، پاره فلزی است که به کناری انداخته می شود تا در دست یک آهنگر عادی می افتد و نعل چارپایی می شود، بین از کجا به کجا رسیده است، لقد خلقنا الانسان فی اءحسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین. (۳۸۰) (۳۸۱)

۳۸۱- شناخت خدا

علی (ع) فرمود: من عرف نفسه عرف ربه؛ هر که خود را شناخت خدا را شناسد. یعنی هر که خود را شناخت که از نطفه پست و ناچیز وجودی یافته به این جمال و کمال جسمانی و روحانی که عالم عقلی است مطابق با عالم عینی البته خدای خود را خواهد شناخت؛ زیرا می داند که جز ذات عالم قادر حکیم و اهاب الصور این وجود را از نطفه به این کمال نرسانیده است پس در اثر فکر و توجه به نفس ناطقه مجرد خود خدا را به اوصاف جمال و جلال و کل الحسن و الکمال خواهد شناخت و باز فرمود: هر که خود را شناخت خدا را شناسد و چون خدا را شناخت به معرفت کل الوجود و حقیقه الکل نائل گردیده و بالنتیجه بهر علم و معرفت راه یافته است. (۳۸۲)

۳۸۲- درجات و درجات انسانی

درجات اشاره به صعود انسان دارد، انسان که بالا می رود درجات را می پیماید. درجات در مقابل درجات است که به سقوط و هبوط انسان اشاره دارد، انسان که پایین می آید درجات را طی می کند، لذا جهنم را درجات است. خداوند سبحان، انسان را که در قرآن بالا- می برد درجات تعبیر می کند والذین اتوا العلم درجات (۳۸۳) هم درجات عندالله (۳۸۴) و اولئك لهم الدرجات العلی (۳۸۵) و فرمود: ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار (۳۸۶) (۳۸۷)

۳۸۳- بنگر که در مزرعه خویش چه کاشته ای؟!

هر کسی سفره خود و مهمان سفره خود است. و بعبارة اءخری: هر کسی زارع و مزرعه خودش است و نیات و علوم و اعمالش

بذرهایش ، بنگر تا در مزرعه خویش چه کاشته ای که علی التحقیق علم و عالم و معلوم و عمل و عامل و معمول اتحاد وجودی دارند و آن تویی . در قول حضرت رسول الله (ص) : الدنيا مزرعة الاخرة و در کلام جناب وصی (ع) به حارث همدانی : انت مع من احببت و نظایر اینگونه احادیث صادر از اهل بیت عصمت و وحی دقت کن ! (۳۸۸)

۳۸۴- تا به جایی رسی که یکی از جهان و جهانیان بینی !

بالاخره همه چیز را از او می گیرند حتی توای تو را ، و می رسی به جایی که می یابی اوست و بس . ان کل من فی السموات و الارض الا آتی الرحمن عبدا لقد اءحصیهم وعدهم عدا و کلهم آتیه یوم القیمه فردا (۳۸۹) هر چیز که دیدم همه بگذاشتنی بود جز یاد تو ای دوست که آن داشتنی بود (۳۹۰)

۳۸۵- دستور ادب آموز الهی

رسول الله (ص) فرموده است : ان هذا القرآن ماء دبه الله فتعلموا مادبته ما استطعتم و ان اصفر البيوت لبیت اصفر من کتاب الله . (۳۹۱) یعنی قرآن دستور ادب آموز خداوند است ، از این دستور به اندازه توانایی خود فرا بگیرید ، و هر آینه تهی ترین خانه ها ، آن خانه ای است که از کتاب خدا تهی باشد .

۳۸۶- غافل از نور مباش !

حضرت رسول (ص) فرمود : اللهم اجعل لی فی قلبی نورا و فی سمعی نورا و فی بصری نورا چون این نور حاصل شود خوشا به حالت عزیزم ! جد و جهد نما تا کاملی را بیابی و او تو را به راه اندازد و از حسیض نقصان به اوج کمال رساند ، این بیت را هم از این کمترین بشنو : تحفه جان را چو سازی عقر راه قرب دوست دوست را یابی به انواع عطایا و تحف (۳۹۲)

۳۸۷- عیدی علامه طباطبایی

شب جمعه هفتم ماه شعبان ۱۳۸۷ ه ق در محضر مبارک جناب استاد علامه طباطبایی صاحب المیزان تشریف حاصل کرده ام ، عرض نمودم : حضرت آقا ! امشب شب جمعه و شب عید است ، لطفی بفرمایید ! فرمودند : سوره مبارکه ص و القرآن ذی الذکر را در نمازهای و تیره بعد از حمد بخوانید که در حدیث است سوره ص از ساق عرش نازل شده است . (۳۹۳)

۳۸۸- غافل از نور مباش !

حضرت رسول (ص) فرمود : اللهم اجعل لی فی قلبی نورا و فی سمعی نورا و فی بصری نورا چون این نور حاصل شود خوشا به حالت . عزیزم ! جد و جهد نما تا کاملی را بیابی و او تو را به راه اندازد و از حسیض نقصان به اوج کمال رساند ، این بیت را هم از این کمترین بشنو : تحفه جان را چو سازی عقر راه قرب دوست دوست را یابی به انواع عطایا و تحف (۳۹۴)

۳۸۹- نسبت دنیا به آخرت

نسبت دنیا به آخرت ، نسبت نقص به کمال است ، صدرالمثناء لهین در آخر اصل یازدهم فصل اول باب یازدهم نفس اسفار گوید : نسبة الدنيا الى الاخرة نسبة النقص الى الكمال و نسبة الطفل الى البالغ و لهذا يحتاج فی هذا الوجود كالاطفال لضعفهم و نقصهم الى

مهد هو المكان و دایه هو الزمان (ج ۴ ، ص ۱۵۰) این کلام آخوند ترجمه گفتار خواجه در فصل چهارم آغاز و انجام است که گوید: چون دنیا ناقص است به مثابه کودک ، و طفل را از دایه و گهواره گزیر نیست ، دایه او زمان است و گهواره او مکان . (۳۹۵)

۳۹۰- توشه ای به فراخور سفر باید!

ای مسافر ابدی! توشه باید به فراخور سفر باشد . (۳۹۶)

۳۹۱- که یکی هست و هیچ نیست جز او!

احد آن است که جزء ندارد ، واحد آن که شریک ندارد . هر واحدی احد نیست مانند چیزهایی که منحصر به فردند ، چون عرش و کرسی و مثل جبریل و میکائیل که در یک جزء با دیگران شریک اند ، مثل عرش به یک معنی که با سایر اجسام در جسمیت ، و جبریل با سایر ملایکه در جوهریت و تجرد . و خداوند در هیچ صفتی ذاتی با کسی شریک نیست . چون ذاتش مرکب می شود . و اگر گویی در وجود مشترک اند ، گوئیم که هیئات با وجود او دیگران وجود ندارد! (۳۹۷)

۳۹۲- اگر کوری بینا گردد!

اگر کور یک مرتبه بینا شود ، از تعجب مبهوت گردد ، چنانکه شما اگر چیزی نادر دیدید ، سبحان الله گوئید ، با این که غیر نادر عجیب بیشتر است . (۳۹۸)

۳۹۳- تو خود حجاب خودی!

نفس انسانی مستعد قبول علم از جواهر عقول است و هیچ حجابی از جانب آنان نیست حجاب ، از قابل است . چون حجاب مرتفع شود و نفس به صفت تخلیه متصف شود ، مقام تخلیه که متحلی شدن به حقایق انوار ملکوتیه است برای او حتم است . سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار زنگار خورده چون بنماید جمال دوست و نفس انسانی چون به نیروی علم و نور حضور و مراقبت قوی شد ، حواس وی را به مدرکات خود مشغول نتوانند گردانید در حال بیداری وی را افاضات علمی چنان حاصل شود که دیگران را در خواب ؛ بلکه چون نفس قوی شود ، رؤیا کم گردد که حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی رضوان الله تعالی علیه در کتاب شریف تحف العقول از حضرت رسول (ص) روایت کرده است : قال (ص) لا یحزن احدکم ان ترفع عنه الرؤیا فانه اذا رسخ فی العلم رفعت عنه الرؤیا . (ص ۵۰ ، کلمه ۱۲۴) و سرش این است که حال در بیداری می بیند . (۳۹۹)

۳۹۴- صبر جزیل

ابان بن تغلب گوید که : زنی دیدم پسرش مرد ، برخاست چشمش را بست و او را پوشاند و گفت : جزع و گریه چه فایده دارد؟ آنچه را پدرت چشید تو هم چشیدی و مادرت بعد از تو خواهد چشید . بزرگ ترین راحت ها برای انسان خواب است و خواب ، برادر مرگ است ! چه فرق می کند در رختخواب بخوابی یا جای دیگر ، اگر اهل بهشت باشی مرگ به حال تو ضرر ندارد و اگر اهل نازی ، زندگی به حال تو فایده ندارد ، اگر مرگ بهترین چیزها نبود ، خداوند پیغمبر خود را نمی میراند و ابلیس را زنده نمی گذاشت . (۴۰۰)

۳۹۵- میان ماه و رخ یار من مقابله بود!

چون مرآه قلب را شطر شمس ملکوت داشته باشی و چهره جان را با عالم آله بداری ، تا ماه دل با خورشید آسمان حقیقت در مقابله بود ، تمام آن نور گردد و بدر شود ، آنگاه به زمزمه و ترنم آبی که : ز اخترم نظر سعد در ره است که دوش میان ماه و رخ یار من مقابله بود ! همچنان که رسول اکرم (ص) قرآن را در شب قدر انزالا تلقی کرد و تدریجا و نجوما به تفصیل تنزیل شد ، تو نیز به قدر خود از ملکوت عالم خواهی گرفت که حصول استعداد همان و نزول حقایق همان ، چه هیچ کس در عالم محروم نیست ، چنانکه آحاد رعیت که تاءسی به حضرتش داشتند چنین موهبتی را یافتند . (۴۰۱)

۳۹۶- زاهد تویی

ای هارون ! هارون از شقیق بلخی پرسید : شقیق بن ابراهیم زاهد تویی ؟ گفت : شقیق بن ابراهیم منم ، ولی زاهد تویی . چون من دنیای قلیل را ترک کردم و تو آخرت را پشت پا زدی . (۴۰۲)

۳۹۷- خلق رحم

رسول خدا (ص) از خدای تعالی حکایت کرد که فرمود : من الله هستم و من رحمانم ، رحم را خلق کردم و برای رحم اسمی از اسماء خویش را مشتق کردم ، هر کس که صله رحم نماید . من نیز با او پیوندم و هر کس قطع رحم کند ، من نیز از او بیرم . بدان که وصل رحم با شناخت مکانت و تفخیم قدر رحم است ؛ زیرا اگر رحم نباشد ، تعین روح انسان از حقیقت کلیه ظهور نمی یابد و قطع رحم به پست شمردن آن و کم گذاشتن حق آن است . سپس این که طبیعت نیز رحمی همانند رحم زن است و رحم اسم حقیقت طبیعت است ، پس رحم از رحمان مشتق شده و بدون شک حدیث یاد شده و معنای وصل و فصل بر آن صادق است . (۴۰۳)

۳۹۸- شهادت فاطمه در اذان

اکنون که فهمیدی بقیه نبوت و عقیده رسالت و ودیعه مصطفی و زوجه ولی الله و کلمه تامه الهی ، فاطمه (س) حائز مقام عصمت است ، پس مانعی ندارد که در فصول اذان و اقامه به عصمت آن حضرت شهادت دهید و مثلا چنین بگویید : اءشهد ان فاطمة بنت رسول الله عصمة الله الكبرى ؛ یعنی شهادت می دهم که فاطمه دختر رسول خدا عصمت کبری خدا است . (۴۰۴)

۳۹۹- شناخت فاطمه زهرا همانند درک شب قدر

رسول خدا (ص) فرمود : هر کس فاطمه را آنگونه که حق فاطمه است بشناسد ، شب قدر را ادراک کرده است و علت نامگذاری آن حضرت به فاطمه آن است که خلایق از کنه معرفت وی بریده شدند ، (به کنه معرفت وی نمی رسند . (۴۰۵)

۴۰۰- علت نام گذاری فاطمه زهرا

ابی عبدالله (ع) فرمود : انا انزلناه فی لیلة القدر لیلة ، فاطمه است و قدر ، الله است ، پس آن کس که فاطمه را آنگونه که سزااست بشناسد ، لیلة القدر را ادراک کرده است . علت نامگذاری وی به فاطمه آن است که خلایق از معرفت فاطمه محروم و بریده شدند . رسول خدا (ص) فرمود : او را فاطمه نامیدم ، زیرا خدای ، او را و آن کس را که دوستش داشته باشد از آتش دور کرده است .

۴۰۱- نامحدود بودن ظرفیت آدمی

امیر المؤمنین علی (ع) فرمود: کل وعاء یضیق بما جعل فیه، الا وعاء العلم فانه یتسع به؛ یعنی هر ظرف به آنچه که در او نهاده شد، گنجایش او تنگ می‌شود، مگر ظرف علم که گنجایش او بیشتر می‌گردد. هر یک از ظرف‌های جسمانی را حد معینی است که گنجایش آنها را تحدید می‌کند، مثلاً- پیمان‌ها و برکه‌ها و دریاچه‌ها و دریاها، هر یک را اندازه‌ای است که بیش از آن اندازه آب را نمی‌پذیرند، به خلاف نفس ناطقه انسانی که هر چه مظلوف او که آب حیات علوم و معارف است در او ریخته شود، سعه وجودی و ظرفیت ذاتی و گنجایش او بیشتر و برای فرا گرفتن حقایق بیشتر آماده‌تر می‌شود. (۴۰۷)

۴۰۲- پندهای برگزیده از صد دانه در یکدانه

۱- آن که خود را شناخت، چگونه دیگری را می‌شناسد؟! ب- آن که از صحیفه نفس خود آگاهی ندارد از کدام کتاب و رساله طرفی می‌بندد؟! ج- آن که گوهر ذات خود را تباه کرده است، چه بهره‌ای از زندگی برده است؟! د- آن که خود را فراموش کرده است، از یاد چه چیز خرسند است؟! ه- آن که می‌پندارد کاری برتر از خود شناسی و خداشناسی است چیست؟! و- آن که در صقع ذات خود با تمثالات ملکی همدم و همسخن نباشد، باید با چه اشباح و خیالات هم‌دهن باشد؟! ز- آن که خود را برای همیشه درست نساخت پس به چه کاری پرداخت؟! ح- آن که از سیر انفسی به سیر آفاقی نرسیده است، چه چشیده و چه دیده است؟! ط- آن که می‌انگارد در عوالم امکان، موجودی بزرگ‌تر از انسان است؟! ی- آن که تن آراست و روان آلاست، به چه ارج و بهاست؟! یا- آن که معاش مادی را وسیله مقامات معنوی نگردد سخت در خطاست. یب- آن که به هر آرمان است، ارزش او همان است. یج- آن که از مرگ می‌ترسد، از خودش می‌ترسد. ید- آن که خدای را انکار دارد، منکر وجود خود است. یو- آن که در خود فرو نرفته است، و در بحار ملکوت سیر نکرده است و از دیار جبروت سر در نیاورده است، دیگر سباح و سیاحت را چه وزنی نهاده است؟! یز- آن که خود را جدولی از دریای بیکران هستی نیافته است، در تحصیل معارف و ارتقای چه می‌اندیشد؟! یح- آن که خود را متسخر در تحت تدبیر متفرد به جبروت نمی‌یابد، در وحدت صنع صورت شگفتش چه می‌گوید؟! یط- آن که در وادی مقدس من کیستم؟ قدم نهاده است، خرواری به خردلی! ک- آن که از اعتلای فهم خطاب محمدی سرباز زده است، خود را به مفت باخته است. کا- آن که طبیعتش را بر عقلش حاکم گردانیده است، در محکمه هر بخردی محکوم است. کب- آن که در اطوار خلقتش نمی‌اندیشد، سودای او سراسر زیان است کج- آن که خود را زرع و زارع و مزرعه خود نداند، از سعادت جاودانی باز بماند. کد- آن که غذا را مسانخ مغتذی نیابد، هرزه خوار می‌گردد، و هرزه خوار هرزه گو و هرزه کار می‌شود. که- آن که کشتزارش را وجین نکند از گیاه هرزه آزار بیند. کو- آن که من عرف نفسه فقد عرف ربه را درست فهم کند، جمیع مسائل اصیل فلسفی و مطالب قویم حکمت متعالی و حقایق متین عرفانی از آن استنباط تواند کرد؛ لذا معرفت نفس از مفتاح خزاین ملکوت فرموده‌اند. پس برهان شرف این گوهر یگانه‌اعنی جوهر نفس، همین ماء‌نور شریف من عرف بس است. لا- آن که به سر سوره قدر کشف تام محمدی برسد، انسان را صاحب مقام فوق مجرد بشناسد؛ چه این که قرآن مجید بیکران در ليله مبارکه بنیه محمدیه، از غایت فسحت قلب و نهایت شرح صدرش به انزال دفعی فرود آمده است. لب- آن که در معرفت انسان و قرآن تو غل کند، قرآن را به صورت کتیه انسان کامل شناسد، و نظام هستی را صورت عینی او یابد. له- آن که خطاب محمدی را درست فهم کند که انسان‌ها برای اغتدای از این سفره الهی دعوت شده‌اند، قدر و مرتبت خود را شناسد و در راه استکمالش پویا و جويا گردد. ن- آن که در باطن و ظاهر خود تامل کند، بدین حقیقت

می‌رسد که هیچ‌گاه باطن از ظاهر غافل نمی‌شود، حتی نائم در نوم خود و سکران در سکر خود، لذا به اصابت کمترین اذی و الم بدان‌ها آگاه می‌گردند؛ پس نفس را مظهر لا تاءخذہ سنه و لا نوم می‌یابد، و از اینجا زیادت بصیرت حاصل کند که باطن عالم حیات و علم و آگاهی است هیچ‌گاه از ظاهر غافل نمی‌شود؛ اما ظاهر بر اثر اشتغال به غیرش از باطن غافل می‌گردد. نا- آن که در رشد خود دقت کند، می‌بیند که او را دو گونه غذا باید: غذایی که مایه پرورش تن اوست، و غذایی که مایه پرورش روان اوست. و هر یک را دهانی خاص است: دهان آن دهان است، و دهان این گوش. نه از غذای تن روان پرورش می‌یابد و فربه می‌شود، و نه از غذای روان تن. آب مظهر و ظل حیات و علم است، و تن مرتبه نازله نفس و ظل آن است؛ تن تشنه آب خواهد که ظل حیات است و روان تشنه علم خواهد که اصل آن است. امام ملک و ملکوت صادق آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر عام کریمه (فلینظر الانسان الی طعامه)، فرمود: علمه الذی یاءخذہ عن یاءخذہ؛ بنگر که غذای جسم و جان تو چگونه است؟ و بدان که غذا با همه اختلاف انواع و ضروب آن، مظهر صفت بقاء و از سدنه اسم قیوم و با مغذی مسانخ است؛ و تغذی حب دوام ظهور اسم ظاهر و احکام آن است. عا- آن که راه آه و سوز و گداز که روح و ریحان و جنت نعیم اهل دل است، و راز و نیاز که قره عین عارف است، نباشد پس نشاط و شادی او در چیست؟! عو- آن که از خواب غفلت بیدار شده است از نامحرمان - اعی از خفتگان و مردگان - دوری‌گزیند و حیات ابد آرزو کند، و چندان که گرفتار به درد چشم در یافتن چشم پزشک برآید، او دو صد چندان در جستن زنده زنده کننده. در اصحاب هشتم انجیل متی آمده است که: یکی از شاگردان حضرت مسیح علیه السلام بدو گفت: ای آقا! مرا بار ده که نخست بروم پدرم را به خاک بسپارم؛ بدو فرمود: پیرو من باش، مردگان را بگذار، مردگان به خاک بسپارند! و در شریعت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم مردی انصاری از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: هر گاه جنازه و مجلس عالمی پیش آید کدام یک در نزد تو محبوب تر است تا حاضر شوم؟ فرمود: اگر برای تجهیز و دفن جنازه کسی هست، همانا که حضور مجلس عالم برتر از حضور هزار جنازه است. عط- آن که با یاد خدا همدم نیست آدم نیست! فه- آن که خود را دوست دارد، دیگر آفریده‌ها را دوست دارد که همه برای او در کارند. فو- آن که برای خدا یک چله کشیک نفس کشد، چشمه‌های دانش از دلش بر زبانش آشکار گردد. چنانکه خواجه عالم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: من اءخلص لله اربعین صباحا ظهت ینایع الحکمۃ من قلبه علی لسانه. فح- آن که در گوهر نفس خود، ساعتی به فکر تبنشیند دریابد که اگر خود او آن را به تباهی نکشاند، هیچ کس نتواند آن را تباه کند. و آنچه که او را از تباهی باز می‌دارد، دانش بایسته و کردار شایسته است که دانش آب حیات ارواح است، چنانکه آب مایه حیات اشباح است. صب- آن که را درد نیست مرد نیست. ضر- آن که در احوال والدین نسبت به اولاد تاءمل کند می‌بیند آنچه که از پدر و مادر در حق فرزند است رحمت است، و پیش آمدن خشم بر وی بر اثر گستاخی فرزند و نافرمانی اوست. از این جا به معنی یا من سبقت رحمته غضبه پی برد، و خود را مظهر این اسم شریف بیند، و به اصیل بودن جنت و طاری بودن جهنم آگاه شود. صح- آن که در قرآن و انسان تعقل کند، قرآن را سفره پر نعمت رحمت رحیمیه الهی، و وقف خاص انسان یابد. هم آن را بی پایان یابد که کتاب الله است قل کل یعمل علی شاکلته، و هم این را که حد یقف برای او نبود؛ چنان سفره برای چنین کس گسترده است. قرآن: حروف آن اسرار، کلمات آن جوامع کلم، آیات آن خزاین، سوره‌های آن مداین حکم، مدخل آن باب رحمت بسم الله الرحمن الرحیم، وقف خاص مخلوق فی احسن تقویم، واقف آن رحمن و موقوف علیه آن انسان است. و با توجه بدین که علم و عمل انسان سازنده و جزاء، نفس عمل است و صورت هر انسان در آخرت، نتیجه عمل و غایت فعل او در دنیا است، به سر گفتار قرآن و نبی و وصی رسد که: یس و القرآن الحکیم، انا مدینة الحکمۃ و هی الجنة و انت یا علی! بابها، اءن درجات الجنة علی عدد آیات القرآن، فاا کان یوم القیامة یقال لقاریء القرآن اقرء و ارق. قرآن، حکیم است و آیات او حکمت است و حکمت، بهشت است و درجات بهشت، به عدد آیات قرآن اند و جانی که حکمت اندوخته است شهر بهشت است و ولایت، در این شهر آری! ولایت در بهشت

است، ولایت زبان قرآن است، ولایت معیار و مکیال انسان سنج است، و میزان تقویم و تقدیر ارزش انسان‌ها است. پس هر کس صحیفه وجود خود را مطالعه کند که تا چه پایه قرآن است، یعنی مدینه حکمت و شهر بهشت است. رساله قرآن و انسان ما را در این نکته علیا، رتبه والاست. صط- آن که در ارتباط بی تکلیف و بی قیاس خود با پروردگارش درست بیاندیشد، دریابد که صلاة سبب مشاهده است و مشاهده محبوب قره عین محب است. لذا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: جعلت قره عینی فی الصلاة؛ زیرا که صلاة مناجات بین حق تعالی و عبد اوست، و چون صلاة مناجات است ذکر حق است، و ذاکر حق هم نشین حق است و حق جلیس اوست، و کسی که جلیس ذاکر خود است او را می بیند والا جلیس او نیست. لذا وصی علیه السلام فرمود: لم اء عبد ربا لم اءهه پس صلاة مشاهده و رؤیت است، یعنی مشاهده عیانی روحانی و شهود روحی در مقام جمعی است، و رؤیت عینی در مظاهر فرقی است و به عبارت اخصر؛ مشاهده در مقام جمعی است، و رؤیت در مظاهر فرقی. پس اگر مصلی صاحب بصر و عرفان نباشد که نداند حق تعالی برای هر چیز و از هر چیز متجلی است، حق را نمی بیند. ق- آن که در ارزش تکوینی انسان تعقل کند، او را مکیال هر چیز و میزان قدر و قیمت آن داند؛ یعنی علم و حس انسانی را معیار معلومات و محسوسات یابد، و ارزش هر موجود را به وجود انسان و بهره بردن وی از آن و به تمدن جامعه انسانی وابسته بیند. این انسان است که در جمیع موجودات و در همه عوالم و مراتب سیر علمی می نماید، و وی را مقام وقوف نیست و به هر رتبه و درجه ای که رسیده است در آن مرتبه توقف نمی کند و به مرحله بالاتر عروج می یابد، و منصف به صفات کمالیه جمیع موجودات می گردد، و بر همه تسلط می یابد، و به حقیقه الحقائق که حیات مطلق و جمال و جلال مطلق است می رسد؛ و به اذن او که اذن فعلی و اتصاف کمالات وجودی است، می تواند در ماده کاینات تصرف کند و رب انسانی شود و خلیفه الله گردد و کار خدایی کند، والسلام.

۴۰۳- کلمات قصار

علی (ع) در معرفت نفس (۴۰۸) ۱- بزرگ ترین نادانی، نادانی انسان در کار نفس خودش است. ۲- بزرگ ترین دانش، خود شناسی است. ۳- برترین خرد، شناسایی آدمی به نفس خود است؛ پس هر که خود را شناخت باخرد است، و آنکه خود را شناخت گمراه است. ۴- زیرک کسی است که خود را شناخت و کارهایش را خالص گردانید. ۵- عارف کسی است که نفس خود را شناخت و آن را آزاد کرد و از هر چه که دورش می کند پاک گردانید. ۶- معرفت نفس نافع ترین دو معرفت است (معرفت آفاق و معرفت انفس، سنریمه آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم. ۷- در شگفتم از کسی که گمشده خود را می جوید و خودش را گم کرده و نمی جوید! ۸- غایت معرفت این است که آدمی خود را بشناسد. ۹- کسی که از خود آگاهی ندارد، چگونه از دیگری آگاهی می یابد؟ ۱۰- آنکه خود را شناخت، به نهایت هر آگاهی و دانش رسید ۱۱- هر که نفس خود را شناخت با آن مجاهده می کند، و آنکه نشناخت آن را مهمل می گذارد. ۱۲- خود شناسی، سودمندترین شناسایی هاست. ۱۳- آن کس که به خود شناسی دست یافت به رستگاری بزرگ رسیده است. هر کس خود را شناخت پروردگارش را شناخت. ۱۴- هر کس خود را شناخت پروردگارش را شناخت. ۱۵- در شگفتم از کسی که جاهل به خود است، چگونه می خواهد عارف به ربش شود.

پی نوشتها

۱ تا ۱۵۰

(۱) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۹. (۲) خطبه ۱۴۵ نهج البلاغه. (۳) سوره رعد، آیه ۱۲. (۴) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۴. (۵) سوره

اسراء، آیه ۹. ۶) الهی نامه، ص ۵. ۷) الهی نامه، ص ۴. ۸) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۷. ۹) سوره بقره، آیه ۱۸۷. ۱۰) سوره اسراء، آیه ۱۰. ۱۱) سوره انعام، آیه ۱۵۶. ۱۲) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۳۱. ۱۳) سوره آل عمران، آیه ۵۰. ۱۴) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۳۱. ۱۵) الهی نامه، ص ۸. ۱۶) الهی نامه، ص ۹. ۱۷) در آسمان معرفت، ص ۱۰۹، ۱۰۸. ۱۸) الهی نامه، ص ۱۱. ۱۹) الهی نامه، ص ۱۱. ۲۰) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۷. ۲۱) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۷. ۲۲) کتاب نور علی نور، ص ۷. ۲۳) نامه‌ها و ملاقات‌ها، ص ۳۰. ۲۴) نامه‌ها و ملاقات‌ها، ص ۲۸. ۲۵) نامه‌ها و ملاقات‌ها، ص ۳۱. ۲۶) نامه‌ها و ملاقات‌ها، ص ۳۱. ۲۷) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۸. ۲۸) کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۵۶ (معرب). ۲۹) کهف / ۲۹. ۳۰) کتاب نور علی نور، ص ۹. ۳۱) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۸. ۳۲) رساله لقاءالله، ص ۱۹۸. ۳۳) شیخ بهایی، ص ۱۱۰. ۳۴) کتاب نور علی نور، ص ۱۱۵. ۳۵) توبه، ص ۱۶۴. ۳۶) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۷. ۳۷) رساله نور علی نور، ص ۵۴. ۳۸) سوره بقره، آیه ۲۳. ۳۹) سوره بقره، آیه ۳۸. ۴۰) سوره اعراف، آیه ۲۳. ۴۱) و یاد کن ای رسول! حال ایوب را، وقتی دعا کرد که ای پروردگار! مرا بیماری و رنج سخت رسیده است و تو از همه مهربانان عالم برتری. انبیاء / ۸۳. ۴۲) رساله لقاءالله، ص ۱۹۴. ۴۳) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۷. ۴۴) مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۰۵. ۴۵) قرآن هرگز تحریف نشده، ص ۲۳ - ۲۴. ۴۶) شیخ بهایی، ص ۱۱۰. ۴۷) کتاب نور علی نور، ص ۱۴۴. ۴۸) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۴. ۴۹) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۷. ۵۰) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۸. ۵۱) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۴. ۵۲) در آسمان معرفت، ص ۱۴۲. ۵۳) الهی نامه، ص ۲۳. ۵۴) اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷. معرب. ۵۵) انسان و قرآن، ص ۸۱ - ۸۲. ۵۶) رساله حول الرؤیه، ص ۷۸. ۵۷) رساله نور علی نور، در ذکر و مذکور، ص ۸۷. ۵۸) اصول کافی، ج ۴، کتاب الایمان و الکنز، حدیث ۳. ۵۹) در آسمان معرفت، ص ۳۴۴ - ۳۴۳. ۶۰) شیخ بهایی، ص ۱۱۰. ۶۱) کتاب نور علی نور، ص ۴۳. ۶۲) کتاب نور علی نور، ص ۱۴۴. ۶۳) نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۱۵۴. ۶۴) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۲۱. ۶۵) سوره انبیاء، آیه ۸۸. ۶۶) هزار و یک نکته، ص ۶۰۵. ۶۷) اسراء / ۸۱. ۶۸) اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۹. معرب. ۶۹) زمر / ۲۳. ۷۰) هزار و یک نکته، ص ۱۰۱. ۷۱) نامه‌ها و برنامه‌ها، ص ۱۵۳. ۷۲) اختران تابناک، شیخ ذبیح الله محلاتی، ص ۵۵۷. ۷۳) رساله وحدت از دیدگاه عارف و حکیم، ص ۱۲۹. ۷۴) حکمت عملی، ص ۸۱. ۷۵) نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۷۲. ۷۶) سوره نور، آیه ۳۸. ۷۷) هزار و یک نکته، ج ۱ و ۲، ص ۵۳۹. ۷۸) نامه‌ها و ملاقات‌ها، ص ۴۵. ۷۹) رساله لقاءالله، ص ۱۵۸. ۸۰) ارشاد القلوب دیلمی، تصحیح مرحوم استاد شعرانی، آخر باب اول، ص ۱۱. ۸۱) معرفت نفس، دفتر سوم، ص ۵۳۱ - ۵۳۰. ۸۲) اسفار، ج ۱، ص ۳۰۵ - ۳۱۱، رحلی، چاپ سنگی. ۸۳) سوره نجم (۵۳): ۴۰. ۸۴) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۹۷ - ۹۶. ۸۵) در آسمان معرفت، ص ۳۴۳. ۸۶) هزار و یک نکته، ص ۶۳. ۸۷) حکمت عملی، ص ۸۵. ۸۸) هزار و یک نکته، ص ۶۱۹. ۸۹) کتاب نور علی نور، ص ۴۴. ۹۰) کتاب نور علی نور، ص ۱۴۵ - ۱۴۴. ۹۱) هزار و یک نکته، ص ۷۷۲. ۹۲) هزار و یک نکته، ص ۸۳۱. ۹۳) اصول کافی، ج ۴، کتاب الایمان و الکنز، حدیث اول. ۹۴) اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۹؛ کتاب الکنز و الایمان باب الذنوب. ۹۵) نامه‌ها، برنامه‌ها، ص ۲۷. ۹۶) کتاب نور علی نور، ص ۴۴. ۹۷) کتاب نور علی نور، ص ۱۴۵. ۹۸) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۲۸۵. ۹۹) هزار و یک نکته، ج ۱، ص ۱۰۰. ۱۰۰) جامع صغیر، ج ۲، ص ۱۶. ۱۰۱) هزار و یک نکته، ص ۶۲۱. ۱۰۲) هزار و یک نکته، ص ۴۵. ۱۰۳) هزار و یک نکته، ص ۷۷۲. ۱۰۴) هزار و یک نکته، ص ۶۰۶. ۱۰۵) الهی نامه، ص ۱۱. ۱۰۶) الهی نامه، ص ۲۱. ۱۰۷) توبه، ص ۱۳. ۱۰۸) مکان مشایخ و درویشان. ۱۰۹) نجات دادن. ۱۱۰) الهی نامه، ص ۲۴. ۱۱۱) من لایحضره الفقیه، ج ۱، باب ۲۴، ص ۱۳۳، حدیث ۳۵۱. ۱۱۲) الهی نامه، ص ۲۴. ۱۱۳) نامه‌ها برنامه‌ها، ص ۷۸. ۱۱۴) نامه‌ها و برنامه‌ها، ص ۱۱۴. ۱۱۵) نامه‌ها و برنامه‌ها، ص ۱۱۵. ۱۱۶) رساله لقاءالله، ص ۲۰۰ - ۱۹۹. ۱۱۷) توبه، ص ۱۲. ۱۱۸) اعمال نیک، اعمال زشت را از میان می‌برد، سوره هود، آیه ۱۱۴. ۱۱۹) هزار و یک نکته، ج ۱ و ۲، ص ۳۱۱. ۱۲۰) کتاب نور علی نور، ص ۴۶. ۱۲۱) در محضر استاد، ص ۲۳. ۱۲۲) سوره شعراء، آیه ۷۹ - ۸۲. ۱۲۳) کتاب نور علی نور، ص

۱۰۳. ۱۲۴) نهج الولاية، ص ۶۱. ۱۲۵) در آسمان معرفت، ص ۱۴۲. ۱۲۶) الهی نامه، ص ۲۵. ۱۲۷) توبه، ص ۴۲. ۱۲۸) الهی نامه، ص ۲۵. ۱۲۹) سوره اسراء، آیه ۴۵. ۱۳۰) کتاب نور علی نور، ص ۱۴۵. ۱۳۱) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۵. ۱۳۲) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۸. ۱۳۳) توبه، ص ۴۱. ۱۳۴) در محضر استاد، ص ۷۳. ۱۳۵) رساله لقاء الله، ص ۲۰۷. ۱۳۶) الهی نامه، ص ۱۲. ۱۳۷) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۹. ۱۳۸) ثقة الاسلام کلینی، کافی، کتاب فضل علم، باب رجوع به کتاب و سنت، ح ۱. ۱۳۹) رساله امامت، ص ۹۹. ۱۴۰) نامه ها و ملاقات ها، ص ۶۲. ۱۴۱) رساله لقاء الله، ص ۱۶۵. ۱۴۲) رساله امامت، ص ۲۰۲. ۱۴۳) لقاء الله، ص ۱۶۴. ۱۴۴) رساله لقاء الله، ص ۱۶۰. ۱۴۵) نقل از کافی و من لا یحضره الفقیه. ۱۴۶) نامه ها و برنامه ها، ص ۱۱۵. ۱۴۷) سوره نساء، آیه ۸۰. ۱۴۸) وافی، ج ۲، ص ۲. ۱۴۹) نهج البلاغه، کلمه حکمت ۳۹۱. ۱۵۰) رساله لقاء الله، ص ۱۲۴.

۱۵۱ تا ۳۰۰

۱۵۱) توبه، ص ۲۰۱. ۱۵۲) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۲. ۱۵۳) وافی ج ۵، ص ۲۳۵. رحلی. ۱۵۴) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۲۸۸. ۱۵۵) حول الرؤیة، ص ۹۷. ۱۵۶) هزار و یک نکته، ص ۶۵۹. ۱۵۷) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۴۵. ۱۵۸) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۴. ۱۵۹) کتاب نور علی نور، ص ۵۳. ۱۶۰) هزار و یک نکته، ص ۲۵۸. ۱۶۱) رسائل کندی، ص ۲۷۹، طبع مصر. ۱۶۲) رساله لقاء الله، ص ۱۷۲. ۱۶۳) تفسیر المیزان، ترجمه عبدالکریم نیری، ج ۴، ص ۳۷۹. ۱۶۴) نامه ها و ملاقات ها، ص ۶۲. ۱۶۵) کتاب نور علی نور، ص ۵۵. ۱۶۶) نامه ها و ملاقات ها، ص ۶۴. ۱۶۷) مجموعه مقالات، ص ۱۰۶. ۱۶۸) سیمای نماز، ص ۸۳. ۱۶۹) الهی نامه، ص ۶۹. ۱۷۰) معرفت نفس، دفتر سوم، ص ۴۶۱. ۱۷۱) هزار و یک نکته، ص ۲۲۸. ۱۷۲) ج ۲، ص ۲۹۰ (کافی معرب). ۱۷۳) رساله لقاء الله، ص ۱۹۷. ۱۷۴) هزار و یک نکته، ص ۸۲۳. ۱۷۵) رساله جول الرؤیة، ص ۱۱۸. ۱۷۶) نقل از کتاب کافی. ۱۷۷) نامه ها و برنامه ها، ص ۲۲۴. ۱۷۸) نامه ها و ملاقات ها، ص ۲۲۶. ۱۷۹) نامه ها و برنامه ها، ص ۲۲۴. ۱۸۰) هزار و یک نکته، ص ۸۳۰. ۱۸۱) سوره الاعراف، آیه ۱۴۶. ۱۸۲) سوره مائده آیه ۶۷. ۱۸۳) نامه ها و ملاقات ها، ص ۶۴. ۱۸۴) آخر سوره فرقان. ۱۸۵) نامه ها و ملاقات ها، ص ۷۲. ۱۸۶) سوره مزمل، آیه ۷-۸. ۱۸۷) نامه ها و برنامه ها، ص ۲۲۶. ۱۸۸) الهی نامه، ص ۲۸. ۱۸۹) الهی نامه، ص ۲۶. ۱۹۰) نامه ها و برنامه ها، ص ۲۲۶. ۱۹۱) رساله نور علی نور، ص ۱۵۷. ۱۹۲) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۴. ۱۹۳) هزار و یک نکته، ص ۴۲۷. ۱۹۴) نامه ها و ملاقات ها، ص ۴۴. ۱۹۵) لقاء الله، ص ۱۲۱. ۱۹۶) هزار و یک نکته، ص ۸۳۰. ۱۹۷) الهی نامه، ص ۳۱. ۱۹۸) الهی نامه، ص ۳۳. ۱۹۹) الهی نامه، ص ۷۰. ۲۰۰) هزار و یک نکته، ص ۵۳۹. ۲۰۱) الهی نامه، ص ۳۵. ۲۰۲) سوره فجر، آیه ۲۶. ۲۰۳) هزار و یک نکته، ج ۳، ص ۲۸۴. ۲۰۴) رساله امامت، ص ۱۶۸. ۲۰۵) رساله لقاء الله، ص ۱۸۹. ۲۰۶) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۴۰. ۲۰۷) الفرقان، آیه ۷۷-۶۳. ۲۰۸) صراط سلوک، ص ۳۷. ۲۰۹) رساله امامت، ص ۲۱۳. ۲۱۰) الاعراف، آیه ۳۲. ۲۱۱) قوت القلوب، ابوطالب مکی چاپ مصر، ص ۲۱۵. ۲۱۲) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۶۴. ۲۱۳) هزار و یک کلمه، ج ۳، ص ۶-۷. ۲۱۴) بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶. ۲۱۵) امامت، ص ۱۷. ۲۱۶) صراط سلوک، ص ۴۱. ۲۱۷) از هر چیز زوج آفریدیم تا شما متذکر شوید. ۲۱۸) رساله حول الرؤیة، ص ۱۲۳-۱۲۱. ۲۱۹) الکافی، ج ۲، باب ۱۹۱، ص ۴۲۶، حدیث ۶. ۲۲۰) هزار و یک نکته، ص ۱۴۱. ۲۲۱) سوره کهف، آیه ۱۱۰. ۲۲۲) کتاب نور علی نور، ص ۱۵۰. ۲۲۳) هزار و یک نکته، ص ۱۴۹-۱۴۸. ۲۲۴) هزار و یک کلمه، ج ۳، ص ۲۵۰. ۲۲۵) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۴۲۴. ۲۲۶) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۷۹. ۲۲۷) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۲۸۰. ۲۲۸) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۴۴۱. ۲۲۹) مجموعه مقالات، ص ۱۶. ۲۳۰) مجموعه مقالات، ص ۱۶۳. ۲۳۱) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۴۵۵. ۲۳۲) مکارم الاخلاق، فصل ۵، باب ۴. ۲۳۳) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۳. ۲۳۴) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۴۵. ۲۳۵) جرعه ای حیاتبخش، ص ۳۵۱-۳۵۰ به نقل از مجله حوزه شماره ۵۵ ص ۵۲-۵۱. ۲۳۶) آیه آخر سوره اعراف. ۲۳۷) رساله نور علی نور، در ذکر و

ذاکر و مذکور، ص ۳۸. ۲۳۸) سوره حشر، آیه ۲۰. ۲۳۹) کتاب نور علی نور، ص ۶۳. ۲۴۰) کتاب نور علی نور، ص ۱۵۶. ۲۴۱) الهی نامه، ص ۱۳. ۲۴۲) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۶۳. ۲۴۳) سوره معارج، آیات ۲۰ - ۲۴. ۲۴۴) اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۱. ۲۴۵) اصول کافی، ج ۲، ص ۵۵، ح ۵. ۲۴۶) صراط سلوک، ص ۱۴۲. ۲۴۷) در آسمان معرفت، ص ۲۳۴. ۲۴۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲. ۲۴۹) مجموعه مقالات، ص ۱۷۴ - ۱۷۵. ۲۵۰) کشکول، ج ۱، ص ۱۴۳. ۲۵۱) اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳. ۲۵۲) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۵۴. ۲۵۳) بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۵. ۲۵۴) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۵۸. ۲۵۵) اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۱. ۲۵۶) باب ۴۹، ارشاد القلوب دیلمی. ۲۵۷) رساله لقاء الله، ص ۱۹۳. ۲۵۸) مصباح الشریعه، باب ۱۹، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۳. ۲۵۹) سوره نساء، آیه ۱۰۴. ۲۶۰) انسان و قرآن، ص ۷۹. ۲۶۱) رساله امامت، ص ۳۰ - ۳۱. ۲۶۲) توبه ص ۱۹۱ - ۱۹۲. ۲۶۳) هزار و یک نکته، ص ۱۷۷. ۲۶۴) نقل از کافی. ۲۶۵) هزار و یک کلمه، ج ۲، ص ۱۴۳. ۲۶۶) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور. ۲۶۷) اعراف / ۱۷۳. ۲۶۸) رساله حوله الرؤیه، ص ۱۳۹ - ۱۳۸. ۲۶۹) انسان و قرآن، ص ۷۸. ۲۷۰) رساله لقاء الله، ص ۱۹۷. ۲۷۱) انسان و قرآن، ص ۸۱ - ۸۰. ۲۷۲) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۲۷ - ۲۸. ۲۷۳) خبر الاءثر در رد جبر، ص ۳۷. ۲۷۴) رساله لقاء الله، ص ۱۴۳ - ۱۴۲. ۲۷۵) رساله لقاء الله، ص ۱۹۷. ۲۷۶) مجموعه مقالات، ص ۴۲ - ۴۳. ۲۷۷) الهی نامه، ص ۷۰. ۲۷۸) کتاب نور علی نور، ص ۱۵۷. ۲۷۹) رساله لقاء الله، ص ۵۵ - ۵۴. ۲۸۰) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۳۵. ۲۸۱) در محضر استاد، ص ۲۱ - ۲۰. ۲۸۲) هزار و یک کلمه، ج ۳، ص ۲۷۸. ۲۸۳) کتاب نور علی نور، ص ۱۵۷. ۲۸۴) رساله لقاء الله، ص ۸۹ - ۸۸. ۲۸۵) الهی نامه، ص ۶۹. ۲۸۶) انسان و قرآن، ص ۷۸. ۲۸۷) الاءعراف، آیه ۱۳. ۲۸۸) خبر الاءثر در رد جبر و قدر، ص ۹۰. ۲۸۹) لقاء الله، ص ۱۸۲. ۲۹۰) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۶۲. ۲۹۱) غرر الفوائد و درر الفلاند، ج ۱، ص ۲۷۴ و ج ۲، ص ۳۲۹ - ط ۱. ۲۹۲) رساله لقاء الله، ص ۴۴ - ۴۳. ۲۹۳) انعام / ۱۶۴. ۲۹۴) در محضر استاد، ص ۲۴ - ۲۳. ۲۹۵) رساله لقاء الله، ص ۱۹۴ - ۱۹۳. ۲۹۶) ابراهیم / ۴۲. ۲۹۷) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۱۹. ۲۹۸) سوره نساء، آیه ۹۸. ۲۹۹) سوره ماعون، آیه ۴ و ۳. ۳۰۰) هزار و یک نکته، ص ۳۰۳.

۴۰۸۶۳۰۱

۳۰۱) در آسمان معرفت، ص ۵۰. ۳۰۲) توبه، ۲۰۷. ۳۰۳) در محضر استاد، ص ۲۶. ۳۰۴) سوره نحل، آیه ۲۹. ۳۰۵) انسان و قرآن، ص ۵۵. ۳۰۶) سوره آل عمران، آیه ۱۷۰. ۳۰۷) نور علی نور، ص ۱۰۷. ۳۰۸) هزار و یک کلمه، ص ۱۲۶ - ۱۲۷. ۳۰۹) اصول کافی، ج ۱، ص ۷۲. ۳۱۰) مجموعه مقالات، ص ۱۷۴. ۳۱۱) ترجمه کتاب توبه، ص ۹۳. ۳۱۲) ترجمه کتاب توبه، ص ۱۳۱. ۳۱۳) شیخ بهایی، ص ۶۴۲. ۳۱۴) توبه، ص ۱۹۶. ۳۱۵) لقاء الله، ص ۱۷۴ - ۱۷۳. ۳۱۶) اصول کافی، کتاب الکفر و الایمان، حدیث اول. ۳۱۷) عنکبوت / ۴۶. ۳۱۸) طه / ۱۵. ۳۱۹) الهی نامه، ص ۱۵. ۳۲۰) قرآن هرگز تحریف نشده است، ص ۴۳ - ۴۲. ۳۲۱) الهی نامه، ص ۷. ۳۲۲) رساله نور علی نور، در ذکر و ذاکر و مذکور، ص ۳۶. ۳۲۳) مجموعه مقالات، ص ۱۰۲ - ۱۰۳. ۳۲۴) در آسمان معرفت، ص ۵۰. ۳۲۵) مجمع البیان، ص ۲۰۱. ۳۲۶) غافر / ۶۱. ۳۲۷) سوره محمد، آیه ۱۶. ۳۲۸) خبر الاءثر در رد خبر، ص ۹۶. ۳۲۹) خبر الاءثر در رد خبر و قدر، ص ۱۲۶. ۳۳۰) رساله لقاء الله، ص ۱۷۶ - ۱۷۵. ۳۳۱) رساله لقاء الله، ص ۱۴۶. ۳۳۲) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۱. ۳۳۳) لقاء الله، ص ۱۷۹. ۳۳۴) مجله حوزه، همان شماره، صفحه ۲۸. ۳۳۵) منظومه معرفت، ص ۴۰. ۳۳۶) نامه ها و ملاقات ها، ص ۶. ۳۳۷) الهی نامه، ص ۱۱. ۳۳۸) کتاب من لایحضره الفقیه. ۳۳۹) باب ۴۹، ارشاد القلوب دیلمی. ۳۴۰) اصول کافی، ج ۴، کتاب الایمان و الکنز، باب توبه، حدیث ۳. ۳۴۱) سفینه البحار. ۳۴۲) توبه، ص ۱۲۸. ۳۴۳) رساله لقاء الله، ص ۱۲. ۳۴۴) هزار و یک کلمه، ج ۱، ص ۱۷۵. ۳۴۵) الهی نامه، ص ۸. ۳۴۶) در آسمان معرفت، ص ۲۷. ۳۴۷)

هزار و یک نکته، ص ۷۵۰. ۳۴۸) سوره واقعه. ۳۴۹) خصال شیخ صدوق باب السنه، ج ۷. ۳۵۰) در آسمان معرفت، ص ۴۷. ۳۵۱) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۱. ۳۵۲) سوره اعراف، آیه ۱۴۴. ۳۵۳) در آسمان معرفت، ص ۲۳۳. ۳۵۴) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۳. ۳۵۵) سوره انفال، آیه ۲۴. ۳۵۶) مجموعه مقالات، ص ۱۷۱. ۳۵۷) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۴. ۳۵۸) کتاب نور علی نور، ص ۱۶۲. ۳۵۹) شرح فصول الحکم، ص ۲۷۸. ۳۶۰) شرح فصول الحکم، ص ۷۳۰. ۳۶۱) نامه‌ها و برنامه‌ها، ص ۲۴۰. ۳۶۲) شرح فصول الحکم، ص ۸۳۱. ۳۶۳) هزار و یک نکته، ص ۱۲۸. ۳۶۴) هزار و یک نکته، ص ۱۹۸. ۳۶۵) فصوص الحکم، ص ۳۱۵. ۳۶۶) هزار و یک نکته، ص ۱۷۸. ۳۶۷) هزار و یک نکته، ص ۱۴۹. ۳۶۸) فصوص الحکم، ص ۷۲۹. ۳۶۹) هزار و یک نکته، ص ۲۰۲. ۳۷۰) الانعام/ ۱۵. ۳۷۱) الحجر/ ۴. ۳۷۲) آیه الكرسي. ۳۷۳) بقره/ ۳۱. ۳۷۴) هزار و یک نکته، ص ۲۲۹. ۳۷۵) هزار و یک نکته، ص ۲۲۵. ۳۷۶) هزار و یک نکته، ص ۲۴۲. ۳۷۷) هزار و یک نکته، ص ۲۵۸. ۳۷۸) هزار و یک نکته، ص ۲۶۶. ۳۷۹) هزار و یک نکته، ص ۲۹۴. ۳۸۰) والتین. ۳۸۱) هزار و یک نکته، ص ۳۰۱. ۳۸۲) حکمت عملی، ص ۵۷. ۳۸۳) مجادله/ ۱۲. ۳۸۴) آل عمران/ ۱۶۴. ۳۸۵) طه/ ۷۶. ۳۸۶) النساء/ ۱۴۵. ۳۸۷) هزار و یک نکته، ص ۳۰۶ و ۳۰۷. ۳۸۸) هزار و یک نکته، ص ۳۱۸. ۳۸۹) مریم/ ۹۶. ۳۹۰) هزار و یک نکته، ص ۳۱۰. ۳۹۱) مجلس بیست و هفتم امالی علم الهدی سید مرتضی. ۳۹۲) هزار و یک نکته، ص ۵۹۴. ۳۹۳) هزار و یک نکته، ص ۵۱۹. ۳۹۴) هزار و یک نکته، ص ۵۹۴. ۳۹۵) هزار و یک نکته، ص ۶۵۳. ۳۹۶) هزار و یک نکته، ص ۶۹۹. ۳۹۷) هزار و یک نکته، ص ۶۰۱. ۳۹۸) هزار و یک نکته، ص ۶۱۸. ۳۹۹) هزار و یک نکته، ص ۷۳۰. ۴۰۰) هزار و یک نکته، ص ۷۹۶. ۴۰۱) هزار و یک نکته، ص ۷۳۰ و ۷۳۱. ۴۰۲) هزار و یک نکته، ص ۷۷۳. ۴۰۳) فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه، ص ۴۶. ۴۰۴) فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه، ص ۵۰. ۴۰۵) فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه، ص ۶۱. ۴۰۶) فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه، ص ۶۱ و ۶۳. ۴۰۷) انه الحق، ص ۱۳۰. ۴۰۸) هزار و یک کلمه، ج ۳، ص ۴۴۶ - ۴۲۵.